

قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

قانون مجازات اسلامي
جهت ملاحظه متن معتبر و كامل.

مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸



كتاب اول (منسوخه ۱۳۹۲, ۰۲, ۰۱) ـ كليات

باب اول - مواد عمومي

ماده ۱ - قانون مجازات اسلامي راجع است به تعيين انواع جرائم و مجازات و اقدامات تأميني و تربيتي كه درباره مجرم اعمال مي شود.

ماده ۲ - هر فعل يا ترك فعلي كه در قانون براي آن مجازات تعيين شده باشد جرم محسوب مي شود.



ماده ۳ - قوانين جزائي درباره كلييه كسانيكه در قلمرو حاكميت زميني ، دريائي و هوائي جمهوري اسلامي ايران مرتكب جرم شوند اعمال مي گردد مگر آنكه بموجب قانون ترتيب ديگري مقرر شده باشد.

ماده ۴ - هرگاه قسمتي از جرم در ايران واقع و نتيجه آن در خارج از قلمرو حاكميت ايران حاصل شود و يا قسمتي از جرم در ايران و يا در خارج و نتيجه آن در ايران حاصل شود در حكم جرم واقع شده در ايران است .

ماده ۵ - هر ايراني يا بيگانه اي كه در خارج از قلمرو حاكميت ايران مرتكب يكي از جرائم ذيل شود و در ايران يافت شود و يا به ايران مسترد گردد طبق قانون مجازات جمهوري اسلامي ايران مجازات مي شود:

۱- اقدام عليه حكومت جمهوري اسلامي ايران و امنيت داخلي و خارجي و تماميت ارضي يا استقلال کشور جمهوري اسلامي ايران .

۲- جعل فرمان يا دست خط يا مهر يا امضاء مقام رهبري و يا استفاده از آن .

۳- جعل نوشته رسمي رئيس جمهور يا رئيس مجلس شوراي اسلامي و يا شوراي نگهبان و يا رئيس مجلس خبرگان يا رئيس قوه قضائيه يا معاونان رئيس جمهور يا رئيس ديوان عالي کشور يا دادستان کل کشور يا هر يك از وزيران يا استفاده از آنها.

۴- جعل اسكناس رايج ايران يا اسناد بانكي ايران مانند براتهاي قبول شده از طرف بانكها يا چكهاي صادر شده از طرف بانكها و يا اسناد تعهدآور بانكها و همچنين جعل اسناد خزانه و اوراق قرضه صادره و يا تضمين شده از طرف دولت يا شبیه سازي و هرگونه تقلب در مورد مسكوكات رايج داخله .

ماده ۶ - هر جرمي كه اتباع بيگانه كه در خدمت دولت جمهوري اسلامي ايران هستند و يا مستخدمان دولت به مناسبت شغل وظيفه خود در خارج از قلمرو حاكميت جمهوري اسلامي ايران مرتكب مي شوند و همچنين هر جرمي كه مأموران سياسي و كنسولي و فرهنگي دولت ايران كه از مصونيت سياسي استفاده مي كنند مرتكب گردند، طبق قوانين جزائي جمهوري اسلامي ايران مجازات مي شوند.

ماده ۷ - علاوه بر موارد مذکور در مواد (۵) و (۶) هر ايراني كه در خارج ايران مرتكب جرمي شود و در ايران يافت شود طبق قوانين جزائي جمهوري اسلامي ايران مجازات خواهد شد.

ماده ۸ - در مورد جرائم كه بموجب قانون خاص يا عهود بين المللي مرتكب در هر کشوري كه بدست آيد محاکمه مي شود اگر در ايران دستگیر شد طبق قوانين جمهوري اسلامي ايران محاکمه و مجازات خواهد شد.

ماده ۹ - مجرم بايد مالي را كه در اثر ارتكاب جرم تحصيل کرده است اگر موجود باشد عيناً و اگر موجود نباشد، مثل يا قيمت آن را به صاحبش رد کند واز عهده خسارات وارده نيز برآيد.

ماده ۱۰ - بازپرس يا دادستان در صورت صدور قرار منع تعقيب يا موقوف شدن تعقيب بايد تكميل اشيا و اموال كشف شده را كه دليل يا وسيله جرم بوده و يا از جرم تحصيل شده يا حين ارتكاب استعمال اختصاص داده شده است تعيين کند تا مسترد يا ضبط يا معدوم شود در مورد ضبط دادگاه تكميل اموال واشياء را تعيين خواهد کرد همچنين بازپرس و يا دادستان مكلف است مادام كه پرونده نزد او جريان دارد به تقاضاي ذي نفع با رعايت شرايط زير دستور رد اموال و اشياء مذکور در فوق را صادر نمايد:

۱- وجود تمام يا قسمتي از آن اشياء و اموال در بازپرسی يا دادرسي لازم نباشد.

۲ - اشياء و اموال بلامعارض باشد.



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

۳- در شمار اشیاء و اموالي نباشد که باید ضبط یا معدوم گردد.

در کلیه امور جزائي دادگاه نیز باید ضمن صدور حکم یا قرار یا پس از آن، اعم از اینکه مبني بر محکومیت یا برائت یا موقوف شدن تعقیب متهم باشد، نسبت به اشیاء و اموالي که وسیله جرم بوده یا در اثر جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده حکم مخصوص صادر و تعیین نماید که آنها باید مسترد یا ضبط یا معدوم شود.

تبصره ۱- متضرر از قرار بازپرس یا دادستان یا قرار حکم دادگاه می تواند از تصمیم آنان راجع به اشیاء و اموال مذکور دراین ماده شکایت خود را طبق مقررات در دادگاههای جزائي تعقیب و درخواست تجدید نظر نماید. هرچند قرار یا حکم دادگاه نسبت به امر جزائي قابل شکایت نباشد.

تبصره ۲- مالي که نگهداري آن مستلزم هزینه نامتناسب برای دولت بوده یا موجب خرابي یا کسر فاحش قیمت آن گردد و حفظ مال هم برای دادرسي لازم نباشد و همچنین اموال ضایع شدني و سریع الفساد حسب مورد به دستور دادستان یا دادگاه به قیمت روز فروخته شده و وجه حاصل تا تعیین تکلیف نهائي در صندوق دادگستري به عنوان امانت نگهداري خواهد شد.



ماده ۱۱- در مقررات و نظامات دولتي، مجازات واقدامات تأمینی و تربیتی باید بموجب قانوني باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده باشد و هیچ فعل و ترك فعل را نمی توان بعنوان جرم بموجب قانون متأخر مجازات نمود لیکن اگر بعد از وقوع جرم قانوني وضع شود که مبني بر تخفیف یا عدم مجازات بوده و یا از جهات دیگر مساعدتر به حال مرتکب باشد نسبت به جرائم سابق بر وضع آن قانون تا صدور حکم قطعي مؤثر خواهد بود در صورتیکه بموجب قانون سابق حکم قطعي لازم الاجرا صادر شده باشد به ترتیب زیر عمل خواهد شد:



۱- اگر عملي که در گذشته جرم بوده بموجب قانون لاحق جرم شناخته نشود دراین صورت حکم قطعي اجراء نخواهد شد و اگر در جریان اجراء باشد موقوف الاجراء خواهد ماند و در این دو مورد و همچنین در موردی که حکم قبلاً اجرا شده باشد هیچ گونه اثر کیفری بر آن مترتب نخواهد بود این مقررات در مورد قوانینی که برای مدت معین و موارد خاصی وضع گردیده است اعمال نمی گردد.

۲- اگر مجازات جرمي بموجب قانون لاحق تخفیف یابد محکوم علیه می تواند تقاضاي تخفیف مجازات تعیین شده را بنماید و دراینصورت دادگاه صادرکننده حکم و یا دادگاه جانشین با لحاظ قانون لاحق مجازات قبلي را تخفیف خواهد داد.



۳- اگر مجازات جرمي به موجب قانون لاحق به اقدام تأمینی و تربیتی تبدیل گردد فقط همین اقدامات مورد حکم قرار خواهد گرفت .

باب دوم - مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی

فصل اول - مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی

ماده ۱۲- مجازاتهاي مقرر در این قانون پنج قسم است :

۱- حدود ۲- قصاص ۳- دیات ۴- تعزیرات ۵- مجازاتهاي بازدارنده .

ماده ۱۳- حد، به مجازاتي گفته می شود که نوع و میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است .

ماده ۱۴- قصاص ، کیفری است که جاني به آن محکوم می شود و باید با جنایت او برابر باشد.

ماده ۱۵- دیه ، مالي است که از طرف شارع برای جنایت تعیین شده است .

ماده ۱۶- تعزیر، تأدیب و یا عقوبتي است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و بنظر حاکم واگذار شده است از قبیل حبس و جزاي نقدي و شلاق که میزان شلاق بایستی از میزان حد کمتر باشد.

ماده ۱۷- مجازات بازدارنده ، تأدیب یا عقوبتي است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می گردد از قبیل حبس ، جزاي نقدي ، تعطیل محل کسب ، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی واقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آن .

ماده ۱۸- مدت کلیه حبس ها از روزي شروع می شود که محکوم علیه بموجب حکم قطعي قابل اجراء محبوس شده باشد.

تبصره - چنانچه محکوم علیه قبل از صدور حکم بعلت اتهام یا اتهاماتیکه در پرونده امر مطرح بوده بازداشت شده باشد دادگاه پس از تعیین تعزیر،از مقدار تعزیر تعیین شده یا مجازات بازدارنده به میزان بازداشت قبلي وي کسر می کند.



ماده ۱۹- دادگاه می تواند کسی را که به علت ارتکاب جرم عمدي به تعزیر یا مجازات بازدارنده محکوم کرده است به عنوان تتمیم حکم تعزیری یا بازدارنده مدتي از حقوق اجتماعی محروم و نیز از اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع یا به اقامت در محل معین مجبور نماید.



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

تبصره (منسوخه ۲۷, ۱۰, ۱۳۷۸) - نقاط اقامت اجباري محکومين با توجه به نوع جرائم آنان توسط دادگاهها تعيين مي‌شود.

آيين نامه اجرائي مربوط توسط وزارت دادگستري با هماهنگي وزارت کشور تهیه و به تصويب رئيس قوه قضائيه مي‌رسد.

ماده ۲۰ - محروميت از بعض يا همه حقوق اجتماعي واقامت اجباري در نقطه معين يا ممنوعيت از اقامت در محل معين بايد متناسب با جرم و خصوصيات مجرم در مدت معين باشد. در صورتيکه محکوم به تبعيد يا اقامت اجباري در نقطه اي يا ممنوعيت از اقامت در نقطه معين دراثناي اجراي حکم ، محل را ترك کند و يا به نقطه ممنوعه بازگردد، دادگاه مي تواند با پيشنهاد دادرسي مجري حکم ، مجازات مذکور را تبديل به جزاي نقدي و يا زندان نمايد.

ماده ۲۱ - ترتيب اجراي احکام جزائي و كيفيت زندانها به نحوي است که قانون آيين دادرسي كيفري و ساير قوانين و مقررات تعيين مي نمايد.

فصل دوم - تخفيف مجازات

ماده ۲۲ - دادگاه مي تواند در صورت احراز جهات مخففه ، مجازات تعزيري و يا بازدارنده را تخفيف دهد و يا تبديل به مجازات از نوع ديگري نمايد که مناسبتر به حال متهم باشد، جهات مخففه عبارتند از:



۱- گذشت شاکي يا مدعي خصوصي .

۲ - اظهارات و راهنمائي هاي متهم که در شناختن شرکاء و معاونان جرم و يا کشف اشيائي که از جرم تحصيل شده است مؤثر باشد.

۳ - اوضاع واحوال خاصي که متهم تحت تأثير آنها مرتکب جرم شده است از قبيل : رفتار و گفتار تحريک آميز مجني عليه يا وجود انگيزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم .

۴ - اعلام متهم قبل از تعقيب و يا اقرار او در مرحله تحقيق که مؤثر در کشف جرم باشد.

۵ - وضع خاص متهم و يا سابقه او.

۶ - اقدام يا کوشش متهم بمنظور تخفيف اثرات جرم و جبران زيان ناشي از آن .

تبصره ۱ - دادگاه مکلف است جهات تخفيف مجازات را در حکم صريحاً قيد کند.

تبصره ۲ - در مورد تعدد جرم نيز دادگاه مي تواند جهات مخففه را رعايت کند.

تبصره ۳ - چنانچه نظير جهات مخففه مذکور در اين ماده در مواد خاصي پيش بيني شده باشد دادگاه نمي تواند بموجب همان جهات دوباره مجازات را تخفيف دهد.

ماده ۲۳ - در جرائمی که با گذشت متضرر از جرم تعقيب يا رسيدگي يا اجراي حکم موقوف مي گردد گذشت بايد منجز باشد و به گذشت مشروط و معلق ترتيب اثر داده نخواهد شد همچنين عدول از گذشت مسموع نخواهد بود. هرگاه متضررين از جرم متعدد باشند تعقيب جزائي با شکايت هر يك از آنان شروع مي شود ولي موقوفي تعقيب ، رسيدگي و مجازات موکول به گذشت تمام کساني که شکايت کرده اند است .

تبصره - حق گذشت به وراث قانوني متضرر از جرم منتقل و در صورت گذشت همگي وراث تعقيب ، رسيدگي و اجراي مجازات موقوف مي گردد.

ماده ۲۴ - عفو يا تخفيف مجازات محکومان ، در حدود موازين اسلامي پس از پيشنهاد رئيس قوه قضائيه با مقام رهبري است .

فصل سوم - تعليق اجراي مجازات

ماده ۲۵ - در کليه محکوميتهاي تعزيري و بازدارنده حاکم مي تواند اجراي تمام يا قسمتي از مجازات را با رعايت شرايط زير از دو سال تا پنج سال معلق نمايد.

الف - محکوم عليه سابقه محکوميت قطعي به مجازاتهاي زير نداشته باشد.

۱ - محکوميت قطعي به حد .

۲ - محکوميت قطعي به قطع يا نقص عضو.

۳ - محکوميت قطعي به مجازات حبس به بيش از يك سال در جرائم عمدي .

۴ - محکوميت قطعي به جزاي نقدي به مبلغ بيش از دو ميليون ريال .

۵ - سابقه محکوميت قطعي دوبار يا بيشتر بعلت جرمهاي عمدي با هر ميزان مجازات .

ب - دادگاه با ملاحظه وضع اجتماعي و سوابق زندگي محکوم عليه و اوضاع و احوالي که موجب ارتکاب جرم گرديده است اجراي تمام يا قسمتي از مجازات را مناسب نداند.

تبصره - در محکوميتهاي غير تعزيري و بازدارنده تعليق جايز نيست مگر در مواردی که شرعاً و قانوناً تعيين شده باشد.

ماده ۲۶ - در مواردیکه جزاي نقدي با ديگر تعزيرات همراه باشد جزاي نقدي قابل تعليق نيست .



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۲۷ - قرار تعلیق اجرای مجازات ضمن حکم محکومیت صادر خواهد شد و مجرمي که اجرای حکم مجازات حبس او تماماً معلق شده اگر بازداشت باشد به دستور دادگاه فوراً آزاد مي گردد.

ماده ۲۸ - دادگاه جهات و موجبات تعلیق و دستورهايي که باید محکوم عليه در مدت تعلیق از آن تبعیت نماید در حکم خود تصریح و مدت تعلیق را نیز بر حسب نوع جرم و حالات شخصي مجرم و با رعایت مدت مذکور در ماده ۲۵ تعیین مي نماید.

ماده ۲۹ - دادگاه با توجه به اوضاع و احوال محکوم عليه و محتویات پرونده مي تواند اجرای دستور یا دستورهاي ذیل را در مدت تعلیق از محکوم عليه بخواهد و محکوم عليه مکلف به اجرای دستور دادگاه مي باشد.

۱ - مراجعه به بیمارستان یا درمانگاه برای درمان بیماری یا اعتیاد خود.

۲ - خودداری از اشتغال به کار یا حرفه معین .

۳ - اشتغال به تحصیل در يك مؤسسه فرهنگی .

۴ - خودداری از تظاهر به ارتکاب محرمات و ترك واجبات یا معاشرت با اشخاصي که دادگاه معاشرت با آنها را برای محکوم عليه مضر تشخیص مي دهد.

۵ - خودداری از رفت و آمد به محلهای معین .

۶ - معرفی خود در مدتهای معین به شخص یا مقامی که دادستان تعیین مي کند.

تبصره - اگر مجرمي که مجازات او معلق شده است در مدت تعلیق بدون عذر موجه از دستور دادگاه موضوع این ماده تبعیت ننماید برحسب درخواست دادستان پس از ثبوت مورد در دادگاه صادرکننده حکم تعلیق ، برای بار اول بمدت تعلیق مجازات او یکسال تا دوسال افزوده مي شود و برای بار دوم حکم تعلیق لغو و مجازات معلق به موقع اجراء گذاشته خواهد شد.

ماده ۳۰ - اجرای احکام جزائی زیر قابل تعلیق نیست .

۱ - مجازات کسانی که به وارد کردن و یا ساختن و یا فروش مواد مخدر اقدام و یا به نحوی از انحاء با مرتکبین اعمال مذکور معاونت مي نمایند.

۲ - مجازات کسانی که به جرم اختلاس یا ارتشاء یا کلاهبرداری یا جعل یا استفاده از سند مجعول یا خیانت در امانت یا سرقتی که موجب حد نیست یا آدم ربایی محکوم مي شوند.

۳ - مجازات کسانی که به نحوی از انحا با انجام اعمال مستوجب حد، معاونت مي نمایند.

ماده ۳۱ - تعلیق اجرای مجازاتی که با حقوق الناس همراه است تأثیری در حقوق الناس نخواهد داشت و حکم مجازات در این موارد با پرداخت خسارت به مدعی خصوصی اجراء خواهد شد.

ماده ۳۲ - هرگاه محکوم عليه از تاریخ صدور قرار تعلیق اجرای مجازات در مدتی که از طرف دادگاه مقرر شده مرتکب جرائم مستوجب محکومیت مذکور در ماده ۲۵ نشود محکومیت تعلیقي بي اثر محسوب و از سجل کیفری او محو مي شود. برای کلیه محکومین به مجازاتهای معلق باید بلافاصله پس از قطعیت حکم از طرف دادسرای مربوط برگ سجل کیفری تنظیم و به مراجع صلاحیت دار ارسال شود و در هر مورد که در مدت تعلیق تغییری داده شود یا حکم تعلیق مجازات الغاء گردد باید مراتب فوراً برای ثبت در سجل کیفری محکوم عليه به مراجع صلاحیت دار مربوط اعلام شود.

تبصره - در مواردی که بموجب قوانین استخدامی ، حکمی موجب انفصال است شامل احکام تعلیقي نخواهد بود مگر آنکه در قوانین و یا حکم دادگاه قید شده باشد.

ماده ۳۳ - اگر کسی که اجرای حکم مجازات او معلق شده در مدتی که از طرف دادگاه مقرر شده مرتکب جرم جدیدی که مستوجب محکومیت مذکور در ماده ۲۵ است بشود به محض قطعی شدن دادگاهی که حکم تعلیق مجازات سابق را صادر کرده است یا دادگاه جانشین باید الغاء آن را اعلام دارد تا حکم معلق نیز درباره محکوم عليه اجراء گردد.

ماده ۳۴ - هرگاه بعد از صدور قرار تعلیق معلوم شود که محکوم عليه دارای سابقه محکومیت به جرائم مستوجب محکومیت مذکور در ماده ۲۵ بوده و دادگاه بدون توجه به آن اجرای مجازات را معلق کرده است دادستان به استناد سابقه محکومیت از دادگاه تقاضای لغو تعلیق مجازات را خواهد نمود و دادگاه پس از احراز وجود سابقه قرار تعلیق را الغاء خواهد کرد.

ماده ۳۵ - دادگاه هنگام صدور قرار تعلیق آثار عدم تبعیت از دستورهاي صادره را صریحاً قید و اعلام مي کند که اگر در مدت تعلیق مرتکب یکی از جرائم مستوجب محکومیت مذکور در ماده ۲۵ شود علاوه بر مجازات جرم اخیر مجازات معلق نیز درباره او اجراء خواهد شد.

ماده ۳۶ - مقررات مربوط به تعلیق مجازات درباره کسانی که به جرائم عمدي متعدد محکوم مي شوند قابل اجراء نیست و همچنین اگر درباره يك نفر احکام قطعی متعددی در مورد جرائم عمدي صادر شده باشد که در بین آنها محکومیت معلق نیز وجود داشته باشد دادستان مجري حکم موظف است فسخ قرار یا قرارهاي تعلیق را از دادگاه صادرکننده بخواهد دادگاه نسبت به فسخ قرار یا قرارهاي مزبور اقدام خواهد نمود.



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۳۷ - هرگاه محکوم به حبس که در حال تحمل کیفر است قبل از اتمام مدت حبس مبتلا به جنون شود با استعلام از پزشک قانونی در صورت تأیید جنون ، محکوم علیه به بیمارستان روانی منتقل می شود و مدت اقامت او در بیمارستان جزء مدت محکومیت او محسوب خواهد شد. در صورت عدم دسترسی به بیمارستان روانی به تشخیص دادستان در محل مناسبی نگهداری می شود.

فصل چهارم - آزادی مشروط زندانیان

ماده ۳۸ (منسوخه ۲۷, ۰۲, ۱۳۷۷) - هرکس برای بار اول به علت ارتکاب جرمی به مجازات حبس محکوم شده باشد و نصف مجازات را گذرانده باشد دادگاه صادرکننده دادنامه محکومیت قطعی می تواند در صورت وجود شرایط زیر حکم به آزادی مشروط صادر نماید:



۱ - هرگاه در مدت اجرای مجازات مستمر ا حسن اخلاق نشان داده باشد.

۲ - هرگاه از اوضاع و احوال محکوم پیش بینی شود که پس از آزادی دیگر مرتکب جرمی نخواهد شد.

۳ - هرگاه تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیانی که مورد حکم دادگاه یا مورد موافقت مدعی خصوصی واقع شده بپردازد یا قرار پرداخت آن را بدهد و در مجازات حبس توام با جزای نقدی مبلغ مزبور را بپردازد یا با موافقت رئیس حوزه قضایی ترتیبی برای پرداخت داده شده باشد.

تبصره ۱ (منسوخه ۲۷, ۰۲, ۱۳۷۷) - مراتب مذکور در بندهای (۱) و (۲) باید مورد تأیید رییس زندان محل گذران محکومیت و قاضی ناظر زندان یا رئیس حوزه قضایی محل قرار گیرد و مراتب مذکور در بند (۳) باید به تأیید قاضی مجری حکم برسد.

تبصره ۲ (منسوخه ۲۷, ۰۲, ۱۳۷۷) - در صورت انحلال دادگاه صادرکننده حکم، صدور حکم آزادی مشروط از اختیارات دادگاه جانشین است.

تبصره ۳ (منسوخه ۲۷, ۰۲, ۱۳۷۷) - دادگاه ترتیبات و شرایطی را که فرد محکوم باید در مدت آزادی مشروط رعایت کند از قبیل سکونت در محل معین یا خودداری از سکونت در محل معین یا خودداری از اشتغال به شغل خاص یا معرفی نوبه ای خود به مراکز تعیین شده و امثال آن در متن حکم قید می کند که در صورت تخلف وی از شرایط مذکور یا ارتکاب جرم مجدد بقیه محکومیت وی به حکم دادگاه صادرکننده حکم به مرحله اجرا در می آید.

ماده ۳۹ - صدور حکم آزادی مشروط منوط به پیشنهاد سازمان زندانها و تأیید دادستان یا دادیار ناظر خواهد بود.

ماده ۴۰ - مدت آزادی مشروط بنا به تشخیص دادگاه کمتر از یکسال و زیادتراً از پنجسال نخواهد بود.

باب سوم - جرایم

فصل اول - شروع به جرم

ماده ۴۱ - هرکس قصد ارتکاب جرمی کند و شروع به اجرای آن نماید لکن جرم منظور واقع نشود چنانچه اقدامات انجام گرفته جرم باشد محکوم به مجازات همان جرم می شود.

تبصره ۱ - مجرد قصد ارتکاب جرم و عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم بوده و ارتباط مستقیم با وقوع جرم نداشته باشد شروع به جرم نبوده و از این حیث قابل مجازات نیست .

تبصره ۲ - کسی که شروع به جرمی کرده است ، به میل خود آن را ترك کند و اقدام انجام شده جرم باشد از موجبات تخفیف مجازات برخوردار خواهد شد.

فصل دوم - شرکا و معاونین جرم

ماده ۴۲ - هرکس عالماً و عامداً با شخص یا اشخاص دیگر در یکی از جرائم قابل تعزیر یا مجازاتهای بازدارنده مشارکت نماید و جرم مستند به عمل همه آنها باشد خواه عمل هر يك به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشد خواه متفاوت ، شريك در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم خواهد بود. در مورد جرائم غیرعمدي (خطائي) که ناشی از خطای دو نفر یا بیشتر باشد مجازات هر يك از آنان نیز مجازات فاعل مستقل خواهد بود.

تبصره - اگر تأثیر مداخله و مباشرت شریکی در حصول جرم ضعیف باشد دادگاه مجازات او را به تناسب تأثیر عمل او تخفیف می دهد.

ماده ۴۳ - اشخاص زیر معاون جرم محسوب و با توجه به شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و تأدیب از وعظ و تهدید و درجات تعزیر، تعزیر می شوند:

۱- هر کس دیگری را تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع به ارتکاب جرم نماید و یا به وسیله دسیسه و فریب و نیرنگ موجب وقوع جرم شود.

۲- هرکس با علم و عمد وسایل ارتکاب جرم را تهیه کند و یا طریق ارتکاب آن را با علم به قصد مرتکب ارائه دهد.

۳- هرکس عالماً، عامداً وقوع جرم را تسهیل کند.



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

تبصره ۱- براي تحقق معاونت در جرم وجود وحدت قصد و تقدم و يا اقتران زماني بين عمل معاون و مباشر جرم شرط است .

تبصره ۲- درصورتیکه براي معاونت جرمي مجازات خاص در قانون يا شرع وجود داشته باشد همان مجازات اجراء خواهد شد.

ماده ۴۴- درصورتیکه فاعل جرم به جهتي از جهات قانوني قابل تعقيب و مجازات نباشد و يا تعقيب و يا اجراي حکم مجازات او به جهتي از جهات قانوني موقوف گردد، تأثيري در حق معاون جرم نخواهد داشت .

ماده ۴۵- سردستگي دو يا چند نفر در ارتکاب جرم اعم از اینکه عمل آنان شرکت در جرم يا معاونت در جرم باشد از علل مشددة مجازات است .

فصل سوم - تعدد جرم

ماده ۴۶- در جرائم قابل تعزير هرگاه فعل واحد داراي عناوين متعدده جرم باشد مجازات جرمي داده مي شود که مجازات آن اشد است .

ماده ۴۷- درمورد تعدد جرم هرگاه جرائم ارتکابي مختلف باشد بايد براي هر يك از جرائم مجازات جداگانه تعيين شود و اگر مختلف نباشد فقط يك مجازات تعيين مي گردد و در اين قسمت تعدد جرم مي تواند از علل مشدده کيفر باشد و اگر مجموع جرائم ارتکابي در قانون عنوان جرم خاصي داشته باشد مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم مي گردد.



تبصره - حکم تعدد جرم در حدود و قصاص و ديات همان است که در ابواب مربوطه ذکر شده است .

فصل چهارم - تکرار جرم

ماده ۴۸- هر کس به موجب حکم دادگاه به مجازات تعزيري ويا بازدارنده محکوم شود، چنانچه بعد از اجراي حکم مجدداً مرتکب جرم قابل تعزير گردد دادگاه مي تواند در صورت لزوم مجازات تعزيري يا بازدارنده را تشديد نمايد.

ماده ۴۸ مکرر (منسوخه ۱۷, ۰۲, ۱۳۸۷)- کساني که به دليل ارتکاب جرم عمدي حداقل دو بار سابقه محکوميت مؤثر داشته باشند در صورت ارتکاب جرم عمدي ديگر، دادگاه رسيدگيکننده ضمن صدور حکم ميتواند به تناسب سوابق و خصوصيات روعي و اخلاقي و شخصيت محکومان و علل وقوع جرم، آنان را براي مدتي که از دو سال متجاوز نباشد به اجراء يك يا چند دستور از دستورات موضوع ماده(۲۹) اين قانون ملزم نمايد.

تبصره ۱ (منسوخه ۱۷, ۰۲, ۱۳۸۷)- دادگاه ميتواند اجراء دستورات مورد حکم را حسب مورد به سازمان بهزيستي يا سازمان زندانها و اقدامات تأميني و تربيتي و يا نيروي انتظامي محول نمايد.

تبصره ۲ (منسوخه ۱۷, ۰۲, ۱۳۸۷)- در صورتي که محکوم عليه بدون عذر موجه از اجراء دستور دادگاه تخلف نمايد در نوبت اول تا شش ماه به مدت اجراء دستور افزوده خواهدشد و در صورت تکرار تخلف، باقيمانده مدت به حبس تبديل ميشود.

تبصره ۳ (منسوخه ۱۷, ۰۲, ۱۳۸۷)- دستور دادگاه از حيث قابليت اعتراض تابع حکم اصلي است.

>

تبصره - هرگاه حين صدور حکم محکوميتهاي سابق مجرم معلوم نباشد و بعداً معلوم شود دادستان مراتب را به دادگاه صادرکننده حکم اعلام مي کند در اين صورت اگر دادگاه محکوميتهاي سابق را محرز دانست مي تواند طبق مقررات اين ماده اقدام نمايد.

باب چهارم - حدود مسووليت جزايي

ماده ۴۹- اطفال در صورت ارتکاب جرم مبري از مسووليت کيفري هستند و تربيت آنان با نظر دادگاه بعده سرپرست اطفال و عندالاقضاء کانون اصلاح و تربيت اطفال مي باشد.

تبصره ۱- منظور از طفل کسي است که به حد بلوغ شرعي نرسيده باشد.

تبصره ۲- هرگاه براي تربيت اطفال بزهکار تنبيه بدني آنان ضرورت پيدا کند تنبيه بايستي به ميزان و مصلحت باشد.

ماده ۵۰- چنانچه غيربالغ مرتکب قتل و جرح و ضرب شود عاقله ضامن است لکن در مورد اتلاف مال اشخاص خود طفل ضامن است و اداء آن از مال طفل به عهده ولي طفل مي باشد.

ماده ۵۱- جنون در حال ارتکاب جرم به هر درجه که باشد رافع مسووليت کيفري است .

تبصره ۱- در صورتيکه تأديب مرتکب مؤثر باشد به حکم دادگاه تأديب مي شود.

تبصره ۲- در جنون ادواري شرط رفع مسووليت کيفري جنون در حين ارتکاب جرم است .



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۵۲ - هرگاه مرتکب جرم در حین ارتکاب مجنون بوده و یا پس از حدوث جرم مبتلا به جنون شود چنانچه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص ثابت باشد به دستور دادستان تا رفع حالت مذکور در محل مناسبی نگهداری خواهد شد و آزادی او به دستور دادستان امکان پذیراست . شخص نگهداری شده و یا کسانش می توانند به دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل جرم را دارد مراجعه و به این دستور اعتراض کنند، دراینصورت دادگاه در جلسه اداری با حضور معترض و دادستان و یا نماینده او موضوع را با جلب نظر متخصص خارج از نوبت رسیدگی کرده و حکم مقتضی در مورد آزادی شخص نگهداری شده یا تأیید دستور دادستان صادر می کند . این رأی قطعی است ولی شخص نگهداری شده یا کسانش هر گاه علائم بهبودی را مشاهده کردند حق اعتراض به دستور دادستان را دارند.

ماده ۵۳ - اگر کسی بر اثر شرب خمر، مسلوب الاراده شده لکن ثابت شود که شرب خمر به منظور ارتکاب جرم بوده است مجرم علاوه بر مجازات استعمال شرب خمر به مجازات جرمی که مرتکب شده است نیز محکوم خواهد شد.

ماده ۵۴ - در جرائم موضوع مجازاتهای تعزیری یا بازدارنده هر گاه کسی بر اثر اجبار یا اکراه که عادتاً قابل تحمل نباشد مرتکب جرمی گردد مجازات نخواهد شد. در این مورد اجبار کننده به مجازات فاعل جرم با توجه به شرایط وامکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تأدیب از وعظ و توبیخ و تهدید و درجات تعزیر محکوم می گردد.

ماده ۵۵ - هر کس هنگام بروز خطر شدید از قبیل آتش سوزی ، سیل و طوفان به منظور حفظ جان یا مال خود یا دیگری مرتکب جرمی شود مجازات نخواهد شد مشروط براینکه خطر را عمداً ایجاد نکرده و عمل ارتكابی نیز با خطر موجود متناسب بوده و برای رفع آن ضرورت داشته باشد.

تبصره - دیه و ضمان مالی از حکم این ماده مستثنی است .

ماده ۵۶ - اعمالی که برای آنها مجازات مقرر شده است در موارد زیر جرم محسوب نمی شود:

۱- در صورتی که ارتکاب عمل به امر آمر قانونی بوده و خلاف شرع هم نباشد.

۲- در صورتی که ارتکاب عمل برای اجرای قانون اهم لازم باشد.

ماده ۵۷ - هرگاه به امر غیر قانونی یکی از مقامات رسمی جرمی واقع شود آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم می شوند ولی مأموری که امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول به تصور اینکه قانونی است اجراء کرده باشد، فقط به پرداخت دیه یا ضمان مالی محکوم خواهد شد.

ماده ۵۸ - هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در مورد ضرر مادی در صورت تقصیر مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود، و در موارد ضرر معنوی چنانچه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد باید نسبت به اعاده حیثیت او اقدام شود.

ماده ۵۹ - اعمال زیر جرم محسوب نمی شود.

۱ - اقدامات والدین و اولیاء قانونی و سرپرستان صغار و محجورین که به منظور تأدیب یا حفاظت آنها انجام شود مشروط به اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف تأدیب و محافظت باشد.

۲ - هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع که با رضایت شخص یا اولیاء یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی آنها و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام شود در موارد فوری اخذ رضایت ضروری نخواهد بود.

۳ - حوادث ناشی از عملیات ورزشی مشروط براینکه سبب آن حوادث نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم با موازین شرعی مخالفت نداشته باشد.

ماده ۶۰ - چنانچه طبیب قبل از شروع درمان یا اعمال جراحی از مریض یا ولی او براءت حاصل نموده باشد ضامن خسارت جانی ، یا مالی یا نقص عضو نیست و در موارد فوری که اجازه گرفتن ممکن نباشد طبیب ضامن نمی باشد.

ماده ۶۱ - هرکس در مقام دفاع از نفس یا عرض و یا ناموس و یا مال خود یا دیگری و یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز فعلی و یا خطر قریب الوقوع عملی انجام دهد که جرم باشد در صورت اجتماع شرایط زیر قابل تعقیب و مجازات نخواهد بود:

۱- دفاع با تجاوز و خطر متناسب باشد.

۲- عمل ارتكابی بیش از حد لازم نباشد.

۳- توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد و یا مداخله قوای مذکور در رفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود.

تبصره - وقتی دفاع از نفس و یا ناموس و یا عرض و یا مال و یا آزادی تن دیگری جایز است که او ناتوان از دفاع بوده و نیاز به کمک داشته باشد.

ماده ۶۲ - مقاومت در برابر قوای تأمین و انتظامی در مواقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند، دفاع محسوب نمی شود ولی هرگاه قوای مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات آنان موجب قتل یا جرح یا تعرض به عرض یا ناموس گردد، در این صورت دفاع جایز است .

قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۶۲ مکرر (منسوخه ۰۲, ۲۷, ۱۳۷۷)- محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی به شرح ذیل، محکوم علیه را از حقوق اجتماعی محروم می‌نماید و پس از انقضاء مدت تعیین شده و اجرای حکم رفع اثر می‌گردد:

۱ - محکومان به قطع عضو در جرایم مشمول حد، پنج سال پس از اجرای حکم.

۲ - محکومان به شلاق در جرایم مشمول حد، یک سال پس از اجرای حکم.

۳ - محکومان به حبس تعزیری بیش از سه سال، دو سال پس از اجرای حکم.

تبصره ۱ (منسوخه ۰۲, ۲۷, ۱۳۷۷)- حقوق اجتماعی عبارتست از حقوقی که قانونگذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر افراد مقیم در قلمرو حاکمیت آن منظور نموده و سلب آن بموجب قانون یا حکم دادگاه صالح می‌باشد از قبیل:

الف - حق انتخاب شدن در مجالس شورای اسلامی و خبرگان و عضویت در شورای نگهبان و انتخاب شدن به ریاست جمهوری.

ب - عضویت در کلیه انجمنها و شوراها و جمعیتهایی که اعضای آن به موجب قانون انتخاب می‌شوند.

ج - عضویت در هیاتهای منصفه و امناء.

د - اشتغال به مشاغل آموزشی و روزنامه‌نگاری.

هـ - استخدام در وزارتخانه‌ها، سازمانهای دولتی، شرکتها، مؤسسات وابسته به دولت، شهرداریها، مؤسسات مامور به خدمات عمومی، ادارات مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان و نهادهای انقلابی.

و - وکالت دادگستری و تصدی دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتریاری.

ز - انتخاب شدن به سمت داور و کارشناسی در مراجع رسمی.

ح - استفاده از نشان و مدالهای دولتی و عناوین افتخاری.

تبصره ۲ (منسوخه ۰۲, ۲۷, ۱۳۷۷)- چنانچه اجرای مجازات اعدام به جهتی از جهات متوقف شود در این صورت آثار تبعی آن پس از انقضای هفت سال از تاریخ توقف اجرای حکم رفع می‌شود.

تبصره ۳ (منسوخه ۰۲, ۲۷, ۱۳۷۷)- در مورد جرایم قابل گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی اجرای مجازات موقوف شود اثر محکومیت کیفری زایل می‌گردد.

تبصره ۴ (منسوخه ۰۲, ۲۷, ۱۳۷۷)- عفو مجرم موجب زوال آثار مجازات نمی‌شود مگر اینکه تصریح شده باشد.

تبصره ۵ (منسوخه ۰۲, ۲۷, ۱۳۷۷)- در مواردی که عفو مجازات آثار کیفری را نیز شامل می‌شود، همچنین در آزادی مشروط، آثار محکومیت پس از گذشت مدت مقرر از زمان آزادی محکوم علیه رفع می‌گردد.

کتاب دوم (منسوخه ۰۱, ۰۲, ۱۳۹۲)- حدود

باب اول - حد زنا

فصل اول - تعریف و موجبات حد زنا

ماده ۶۳ - زنا عبارت است از جماع مرد با زنی که بر او ذاتاً حرام است گرچه در دبر باشد، در غیر موارد وطی به شبهه.

ماده ۶۴ - زنا در صورتی موجب حد می‌شود که زانی یا زانیه بالغ و عاقل و مختار بوده و به حکم و موضوع آن نیز آگاه باشد.

ماده ۶۵ - هرگاه زن یا مردی حرام بودن جماع با دیگری را بداند و طرف مقابل از این امر آگاه نباشد و گمان کند ارتکاب این عمل برای او جائز است فقط طرفی که آگاه بوده است محکوم به حد زنا می‌شود.

ماده ۶۶ - هرگاه مرد یا زنی که با هم جماع نموده اند ادعای اشتباه و ناآگاهی کند در صورتی که احتمال صدق مدعی داده شود، ادعای مذکور بدون شاهد و سوگند پذیرفته می‌شود و حد ساقط می‌گردد.

ماده ۶۷ - هرگاه زانی یا زانیه ادعا کند که به زنا اکراه شده است، ادعای او در صورتی که یقین برخلاف آن نباشد قبول می‌شود.

فصل دوم - راهبای ثبوت زنا در دادگاه

ماده ۶۸ - هرگاه مرد یا زنی در چهار بار نزد حاکم اقرار به زنا کند محکوم به حد زنا خواهد شد و اگر کمتر از چهار بار اقرار نماید تعزیر می‌شود.

ماده ۶۹ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده دارای اوصاف بلوغ - عقل - اختیار - قصد باشد.

ماده ۷۰ - اقرار باید صریح یا بطوری ظاهر باشد که احتمال عقلایی خلاف در آن داده نشود.

ماده ۷۱ - هرگاه کسی اقرار به زنا کند و بعد انکار نماید در صورتی که اقرار به زنائی باشد که موجب قتل یا رجم است با انکار بعدی حد رجم و قتل ساقط می‌شود، در غیر این صورت با انکار بعد از اقرار حد ساقط نمی‌شود.

ماده ۷۲ - هرگاه کسی به زنائی که موجب حد است اقرار کند و بعد توبه نماید، قاضی میتواند تقاضای عفو او را از ولی امر بنماید و یا حد را بر او جاری نماید.



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۷۳ - زني که همسر ندارد به صرف باردار شدن مورد حد قرار نمي گيرد، مگر آنکه زناي او با يکي از راهبای مذکور در این قانون ثابت شود.

ماده ۷۴ - زنا چه موجب حد جلد باشد و چه موجب حد رجم با شهادت چهارمرد عادل یا سه مرد عادل و دو زن عادل ثابت مي شود.

ماده ۷۵ - در صورتي که زنا فقط موجب حد جلد باشد به شهادت دو مرد عادل همراه با چهار زن عادل نیز ثابت مي شود.

ماده ۷۶ - شهادت زنان به تنهایی یا به انضمام شهادت يك مرد عادل زنا را ثابت نمي کند بلکه در مورد شهود مذکور حد قذف طبق احکام قذف جاري مي شود.

ماده ۷۷ - شهادت شهود باید روشن و بدون ابهام و مستند به مشاهده باشد و شهادت حدسي معتبر نیست .

ماده ۷۸ - هرگاه شهود خصوصیات مورد شهادت را بیان کنند این خصوصیات باید از لحاظ زمان و مکان و مانند آنها اختلاف نداشته باشند. در صورت اختلاف بین شهود علاوه براینکه زنا ثابت نمي شود شهود نیز به حد قذف محکوم مي گردند.

ماده ۷۹ - شهود باید بدون فاصله زماني يکي پس از دیگری شهادت دهند، اگر بعضي از شهود شهادت بدهند و بعضي دیگر بلافاصله براي ادای شهادت حضور پیدا نکنند، یا شهادت ندهند زنا ثابت نمي شود در این صورت شهادت دهنده مورد حد قذف قرار مي گيرد.

ماده ۸۰ - حد زنا جز در موارد مذکور در مواد آتي باید فوراً جاري گردد.

ماده ۸۱ - هرگاه زن یا مرد زاني قبل از اقامه شهادت توبه نماید، حد از او ساقط مي شود و اگر بعد از اقامه شهادت توبه کند حد ساقط نمي شود.

فصل سوم - اقسام حد زنا

ماده ۸۲ - حد زنا در موارد زیر قتل است و فرقي بين جوان و غيرجوان و محصن و غيرمحصن نیست .

الف - زنا با محارم نسبي .

ب - زنا با زن پدر که موجب قتل زاني است .

ج - زناي غيرمسلمان با زن مسلمان که موجب قتل زاني است .

د - زناي به عنف و اکراه که موجب قتل زاني اکراه کننده است .

ماده ۸۳ - حد زنا در موارد زیر رجم است .

الف - زناي مرد محصن ، يعني مردی که داراي همسر دائمي است و با او درحالي که عاقل بوده جماع کرده و هر وقت نیز بخواهد مي تواند با او جماع کند.

ب - زناي زن محصنه با مرد بالغ ، زن محصنه زني است که داراي شوهر دائمي است و شوهر درحالي که زن عاقل بوده با او جماع کرده است و امکان جماع با شوهر را نیز داشته باشد.

تبصره - زناي زن محصنه با نابالغ موجب حد تازیانه است .

ماده ۸۴ - برپیرمرد یا پیرزن زاني که داراي شرایط احصان باشند، قبل از رجم ، حد جلد جاري مي شود.

ماده ۸۵ - طلاق رجعي قبل از سپري شدن ایام عده ، مرد یا زن را از احصان خارج نمي کند ولي طلاق بائن آنها را از احصان خارج مي نماید.

ماده ۸۶ - زناي مرد یا زني که هریک همسر دائمي دارد ولي به واسطه مسافرت یا حبس و مانند آنها از عذرهای موجه به همسر خود دسترسي ندارد، موجب رجم نیست .

ماده ۸۷ - مرد متاهلي که قبل از دخول مرتکب زنا شود به حد جلد و تراشیدن سر و تبعید به مدت یکسال محکوم خواهد شد.

ماده ۸۸ - حد زناي زن یا مردی که واجد شرایط احصان نباشند صد تازیانه است .

ماده ۸۹ - تکرار زنا قبل ازاجراء حد در صورتي که مجازاتها از یکنوع باشد موجب تکرار حد نمي شود ولي اگر مجازاتها از يك نوع نباشد مانند آنکه بعضي از آنها موجب جلد بوده و بعضي دیگر موجب رجم باشد، قبل از رجم زاني حد جلد بر او جاري مي شود.

ماده ۹۰ - هرگاه زن یا مردی چند بار زنا کند وبعد از هر بار حد بر او جاري شود در مرتبه چهارم کشته مي شود.

ماده ۹۱ - درایام بارداري و نفاس زن حد قتل یا رجم بر او جاري نمي شود همچنین بعد از وضع حمل در صورتي که نوزاد کفیل نداشته باشد و بیم تلف شدن نوزاد برود حد جاري نمي شود، ولي اگر براي نوزاد کفیل پیدا شود حد جاري مي گردد.

ماده ۹۲ - هرگاه دراجرای حد جلد بر زن باردار یا شیرده احتمال بیم ضرر براي حمل یا نوزاد شیرخوار باشد اجراء حد تا رفع بیم ضرر به تاخیر مي افتد.

ماده ۹۳ - هر گاه مریض یا زن مستحاضه محکوم به قتل یا رجم شده باشند حد بر آنها جاري مي شود ولي اگر محکوم به جلد باشند اجرای حد تا رفع بیماری واستحاضه به تأخیر مي افتد.



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

تبصره - حیض مانع اجرای حد نیست .

ماده ۹۴ - هر گاه امید به بهبودي مريض نباشد يا حاکم شرع مصلحت بدانند که در حال مرض حد جاري شود يك دسته تازیانه يا ترکه که مشتمل بر صد واحد باشد، فقط یکبار به او زده مي شود هر چند همه آنها به بدن محکوم نرسند.

ماده ۹۵ - هرگاه محکوم به حد دیوانه يا مرتد شود حد از او ساقط نمي شود.

ماده ۹۶ - حد جلد را نباید در هوای بسیار سرد يا بسیار گرم جاري نمود.

ماده ۹۷ - حد را نمي شود در سرزمین دشمنان اسلام جاري کرد.

فصل چهارم - کیفیت اجرای حد

ماده ۹۸ - هرگاه شخصي محکوم به چند حد شود اجرای آنها باید به ترتیبي باشد که هیچکدام از آنها زمینه دیگری را از بین نبرد، بنابراین اگر کسی به جلد و رجم محکوم شود اول باید حد جلد و بعد حد رجم را جاري ساخت .

ماده ۹۹ - هرگاه زناي شخصي که دارای شرایط احصان است با اقرار او ثابت شده باشد هنگام رجم ، اول حاکم شرع سنگ مي زند بعداً دیگران ، و اگر زناي او به شهادت شهود ثابت شده باشد اول شهود سنگ مي زنند بعداً حاکم و سپس دیگران .

تبصره - عدم حضور يا اقدام حاکم و شهود براي زدن اولین سنگ مانع اجرای حد نیست و در هر صورت حد باید اجراء شود.

ماده ۱۰۰ - حد جلد مرد زاني باید ایستاده و در حالي اجراء گردد که پوشاكي جز ساتر عورت نداشته باشد. تازیانه به شدت به تمام بدن وي غيراز سر و صورت و عورت زده مي شود تازیانه را به زن زاني در حالي مي زنند که زن نشسته و لباسهاي او به بدنش بسته باشد.

ماده ۱۰۱ - مناسب است که حاکم شرع مردم را از زمان اجراء حد آگاه سازد و لازم است عده اي از مؤمنین که از سه نفر کمتر نباشند در حال اجرای حد حضور یابند.

ماده ۱۰۲ - مرد را هنگام رجم تا نزدیکی کمر و زن را تا نزدیکی سینه در گودال دفن مي کنند آنگاه رجم مي نمایند.

ماده ۱۰۳ - هرگاه کسی که محکوم به رجم است از گودالي که در آن قرار گرفته فرار کند در صورتي که زناي او به شهادت ثابت شده باشد براي اجرای حد برگردانده مي شود اما اگر به اقرار خود او ثابت شده باشد برگردانده نمي شود.

تبصره - اگر کسی که محکوم به جلد باشد فرار کند در هر حال براي اجرای حد جلد برگردانده مي شود.

ماده ۱۰۴ - بزرگي سنگ در رجم نباید به حدي باشد که با اصابت يك يا دو عدد شخص کشته شود همچنین کوچكي آن نباید به اندازه اي باشد که نام سنگ بر آن صدق نکند.

ماده ۱۰۵ - حاکم شرع مي تواند در حق الله و حق الناس به علم خود عمل کند و حدالهي را جاري نماید و لازم است مستند علم را ذکر کند، اجرای حد در حق الله متوقف به درخواست کسی نیست ولي در حق الناس اجراء حد موقوف به درخواست صاحب حق مي باشد.

ماده ۱۰۶ - زنا در زمانهاي متبرکه چون اعیاد مذهبي و رمضان و جمعه و مکانهاي شریف چون مساجد علاوه بر حد موجب تعزیر است .

ماده ۱۰۷ - حضور شهود هنگام اجرای حد رجم لازم است ولي با غیبت آنان حد ساقط نمي شود اما با فرار آنها حد ساقط مي شود.

باب دوم - حد لواط

فصل اول - تعریف و موجبات حد لواط

ماده ۱۰۸ - لواط وطی انسان مذکر است چه بصورت دخول باشد يا تفخیز.

ماده ۱۰۹ - فاعل و مفعول لواط هر دو محکوم به حد خواهند شد.

ماده ۱۱۰ - حد لواط در صورت دخول قتل است و کیفیت نوع آن در اختیار حاکم شرع است .

ماده ۱۱۱ - لواط در صورتي موجب قتل مي شود که فاعل و مفعول بالغ و عاقل و مختار باشند.

ماده ۱۱۲ - هرگاه مرد بالغ و عاقل با نابالغي لواط کند فاعل کشته مي شود و مفعول اگر مکره نباشد تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر مي شود.

ماده ۱۱۳ - هر گاه نابالغي نابالغ دیگر را وطی کند تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر مي شوند مگر آنکه یکی از آنها اکراه شده باشد.

فصل دوم - راهبای ثبوت لواط در دادگاه

ماده ۱۱۴ - حد لواط با چهاربار اقرار نزد حاکم شرع نسبت به اقرار کننده ثابت مي شود.

ماده ۱۱۵ - اقرار کمتر از چهار بار موجب حد نیست و اقرار کننده تعزیر مي شود.



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۱۱۶ - اقرار در صورتي نافذ است که اقرار کننده بالغ ، عاقل ، مختار و داراي قصد باشد.

ماده ۱۱۷ - حد لواط با شهادت چهار مرد عادل که آن را مشاهده کرده باشند ثابت مي شود.

ماده ۱۱۸ - با شهادت کمتر از چهار مرد عادل لواط ثابت نمي شود و شهود به حد قذف محکوم مي شوند.

ماده ۱۱۹ - شهادت زنان به تنهائي يا به ضميمه مرد، لواط را ثابت نمي کند.

ماده ۱۲۰ - حاکم شرع مي تواند طبق علم خود که از طرق متعارف حاصل شود، حکم کند.

ماده ۱۲۱ - حد تفخيذ و نظاير آن بين دو مرد بدون دخول براي هر يك صد تازيانه است .

تبصره - در صورتي که فاعل غير مسلمان و مفعول مسلمان باشد حد فاعل قتل است .

ماده ۱۲۲ - اگر تفخيذ و نظاير آن سه بار تکرار و بعد از هر بار حد جاري شود در مرتبه چهارم حد آن قتل است .

ماده ۱۲۳ - هر گاه دو مرد که با هم خويشاوندي نسبي نداشته باشند بدون ضرورت در زير يك پوشش بطور برهنه قرار گیرند هر دو تا ۹۹ ضربه شلاق تعزير مي شوند.

ماده ۱۲۴ - هر گاه کسي ديگري را از روي شہوت ببوسد تا ۶۰ ضربه شلاق تعزير مي شود.

ماده ۱۲۵ - کسي که مرتکب لواط يا تفخيذ و نظاير آن شده باشد اگر قبل از شهادت شهود توبه کند حد از او ساقط مي شود و اگر بعد از شهادت توبه نمايد حد از او ساقط نمي شود.

ماده ۱۲۶ - اگر لواط و تفخيذ و نظائر آن با اقرار شخص ثابت شده باشد و پس از اقرار توبه کند قاضي مي تواند از ولي امر تقاضي عفو نمايد.

باب سوم - مساحقه

ماده ۱۲۷ - مساحقه ، همجنس بازي زنان است با اندام تناسلي .

ماده ۱۲۸ - راهبائي ثبوت مساحقه در دادگاه همان راهبائي ثبوت لواط است .

ماده ۱۲۹ - حد مساحقه براي هر يك از طرفين صد تازيانه است .

ماده ۱۳۰ - حد مساحقه در باره کسي ثابت مي شود که بالغ ، عاقل ، مختار و داراي قصد باشد.

تبصره - در حد مساحقه فرقي بين فاعل و مفعول و همچنين فرقي بين مسلمان و غير مسلمان نيست .

ماده ۱۳۱ - هر گاه مساحقه سه بار تکرار شود و بعد از هر بار حد جاري گردد در مرتبه چهارم حد آن قتل است .

ماده ۱۳۲ - اگر مساحقه کننده قبل از شهادت شهود توبه کند حد ساقط مي شود اما توبه بعد از شهادت موجب سقوط حد نيست .

ماده ۱۳۳ - اگر مساحقه با اقرار شخص ثابت شود و وي پس از اقرار توبه کند قاضي مي تواند از ولي امر تقاضي عفو نمايد.

ماده ۱۳۴ - هر گاه دو زن که با هم خويشاوندي نسبي نداشته باشند بدون ضرورت برهنه زير يك پوشش قرار گیرند به کمتر از صد تازيانه تعزير مي شوند. در صورت تکرار اين عمل و تکرار تعزير در مرتبه سوم به هر يك صد تازيانه زده مي شود.

باب چهارم - قوادي

ماده ۱۳۵ - قوادي عبارت است از جمع و مرتبط کردن دو نفر يا بيشتر براي زنا يا لواط.

ماده ۱۳۶ - قوادي با دو بار اقرار ثابت مي شود به شرط آنکه اقرار کننده بالغ و عاقل و مختار و داراي قصد باشد.

ماده ۱۳۷ - قوادي با شهادت دو مرد عادل ثابت مي شود.

ماده ۱۳۸ - حد قوادي براي مرد هفتاد و پنج تازيانه و تبعيد از محل به مدت ۳ ماه تا يكسال است و براي زن فقط هفتاد و پنج تازيانه است .

باب پنجم - قذف

ماده ۱۳۹ - قذف نسبت دادن زنا يا لواط است به شخص ديگري .

ماده ۱۴۰ - حد قذف براي قذف کننده مرد يا زن هشتاد تازيانه است .

تبصره ۱ - اجراي حد قذف منوط به مطالبه مقذوف است .



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

تبصره ۲ - هر گاه کسی امري غير از زنا يا لواط، مانند مساحقه و ساير کارهاي حرام را به شخصي نسبت دهد به شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم خواهد شد.

ماده ۱۴۱ - قذف بايد روشن و بدون ابهام بوده و نسبت دهنده به معنای لفظ آگاه باشد، گرچه شنونده معنای آن را نداند.

ماده ۱۴۲ - هرگاه کسی به فرزند مشروع خود بگوید تو فرزند من نیستی محکوم به حد قذف می شود همچنین اگر کسی به فرزند مشروع دیگری بگوید تو فرزند او نیستی محکوم به حد قذف خواهد شد.

تبصره - در موارد ماده فوق هر گاه قرینه ای در بین باشد که منظور قذف نیست حد ثابت نمی شود.

ماده ۱۴۳ - هر گاه کسی به شخصي بگوید که تو با فلان زن زنا کرده ای یا با فلان مرد لواط نموده ای نسبت به مخاطب قذف خواهد بود و گوینده محکوم به حد قذف می شود.

ماده ۱۴۴ - هر گاه کسی به قصد نسبت دادن زنا به شخصي مثلاً چنین گوید (زن قحبه) یا خواهر قحبه یا مادر قحبه نسبت به کسی که زنا را به او نسبت داده است محکوم به حد قذف می شود و نسبت به مخاطب که به واسطه این دشنام اذیت شده است تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می شود.

ماده ۱۴۵ - هر دشنامی که باعث اذیت شنونده شود و دلالت بر قذف نکند مانند اینکه کسی به زنش بگوید تو باکره نبودی موجب محکومیت گوینده به شلاق تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می شود.

ماده ۱۴۶ - قذف در مواردی موجب حد می شود که قذف کننده بالغ و عاقل و مختار و دارای قصد باشد و قذف شونده نیز بالغ و عاقل و مسلمان و عقیف باشد، در صورتیکه قذف کننده و یا قذف شونده فاقد یکی از اوصاف فوق باشند حد ثابت نمی شود.

ماده ۱۴۷ - هر گاه نابالغ ممیز کسی را قذف کند به نظر حاکم تأدیب می شود و هر گاه يك فرد بالغ و عاقل شخص نابالغ یا غیرمسلمان را قذف کند تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می شود.

ماده ۱۴۸ - اگر قذف شونده به آنچه به او نسبت داده شده است تظاهر نماید قذف کننده حد و تعزیر ندارد.

ماده ۱۴۹ - هرگاه خویشاوندان یکدیگر را قذف کنند محکوم به حد می شوند.

تبصره - اگر پدر یا جد پدری فرزندش را قذف کند تعزیر می شود.

ماده ۱۵۰ - هر گاه مردی همسر متوفی خود را قذف کند و آن زن جز فرزند همان مرد وارثی نداشته باشد حد ثابت نمی شود اما اگر آن زن وارثی غیر از فرزند همان مرد داشته باشد، حد ثابت می شود.

ماده ۱۵۱ - هر گاه شخصي چند نفر را به طور جداگانه قذف کند در برابر قذف هر يك جداگانه حد برای او جاری می شود خواه همگی با هم مطالبه حد کنند، خواه به طور جداگانه .

ماده ۱۵۲ - هر گاه شخصي چند نفر را به يك لفظ قذف نماید اگر هر کدام از آنها جداگانه خواهان شوند برای قذف هر يك از آنها حد جداگانه ای جاری می گردد ولی اگر با هم خواهان حد شوند فقط يك حد ثابت می شود.

ماده ۱۵۳ - قذف با دوبار اقرار یا با شهادت دو مرد عادل اثبات می شود.

ماده ۱۵۴ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرار کننده بالغ و عاقل و مختار و دارای قصد باشد.

ماده ۱۵۵ - تازیانه بر روی لباس متعارف و به طور متوسط زده می شود.

ماده ۱۵۶ - تازیانه را نباید به سر و صورت و عورت قذف کننده زد.

ماده ۱۵۷ - هرگاه کسی چند بار اشخاص را قذف کند و بعد از هر بار حد بر او جاری شود در مرتبه چهارم کشته می شود.

ماده ۱۵۸ - هر گاه قذف کننده بعد از اجراء حد بگوید آنچه گفتم حق بود تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می شود.

ماده ۱۵۹ - هر گاه یکنفر را چند بار به يك سبب مانند زنا قذف کند فقط يك حد ثابت می شود.

ماده ۱۶۰ - هر گاه یکنفر را به چند سبب مانند زنا و لواط قذف کند چند حد ثابت می شود.

ماده ۱۶۱ - حد قذف در موارد زیر ساقط می شود:

۱- هر گاه قذف شونده ، قذف کننده را تصدیق نماید.

۲- هر گاه شهود با نصاب معتبر آن به چیزی که مورد قذف است شهادت دهند.

۳- هر گاه قذف شونده یا همه ورثه او قذف کننده را عفو نمایند.

قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

۴- هر گاه مردی زنش را پس از قذف لعان کند.

ماده ۱۶۲ - هر گاه دو نفر یکدیگر را قذف کنند خواه قذف آنها همانند و خواه مختلف باشد حد ساقط و هر يك تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می شوند.

ماده ۱۶۳ - حد قذف اگر اجرا یا عفو نشود به وراث منتقل می گردد.

ماده ۱۶۴ - حق مطالبه حد قذف به همه وارثان بجز زن و شوهر منتقل می شود و هر يك از ورثه می توانند آن را مطالبه کنند هر چند دیگران عفو کرده باشند.

باب ششم - حد مسكر

فصل اول - موجبات حد مسكر

ماده ۱۶۵ - خوردن مسكر موجب حد است . اعم از اینکه کم باشد یا زیاد، مست کند یا نکند، خالص یا مخلوط باشد به حدی که آنرا از مسكر بودن خارج نکند.

تبصره ۱- آب جو در حکم شراب است ، گرچه مست کننده نباشد و خوردن آن موجب حد است .

تبصره ۲ - خوردن آب انگوري که خود به جوش آمده یا بوسیله آتش یا آفتاب و مانند آن جوشانیده شده است حرام است اما موجب حد نمی باشد.

فصل دوم - شرایط حد مسكر

ماده ۱۶۶ - حد مسكر بر کسی ثابت می شود که بالغ و عاقل و مختار و آگاه به مسكر بودن و حرام بودن آن باشد.

تبصره ۱ - در صورتی که شراب خورده مدعی جهل به حکم یا موضوع باشد و صحت دعوی وی محتمل باشد محکوم به حد نخواهد شد.

تبصره ۲ - هر گاه کسی بداند که خوردن شراب حرام است و آن را بخورد محکوم به حد خواهد شد گرچه نداند خوردن آن موجب حد می شود.

ماده ۱۶۷ - هرگاه کسی مضطر شود که برای نجات از مرگ یا جهت درمان بیماری سخت به مقدار ضرورت شراب بخورد محکوم به حد نخواهد شد.

ماده ۱۶۸ - هرگاه کسی دو بار اقرار کند که شراب خورده است محکوم به حد می شود.

ماده ۱۶۹ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرار کننده بالغ - عاقل - مختار و دارای قصد باشد.

ماده ۱۷۰ - در صورتی که طریق اثبات شرب خمر شهادت باشد، فقط با شهادت دو مرد عادل اثبات می شود.

ماده ۱۷۱ - هرگاه یکی از دو مرد عادل شهادت دهد که شخصی شراب خورده و دیگری شهادت دهد که او شراب را قی کرده است حد ثابت می شود.

ماده ۱۷۲ - در شهادت به شرب مسكر لازم است از لحاظ زمان یا مکان و مانند آن اختلافی نباشد ولی در صورتی که یکی به شرب اصل مسكر و دیگری به شرب نوعی خاص از آن شهادت دهد حد ثابت می شود.

ماده ۱۷۳ - اقرار یا شهادت در صورتی موجب حد می شود که احتمال عقلایی بر معذور بودن خورنده مسكر در بین نباشد.

ماده ۱۷۴ - حد شرب مسكر برای مرد و یا زن ، هشتاد تازیانه است .

تبصره - غیر مسلمان فقط در صورت تظاهر به شرب مسكر به هشتاد تازیانه محکوم می شود.

ماده ۱۷۵ - هر کس به ساختن ، تهیه ، خرید ، فروش ، حمل و عرضه مشروبات الكلی مبادرت کند به ۶ ماه تا ۲ سال حبس محکوم می شود و یا در اثر ترغیب یا تطمیع و نیرنگ ، وسایل استفاده از آن را فراهم نماید در حکم معاون در شرب مسكرات محسوب می گردد و به تازیانه تا ۷۴ ضربه محکوم می شود.

فصل سوم - کیفیت اجرای حد

ماده ۱۷۶ - مرد را در حالی که ایستاده باشد و پوشاکی غیر از ساتر عورت نداشته باشد و زن را در حالیکه نشسته و لباسپایش به بدن او بسته باشد تازیانه می زنند.

تبصره - تازیانه را نباید به سر و صورت و عورت محکوم زد.

ماده ۱۷۷ - حد وقتی جاری می شود که محکوم از حالت مستی بیرون آمده باشد.

ماده ۱۷۸ - هرگاه کسی چند بار مسكر بخورد و حد براو جاری نشود برای همه آنها يك حد کافی است .

ماده ۱۷۹ - هرگاه کسی چند بار شرب مسكر بنماید و بعد از هر بار حد بر او جاری شود در مرتبه سوم کشته می شود.

ماده ۱۸۰ - هر گاه محکوم به حد دیوانه یا مرتد شود حد از او ساقط نمی شود.

فصل چهارم - شرایط سقوط حد مسكر یا عفو از آن

ماده ۱۸۱ - هرگاه کسی که شراب خورده قبل از اقامه شهادت توبه نماید حد از او ساقط می شود ولی توبه بعد از اقامه شهادت موجب سقوط حد نیست .



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۱۸۲ - هرگاه کسی بعد از اقرار به خوردن مسکر توبه کند قاضي مي تواند از ولي امر تقاضي عفو نمايد يا حد را بر او جاري کند.

باب هفتم - محاربه و افساد في الارض

فصل اول - تعاریف

ماده ۱۸۳ - هر کس که براي ایجاد رعب و هراس و سلب آزادي وامنیت مردم دست به اسلحه ببرد محارب و مفسد في الارض مي باشد.

تبصره ۱ - کسی که بر روی مردم سلاح بکشد ولي در اثر ناتواني موجب هراس هیچ فردي نشود محارب نیست .

تبصره ۲ - اگر کسی سلاح خود را با انگیزه عداوت شخصي به سوي يك يا چند نفر مخصوص بکشد و عمل او جنبه عمومي نداشته باشد محارب محسوب نمي شود.

تبصره ۳ - میان سلاح سرد و سلاح گرم فرقي نیست .

ماده ۱۸۴ - هر فرد يا گروهی که براي مبارزه با محاربان و از بین بردن فساد در زمین دست به اسلحه برند محارب نیستند.

ماده ۱۸۵ - سارق مسلح و قطاع الطريق هرگاه با اسلحه امنیت مردم يا جاده را بر هم بزنند و رعب و وحشت ایجاد کند محارب است .

ماده ۱۸۶ - هر گروه يا جمعیت متشکل که در برابر حکومت اسلامي قیام مسلحانه کند مادام که مرکزیت آن باقي است تمام اعضاء و هواداران آن ، که موضوع آن گروه يا جمعیت يا سازمان را مي دانند و به نحوي در پیشبرد اهداف آن فعالیت و تلاش مؤثر دارند محاربند اگر چه در شاخه نظامي شرکت نداشته باشند.

تبصره - جبهه متحدی که از گروهها واشخاص مختلف تشکیل شود، در حکم يك واحد است .

ماده ۱۸۷ - هر فرد يا گروه که طرح براندازی حکومت اسلامي را بریزد و براي این منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کند و نیز کسانی که با آگاهی و اختیار امکانات مالي مؤثر و يا وسایل واسباب کار و سلاح در اختیار آنها بگذارند محارب و مفسد في الارض میباشند.

ماده ۱۸۸ - هر کس در طرح براندازی حکومت اسلامي خود را نامزد یکی از پستهای حساس حکومت کودتا نماید و نامزدی او در تحقق کودتا بنحوي مؤثر باشد، «محارب» و «مفسد في الارض» است .

فصل دوم - راهبای ثبوت محاربه و افساد في الارض

ماده ۱۸۹ - محاربه و افساد في الارض از راهبای زیر ثابت مي شود:

الف - با يك بار اقرار بشرط آنکه اقرار کننده بالغ و عاقل و اقرار او با قصد و اختیار باشد.

ب - با شهادت فقط دو مرد عادل .

تبصره ۱ - شهادت مردمی که مورد تهاجم محاربان قرار گرفته اند به نفع همدیگر پذیرفته نیست .

تبصره ۲ - هرگاه عده اي مورد تهاجم محاربان قرار گرفته باشند شهادت اشخاصي که بگویند به ما آسیبی نرسیده نسبت به دیگران پذیرفته است .

تبصره ۳ - شهادت اشخاصي که مورد تهاجم قرار گرفته اند اگر بمنظور اثبات محارب بودن مهاجمین باشد و شکایت شخصي نباشد، پذیرفته است .

فصل سوم - حد محاربه و افساد في الارض

ماده ۱۹۰ - حد محاربه و افساد في الارض یکی از چهار چیز است .

۱- قتل ۲- آویختن به دار ۳- اول قطع دست راست و سپس پای چپ ۴- نفي بلد.

ماده ۱۹۱ - انتخاب هر يك از این امور چهار گانه به اختیار قاضي است خواه محارب کسی را کشته و مجروح کرده يا مال او را گرفته باشد و خواه هیچیک از این کارها را انجام نداده باشد.

ماده ۱۹۲ - حد محارب و افساد في الارض با عفو صاحب حق ساقط نمي شود.

ماده ۱۹۳ - محاربی که تبعید مي شود باید تحت مراقبت قرار گیرد و با دیگران معاشرت و مراوده نداشته باشد.

ماده ۱۹۴ - مدت تبعید در هر حال کمتر از یکسال نیست اگر چه بعد از دستگیری توبه نماید و در صورتی که توبه ننماید همچنان در تبعید باقي خواهد ماند.

ماده ۱۹۵ - مصلوب کردن مفسد و محارب بصورت زیر انجام مي گردد.

الف - نحوه بستن موجب مرگ او نگردد.

ب - بیش از سه روز بر صلیب نماند ولي اگر در اثنای سه روز بمیرد میتوان او را پائین آورد.

ج - اگر بعد از سه روز زنده بماند نباید او را کشت .



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۱۹۶ - بریدن دست راست و پای چپ مفسد و محارب به همان گونه ای است که در « حد سرقت » عمل می شود.

باب هشتم - حد سرقت

فصل اول - تعریف و شرایط

ماده ۱۹۷ - سرقت عبارت است از ربودن مال دیگری بطور پنهانی .

ماده ۱۹۸ - سرقت در صورتی موجب حد می شود که دارای کلیه شرایط و خصوصیات زیر باشد:

۱ - سارق به حد بلوغ شرعی رسیده باشد.

۲ - سارق در حال سرقت عاقل باشد.

۳ - سارق با تهدید و اجبار وادار به سرقت نشده باشد.

۴ - سارق قاصد باشد.

۵ - سارق بداند و ملتفت باشد که مال غیر است .

۶ - سارق بداند و ملتفت باشد که ربودن آن حرام است .

۷ - صاحب مال ، مال را در حرز قرار داده باشد.

۸ - سارق به تنهایی یا با کمک دیگری هتک حرز کرده باشد.

۹ - به اندازه نصاب یعنی ۵/۴ نخود طلاي مسكوك که بصورت پول معامله می شود یا ارزش آن به آن مقدار باشد در هر بار سرقت شود.

۱۰ - سارق مضطر نباشد.

۱۱ - سارق پدر صاحب مال نباشد.

۱۲ - سرقت در سال قحطی صورت نگرفته باشد.

۱۳ - حرز و محل نگهداری مال ، از سارق غصب نشده باشد.

۱۴ - سارق مال را به عنوان دزدی برداشته باشد.

۱۵ - مال مسروق در حرز متناسب نگهداری شده باشد.

۱۶ - مال مسروق از اموال دولتی و وقف و مانند آن که مالک شخصی ندارد نباشد.

تبصره ۱ - حرز عبارت است از محل نگهداری مال به منظور حفظ از دستبرد.

تبصره ۲ - بیرون آوردن مال از حرز توسط دیوانه یا طفل غیر ممیز و حیوانات وامثال آن در حکم مباشرت است.

تبصره ۳ - هرگاه سارق قبل از بیرون آوردن مال از حرز دستگیر شود حد بر او جاری نمی شود.

تبصره ۴ - هرگاه سارق پس از سرقت ، مال را تحت ید مالک قرار داده باشد موجب حد نمی شود.

فصل دوم - راهبای ثبوت سرقت

ماده ۱۹۹ - سرقتی که موجب حد است با یکی از راهبای زیر ثابت می شود:

۱ - شهادت دو مرد عادل .

۲ - دو مرتبه اقرار سارق نزد قاضی ، به شرط آنکه اقرار کننده بالغ و عاقل و مختار باشد.

۳ - علم قاضی .

تبصره - اگر سارق يك مرتبه نزد قاضی اقرار به سرقت کند، باید مال را به صاحبش بدهد اما حد بر او جاری نمی شود.

فصل سوم - شرایط اجرای حد

ماده ۲۰۰ - در صورتی حد سرقت جاری می شود که شرایط زیر موجود باشد:



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

۱ - صاحب مال از سارق نزد قاضي شکايت کند.

۲ - صاحب مال پيش از شکايت سارق را نبخشیده باشد.

۳ - صاحب مال پيش از شکايت مال را به سارق نبخشیده باشد.

۴ - مال مسروق قبل از ثبوت جرم نزد قاضي، از راه خريد و مانند آن به ملك سارق در نيايد.

۵ - سارق قبل از ثبوت جرم از اين گناه توبه نکرده باشد.

تبصره - حد سرقت بعد از ثبوت جرم با توبه ساقط نمي شود و عفو سارق جايز نيست .

فصل چهارم - حد سرقت

ماده ۲۰۱ - حد سرقت به شرح زير است :

الف - در مرتبه اول قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهاي آن بطوري که انگشت شست و کف دست او باقي بماند.

ب - در مرتبه دوم، قطع پاي چپ سارق از پائين بر آمدگي بنحوي که نصف قدم و مقداري از محل مسح او باقي بماند.

ج - در مرتبه سوم حبس ابد.

د - در مرتبه چهارم اعدام، ولو سرقت در زندان باشد.

تبصره ۱ - سرقتهاي متعدد تاهنگامي که حد جاري نشده حکم يك بار سرقت را دارد.

تبصره ۲ - معاون در سرقت موضوع ماده (۱۹۸) اين قانون به يك سال تا سه سال حبس محکوم مي شود.

ماده ۲۰۲ - هر گاه انگشتان دست سارق بریده شود و پس از اجراي اين حد، سرقت ديگري از او ثابت گردد که سارق قبل از اجراي حد مرتکب شده است پاي چپ او بریده مي شود.

ماده ۲۰۳ - سرقتي که فاقد شرايط اجراي حد باشد و موجب اخلال در نظم يا خوف شده يا بيم تجري مرتکب يا ديگران باشد اگر چه شاکي نداشته يا گذشت نموده باشد موجب حبس تعزيري از يك تا پنج سال خواهد بود.

تبصره - معاونت در سرقت موجب حبس از شش ماه تا سه سال مي باشد.

کتاب سوم (منسوخه ۰۲، ۰۱، ۱۳۹۲). قصاص

باب اول - قصاص نفس

فصل اول - قتل عمد

ماده ۲۰۴ - قتل نفس بر سه نوع است، عمد، شبهه عمد، خطا.

ماده ۲۰۵ - قتل عمد برابر مواد اين فصل موجب قصاص است و اولياء دم مي توانند با اذن ولي امر قاتل را با رعايت شرايط مذکور در فصول آتیه قصاص نمايند و ولي امر مي تواند اين امر را به رئيس قوه قضائيه يا ديگري تفويض نمايد.



ماده ۲۰۶ - قتل در موارد زير قتل عمدي است :

الف - مواردی که قاتل با انجام کاری قصد کشتن شخص معين يا فرد يا افرادي غير معين از يك جمع را دارد خواه آن کار نوعاً کشنده باشد خواه نباشد ولي در عمل سبب قتل شود.

ب - مواردی که قاتل عمداً کاری را انجام دهد که نوعاً کشنده باشد هر چند قصد کشتن شخص را نداشته باشد.

ج - مواردی که قاتل قصد کشتن را ندارد و کاری را که انجام مي دهد نوعاً کشنده نيست ولي نسبت به طرف بر اثر بيماري و يا پيري يا ناتواني يا کودکی وامثال آنها نوعاً کشنده باشد و قاتل نیز به آن آگاه باشد.

ماده ۲۰۷ - هرگاه مسلماني کشته شود قاتل قصاص مي شود و معاون در قتل عمد به سه سال تا ۱۵ سال حبس محکوم مي شود.

ماده ۲۰۸ - هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکي نداشته يا شاکي داشته ولي از قصاص گذشت کرده باشد اقدام وي موجب اخلال در نظم جامعه يا خوف شده و يا بيم تجري مرتکب يا ديگران گردد موجب حبس تعزيري از ۳ تا ۱۰ سال خواهد بود.



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

تبصره - در این مورد معاونت در قتل عمد موجب حبس از يك تا پنج سال مي باشد.

ماده ۲۰۹ - هر گاه مرد مسلماني عمداً زن مسلماني را بکشد محکوم به قصاص است لیکن باید ولي زن قبل از قصاص قاتل نصف ديه مرد را به او بپردازد.

ماده ۲۱۰ - هرگاه کافر ذمي عمداً کافر ذمي دیگر را بکشد قصاص مي شود اگر چه پيرو دو دين مختلف باشند و اگر مقتول زن ذمي باشد باید ولي او قبل از قصاص نصف ديه مرد ذمي را به قاتل بپردازد.

فصل دوم - اکراه در قتل

ماده ۲۱۱ - اکراه در قتل و يا دستور به قتل ديگري مجوز قتل نيست ، بنا بر این اگر کسي را وادار به قتل ديگري کنند يا دستور به قتل رساندن ديگري را بدهند مرتکب قصاص ميشود و اکراه کننده و آمر ، به حبس ابد محکوم ميگردند.

تبصره ۱ - اگر اکراه شونده طفل غير ممیز يا مجنون باشد فقط اکراه کننده محکوم به قصاص است .

تبصره ۲ - اگر اکراه شونده طفل ممیز باشد نباید قصاص شود بلکه باید عاقله او ديه را بپردازد و اکراه کننده نیز به حبس ابد محکوم است .

فصل سوم - شرکت در قتل

ماده ۲۱۲ - هرگاه دو يا چند مرد مسلمان مشترکاً مرد مسلماني را بکشند ولي دم مي تواند با اذن ولي امر همه آنها را قصاص کند و در صورتي که قاتل دو نفر باشند باید به هر کدام از آنها نصف ديه و اگر سه نفر باشند باید به هر کدام از آنها دو ثلث ديه و اگر چهار نفر باشند باید به هر کدام از آنها سه ربع ديه را بپردازد و به همین نسبت در افراد بیشتر .

تبصره ۱ - ولي دم مي تواند برخي از شرکاي در قتل را با پرداخت ديه مذکور در این ماده قصاص نمايد و از بقيه شرکاء نسبت به سهم ديه اخذ نمايد.

تبصره ۲ - در صورتيکه قاتلان و مقتول همگي از کفار ذمي باشند همین حکم جاري است .

ماده ۲۱۳ - در هر مورد که باید مقداري از ديه را به قاتل بدهند و قصاص کنند باید پرداخت ديه قبل از قصاص باشد.

ماده ۲۱۴ - هرگاه دو يا چند نفر جراحتي بر کسي وارد سازند که موجب قتل او شود چه در يك زمان و چه در زمانهاي متفاوت چنانچه قتل مستند به جنایت همگي باشد همه آنها قاتل محسوب مي شوند و کيفر آنان باید طبق مواد ديگر این قانون با رعايت شرايط تعيين شود.

ماده ۲۱۵ - شرکت در قتل ، زماني تحقق پيدا مي کند که کسي در اثر ضرب و جرح عده اي کشته شود و مرگ او مستند به عمل همه آنها باشد خواه عمل هر يك به تنهایی براي قتل کافي باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوي باشد خواه متفاوت .

ماده ۲۱۶ - هرگاه کسي جراحتي به شخصي وارد کند و بعد از آن ديگري او را به قتل برساند قاتل همان دومي است اگر چه جراحت سابق به تنهایی موجب مرگ مي گرديد و اولي فقط محکوم به قصاص طرف يا ديه جراحتي است که وارد کرده مگر مواردی که در قصاص جراحت خطر مرگ باشد که در این صورت فقط محکوم به ديه مي باشد.

ماده ۲۱۷ - هرگاه جراحتي که نفاول وارد کرده مجروح را در حکم مرده قرار داده و تنها آخرين رمق حيات در او باقي بماند و در این حال ديگري کاري را انجام دهد که به حيات او پايان بخشد اولي قصاص مي شود و دومي تنها ديه جنایت بر مرده را مي پردازد.

ماده ۲۱۸ - هرگاه ايراد جرح هم موجب نقص عضو شود و هم موجب قتل چنانچه با يك ضربت باشد قصاص قتل کافي است و نسبت به نقص عضو قصاص يا ديه نيست .

فصل چهارم - شرايط قصاص

ماده ۲۱۹ - کسي که محکوم به قصاص است باید با اذن ولي دم او را کشت . پس اگر کسي بدون اذن ولي دم او را بکشد مرتکب قتلي شده که موجب قصاص است .

ماده ۲۲۰ - پدر يا جد پدري که فرزند خود را بکشد قصاص نمي شود و به پرداخت ديه قتل به ورثه مقتول و تعزير محکوم خواهد شد.

ماده ۲۲۱ - هرگاه ديوانه يا نابالغي عمداً کسي را بکشد خطا محسوب و قصاص نمي شود بلکه باید عاقله آنها ديه قتل خطا را به ورثه مقتول بدهند.

تبصره - در جرائم قتل نفس يا نقص عضو اگر جرم ارتکابي عمدي باشد و مرتکب صغير يا مجنون باشد و پس از بلوغ يا افاقة مرتکب ، مجني عليه در اثر سرايت فوت شود مستوجب قصاص نمي باشد.

ماده ۲۲۲ - هرگاه عاقل ديوانه اي را بکشد قصاص نمي شود بلکه باید ديه قتل را به ورثه مقتول بدهد و در صورتي که اقدام وي موجب اخلال در نظم جامعه يا خوف شده و يا بيم تجري مرتکب و يا ديگران گردد موجب حبس تعزيري از ۳ تا ۱۰ سال خواهد بود.

ماده ۲۲۳ - هرگاه بالغ نابالغي را بکشد قصاص مي شود.



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۲۲۴ - قتل در حال مستي موجب قصاص است مگر اينکه ثابت شود که در اثر مستي بکلي مسلوب الاختيار بوده و قصد از او سلب شده است و قبلاً براي چنين عملي خود را مست نکرده باشد و در صورتيکه اقدام وي موجب اخلال در نظم جامعه و يا خوف شده و يا بيم تجري مرتکب و يا ديگران گردد موجب حبس تعزيري از ۳ تا ۱۰ سال خواهد بود.

ماده ۲۲۵ - هر گاه کسي در حال خواب يا بيهوشي شخصي را بکشد قصاص نمي شود فقط به ديه قتل به ورثه مقتول محکوم خواهد شد.

ماده ۲۲۶ - قتل نفس در صورتي موجب قصاص است که مقتول شرعاً مستحق کشتن نباشد و اگر مستحق قتل باشد قاتل بايد استحقاق قتل او را طبق موازين در دادگاه اثبات کند.

فصل پنجم - شرايط دعوي قتل

ماده ۲۲۷ - مدعي بايد حين اقامه دعوي عاقل و بالغ باشد و چنانچه دعوي مستلزم امر مالي گردد رشد نيز شرط است اما نسبت به مدعي عليه هيچيك از موارد مذکور شرط نمي باشد.

ماده ۲۲۸ - مدعي بايد نسبت به مورد دعوي جازم باشد و با احتمال و ظن نمي توان عليه کسي اقامه دعوي کرد لکن با وجود اماره و آثار جرم دعوي بدون جزم نيز مسموع است .

ماده ۲۲۹ - مدعي عليه بايد معلوم و مشخص يا محصور در ميان عده اي معين باشد.

ماده ۲۳۰ - مورد دعوي بايد معلوم باشد و مدعي قتل بايد نوع آن را از لحاظ عمد يا غير عمد بيان کند و اگر اصل قتل ثابت شود و نوع آن اثبات نشود بايد با صلح ميان قاتل و اولياء مقتول و عاقله دعوي را خاتمه داد.

فصل ششم - راهبهاي ثبوت قتل

ماده ۲۳۱ - راهبهاي ثبوت قتل در دادگاه عبارتند از :

۱ - اقرار ۲ - شهادت ۳ - قسامه ۴ - علم قاضي .

مبحث اول - اقرار

ماده ۲۳۲ - با اقرار به قتل عمد گر چه يك مرتبه هم باشد قتل عمد ثابت مي شود.

ماده ۲۳۳ - اقرار در صورتي نافذ است که اقرار کننده داراي اوصاف زير باشد.

.

۱ - عقل ۲ - بلوغ ۳ - اختيار ۴ - قصد.

بنابراين اقرار ديوانه و مست و کودک و مجبور و اشخاصي که قصد ندارند مانند ساهي و هازل و نائم و بيهوش نافذ نيست .

ماده ۲۳۴ - اقرار به قتل عمد از کسي که به سبب سفاهت يا افلاس مجبور باشد نافذ و موجب قصاص است .

ماده ۲۳۵ - اگر کسي به قتل عمدي شخصي اقرار نمايد و ديگري به قتل عمدي يا خطائي همان مقتول اقرار کند ولي دم در مراجعه به هر يك از اين دو نفر مخيراست که برابر اقرارش عمل نمايد و نمي تواند مجازات هر دو را مطالبه کند.

ماده ۲۳۶ - اگر کسي به قتل عمدي شخصي اقرار کند و پس از آن ديگري به قتل عمدي همان مقتول اقرار نمايد در صورتي که اولي از اقرارش برگردد قصاص يا ديه از هر دو ساقط است و ديه از بيت المال پرداخت مي شود و اين در حالي است که قاضي احتمال عقلائي ندهد که قضيه توطئه آميز است .

تبصره - در صورتيکه قتل عمدي بر حسب شهادت شهود يا قسامه يا علم قاضي قابل اثبات باشد قاتل به تقاضي ولي دم قصاص مي شود.

مبحث دوم - شهادت

ماده ۲۳۷

- الف - قتل عمد با شهادت دو مرد عادل ثابت مي شود.

- ب - قتل شبهه عمد يا خطأ با شهادت دو مرد عادل يا يك مرد عادل و دوزن عادل و قسم مدعي ثابت مي شود.

ماده ۲۳۸ - هرگاه يکي از دو شاهد عادل گواهي دهد که متهم اقرار به قتل عمدي نمود و ديگري گواهي دهد که متهم اقرار به قتل کرد و بقيد عمد گواهي ندهد اصل قتل ثابت مي شود و متهم مکلف است نوع قتل را بيان کند اگر اقرار به عمد نمود قصاص مي شود و چنانچه منکر قتل عمد باشد و قسم ياد کند قصاص از او ساقط است .

مبحث سوم - قسامه



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۲۳۹ (منسوخه ۱۳۸۰, ۱۰, ۲۳) - هرگاه بر اثر قرائن و اماراتي و يا از هر طريق ديگري از قبيل شهادت يك شاهد يا حضور شخصي همراه با آثار جرم در محل قتل يا وجود مقتول در محل تردد يا اقامت اشخاص معين و يا شهادت طفل مميز مورد اعتماد و يا امثال آن حاكم به ارتكاب قتل از جانب متهم ظن پيدا كند مورد از موارد لوث محسوب مي شود و در صورت نبودن بيّنه از براي مدعي، قتل يا جرح يا نوع آنها به وسيله قسامه و به نحو مذكور در مواد بعدي ثابت مي شود.

ماده ۲۴۰ - هرگاه ولي دم ، مدعي قتل عمد شود و يكي از دو شاهد عادل به قتل عمد و ديگري به اصل قتل شهادت دهد و متهم قتل عمد را انكار كند در صورتي كه موجب ظن براي قاضي باشد اين قتل از باب لوث محسوب مي شود و مدعي بايد قتل عمد را با اقامه قسامه ثابت كند.

ماده ۲۴۱ - هرگاه يكي از دو مرد عادل شهادت به قتل بوسيله متهم دهد و ديگري به اقرار متهم به قتل شهادت دهد قتل ثابت نمي شود و چنانچه موجب ظن براي قاضي باشد، مورد از موارد لوث خواهد بود.

ماده ۲۴۲ - در صورتي كه قرائن و نشانه هاي ظني معارض يكدیگر باشند مورد از موارد لوث محسوب نمي گردد.

ماده ۲۴۳ - مدعي ممكن است مرد يا زن باشد و در هر حال بايد از وراث فعلي مقتول محسوب شود.

ماده ۲۴۴ (منسوخه ۱۳۸۰, ۱۰, ۲۳) - اگر مدعي عليه حضور خود را هنگام قتل در محل واقعه منكر باشد و قرايني كه موجب ظن به وقوع قتل توسط وي گردد وجود نداشته باشد لوث محسوب نمي شود. مگر اينكه مدعي بيّنه اي بر حضور او هنگام قتل در محل واقعه اقامه كند و موجب ظن به وقوع قتل توسط او گردد در اين صورت لوث ثابت مي شود و مدعي بايد اقامه قسامه كند و در صورت امتناع از اقامه قسامه مي تواند از مدعي عليه مطالبه قسامه كند در اين صورت مدعي عليه بايد به منظور برائت خود به ترتيب مذكور در ماده (۲۴۷) عمل نمايد. در اين حالت اگر مدعي عليه از اقامه قسامه ابا نمايد محكوم به پرداخت ديه مي شود.

تبصره (منسوخه ۱۳۸۰, ۱۰, ۲۳) - در موارد قسامه، چنانچه برائت مدعي عليه ثابت شود و قاتل مشخص نباشد، ديه مقتول از بيت المال پرداخت مي شود.

ماده ۲۴۵ (منسوخه ۱۳۸۰, ۱۰, ۲۳) - در صورت نبودن قرائن موجب ظن به انتساب قتل، صرف حضور مدعي عليه هنگام قتل در محل واقعه از مصاديق لوث محسوب نمي شود و مدعي عليه با اداي يك سوگند تبرئه مي گردد.

ماده ۲۴۶ (منسوخه ۱۳۸۰, ۱۰, ۲۳) - هرگاه مدعي عليه براي تبرئه خود بيّنه اقامه كند لوث محقق نمي شود و تبرئه مي گردد.

ماده ۲۴۷ - هرگاه مدعي اقامه قسامه نكند مي تواند از مدعي عليه مطالبه قسامه نمايد در اين صورت مدعي عليه بايد براي برائت خود به ترتيب مذكور در ماده ۲۴۸ به قسامه عمل نمايد و چنانچه ابا كند محكوم به پرداخت ديه مي شود.

ماده ۲۴۸ (منسوخه ۱۳۸۰, ۱۰, ۲۳) - در موارد لوث، قتل عمد با قسم پنجاه نفر مرد ثابت مي شود و قسم خورندگان بايد از خويشان و بستگان نسبي مدعي باشند.

تبصره ۱ - مدعي و مدعي عليه مي توانند حسب مورد يكي از قسم خورندگان باشند.

تبصره ۲ (منسوخه ۱۳۸۰, ۱۰, ۲۳) - چنانچه تعداد قسم خورندگان مدعي عليه کمتر از پنجاه نفر باشد، هريك از قسم خورندگان مرد مي توانند بيش از يك قسم بخورند به نحوي كه پنجاه قسم كامل شود.

تبصره ۳ (منسوخه ۱۳۸۰, ۱۰, ۲۳) - چنانچه مدعي عليه نتواند كسي از خويشان و بستگان نسبي خود را براي اداي قسم حاضر كند، مي تواند خودش پنجاه قسم بخورد و تبرئه شود.

ماده ۲۴۹ - قاضي بايد براي قبول تكرر قسم مطمئن شود كه مدعي يا مدعي عليه پنجاه نفر خويشان و بستگان نسبي ندارد و يا خويشان و بستگان نسبي او پنجاه نفر يا بيشتر هستند ولي حاضر به قسم خوردن نمي باشند همچنين قاضي بايد خويشاوندي نسبي قسم خورندگان را با مدعي يا مدعي عليه احراز نمايد.

ماده ۲۵۰ - هر يك از قسم خورندگان بايد قاتل و مقتول را بدون ابهام معين و افراد يا اشتراك و يا معاونت قاتل يا قاتلان را صريحاً ذكر و نوع قتل را بيان كنند.

تبصره - در صورتي كه قاضي احتمال بدهد كه قسم خورنده يا قسم خورندگان در تشخيص نوع قتل كه عمده يا شبه عمده يا خطاء است دچار اشتباه مي باشند بايد در مورد نوع قتل از آنها تحقيق نمايد.

ماده ۲۵۱ - قسم خورندگان بايد علم به ارتكاب قتل داشته باشند و از روي جزم قسم بخورند و قسم از روي ظن كفايت نمي كند.

تبصره - در صورتيكه قاضي احراز نمايد كه تمام يا بعضي از قسم خورندگان از روي ظن قسم مي خورند قسمهاي مذكور اعتبار ندارد.

ماده ۲۵۲ (منسوخه ۱۳۸۰, ۱۰, ۲۳) - در موارد لوث، چنانچه مدعي متعدد باشد، قسم پنجاه نفر كفايت مي كند ولي در صورت تعدد مدعي عليه، هر يك از آنان مي بايست براي برائت خود اجراي قسامه كند و با نداشتن عدد قسامه طبق تبصره (۳) - ماده (۲۴۸) هر يك از مدعي عليهم پنجاه قسم خورده و تبرئه مي شوند.

ماده ۲۵۳ (منسوخه ۱۳۸۰, ۱۰, ۲۳) - نصاب قسامه در قتل شبه عمده و خطاي محض بيست و پنج نفر مي باشد و نحوه انجام آن مطابق ماده (۲۴۸) و تبصره هاي آن است.

ماده ۲۵۴ (منسوخه ۱۳۸۰, ۱۰, ۲۳) - در جراحات، قصاص با قسامه ثابت نمي شود و فقط موجب پرداخت ديه مي گردد و نصاب قسامه در جراحات به شرح زير است :

الف - در جراحاتي كه موجب ديه كامل است، مجروح با پنج نفر ديگر قسم مي خورند.

ب - در جراحاتي كه موجب سه چهارم ديه كامل است، مجروح با چهار نفر ديگر قسم مي خورند.

ج - در جراحاتي كه موجب دو سوم ديه كامل است، مجروح با سه نفر ديگر قسم مي خورند.



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

د - در جراحتي که موجب يك دوم ديه کامل است، مجروح با دو نفر ديگر قسم مي‌خورند.

هـ- در جراحتي که موجب يك سوم ديه کامل است، مجروح با يك نفر ديگر قسم مي‌خورند.

و - در جراحتي که موجب يك ششم ديه کامل است، مجروح به تنهائي قسم مي‌خورد.

تبصره ۱ (منسوخه ۲۳، ۱۰، ۱۳۸۰)- در مورد هر يك از بندهاي فوق‌الذکر در صورت نبودن نفرات لازم مجني‌عليه مي‌تواند به همان عدد قسم را تکرار کند.

تبصره ۲ (منسوخه ۲۳، ۱۰، ۱۳۸۰)- در مورد هر يك از بندهاي يادشده در فوق، چنانچه مقدار ديه بيش از كسر مقرر در آن بند و کمتر از كسر مقرر در بند قبلي بوده باشد، در مقدار قسم نصاب بيشتري لازم است. مثلاً اگر ديه جراحت به مقدار يك چهارم و يا يك پنجم ديه کامل باشد، براي اثبات آن، نصاب يك سوم يعني دو قسم لازم است.

ماده ۲۵۵ - هرگاه شخصي در اثر ازدحام كشته شود و يا جسد مقتولي در شارع عام پيدا شود و قرائن ظني براي قاضي بر نسبت قتل او به شخص يا جماعتي نباشد حاكم شرع بايد ديه او را از بيت المال بدهد و اگر شواهد ظني نزد حاكم اقامه شود كه آن قتل به شخص يا اشخاص معين منسوب است مورد از موارد لوث خواهد بود.

ماده ۲۵۶ - هرگاه كسي را در محلي كشته بيايند و ولي مقتول مدعي شود كه شخص معينی از ساكنان آن محل ويرا به قتل رسانده است مورد از موارد لوث مي باشد در اين صورت چنانچه حضور مدعي عليه هنگام قتل در محل واقعه ثابت شود دعوي ولي با قسامه پذيرفته مي شود.

تبصره - چنانچه مدعي عليه حضور خود را هنگام قتل در محل واقعه انكار نمايد ادعای او با سوگند پذيرفته مي شود.

فصل هفتم - كيفيت استيفاء قصاص

ماده ۲۵۷ - قتل عمد موجب قصاص است لكن با رضایت ولي دم و قاتل به مقدار ديه كامله يا به کمتر يا زيادتر از آن تبديل مي شود.

ماده ۲۵۸ - هرگاه مردی زني را به قتل رساند ولي دم حق قصاص قاتل را با پرداخت نصف ديه دارد و در صورت رضایت قاتل مي تواند به مقدار ديه يا کمتر يا بيشتراز آن مصالحه نمايد.

ماده ۲۵۹ - هرگاه كسي كه مرتكب قتل موجب قصاص شده است بميرد قصاص و ديه ساقط مي شود.

ماده ۲۶۰ - هرگاه كسي كه مرتكب قتل عمد شده است فرار كند و تا هنگام مردن به او دسترسي نباشد پس از مرگ قصاص تبديل به ديه مي شود كه بايد از مال قاتل پرداخت گردد و چنانچه مالي نداشته باشد از اموال نزديكترين خويشان او به نحو «الاقرب فالاقرب» پرداخت مي شود و چنانچه نزديكاني نداشته باشد يا آنها تمكّن نداشته باشند ديه از بيت المال پرداخت مي گردد.

ماده ۲۶۱ - اولياء دم كه قصاص و عفو در اختيار آنهاست همان ورثه مقتولند، مگر شوهر يا زن كه در قصاص و عفو و اجراء اختياري ندارند.

ماده ۲۶۲ - زن حامله كه محكوم به قصاص است نبايد قبل از وضع حمل قصاص شود و پس از وضع حمل چنانچه قصاص موجب هلاكت طفل باشد بايد به تأخير افتد تا خطر مرگ از طفل برطرف گردد.

ماده ۲۶۳ - قصاص با آلت كند و غير برنده كه موجب آزار مجرم باشد ممنوع است و مثله او نيز جرم است.

ماده ۲۶۴ - در صورتي كه ولي دم متعدد باشد موافقت همه آنها در قصاص لازم است چنانچه همگي خواهان قصاص قاتل باشند قاتل قصاص مي شود و اگر بعضي از آنها خواهان قصاص و ديگران خواهان ديه ، خواهان قصاص مي توانند قاتل را قصاص كنند لكن بايد سهم ديه ساير اولياء دم را كه خواهان ديه هستند بپردازند و اگر بعضي از اوليائي دم بطور رايگان عفو كنند ديگران مي توانند بعد از پرداخت سهم عفو كنندگان به قاتل او را قصاص نمايند.

ماده ۲۶۵ - ولي دم بعد از ثبوت قصاص با اذن ولي امر مي توانند شخصاً قاتل را قصاص كند و يا وكيل بگيرد.

ماده ۲۶۶ - اگر مجني عليه ولي نداشته باشد و يا شناخته نشود و يا به او دسترسي نباشد ولي دم او ولي امر مسلمين است و رئيس قوه قضائيه با استيذان از ولي امر و تفويض اختيار به دادستانهاي مربوطه نسبت به تعقيب مجرم و تقاضي قصاص يا ديه حسب مورد اقدام مي نمايد.



ماده ۲۶۷ - هرگاه شخص يا اشخاصي محكوم به قصاص را رهائي دهند موظف به تحويل دادن وي مي باشند و هر گاه به تشخيص قاضي رسيدگي كننده در انجام وظيفه كوتاهي نمايد و حبس وي مؤثر در الزام يا احضار باشد تا زمان معرفي محكوم به حبس مي گردد.

تبصره - چنانچه قاتل قبل از تحويل بميرد يا به نحو ديگري تحويل وي متعذر شود فرد فراري دهنده ضامن ديه مقتول است.

ماده ۲۶۸ - چنانچه مجني عليه قبل از مرگ جاني را از قصاص نفس عفو نمايد حق قصاص ساقط مي شود و اولياء دم نمي توانند پس از مرگ او مطالبه قصاص نمايند.

باب دوم - قصاص عضو

فصل اول - تعاريف و موجبات قصاص عضو



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۲۶۹ - قطع عضو و یا جرح آن اگر عمدی باشد موجب قصاص است و حسب مورد مجنی علیه می تواند با اذن ولی امر جانی را با شرایطی که ذکر خواهد شد قصاص نماید.

تبصره ۱ - مجازات معاون جرم موضوع این ماده سه ماه حبس تا یکسال است .

تبصره ۲ - در مورد این جرم چنانچه شاکی نداشته و یا شاکی از شکایت خود گذشت کرده باشد یا موجب قصاص نگردیده ولیکن سبب اخلال در نظم جامعه یا خوف شده یا بیم تجری مرتکب یا دیگران باشد موجب حبس تعزیری از سه ماه تا دو سال خواهد بود و معاون جرم به حبس از دو ماه تا یکسال محکوم میشود.

ماده ۲۷۰ - قطع عضو یا جرح آن سه نوع است :

عمد - شبه عمد - خطأ که احکام دو نوع اخیر در فصل دیات خواهد آمد.

ماده ۲۷۱ - قطع عضو یا جرح آن در موارد زیر عمدی است :

الف - وقتی که جانی با انجام کاری قصد قطع عضو یا جرح آن را دارد چه آن کار نوعاً موجب قطع یا جرح باشد یا نباشد.

ب - وقتی که جانی عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب قطع یا جرح عضو باشد هرچند قصد قطع یا جرح نداشته باشد.

ج - وقتی که جانی قصد قطع عضو یا جرح را ندارد و عمل او نوعاً موجب قطع یا جرح نمی باشد ولی نسبت به مجنی علیه بر اثر بیماری یا پیری یا ناتوانی یا کودکی و مانند اینها نوعاً موجب قطع یا جرح باشد و جانی به آن آگاهی داشته باشد.

فصل دوم - شرایط و کیفیت قصاص عضو

ماده ۲۷۲ - در قصاص عضو علاوه بر شرایط قصاص نفس شرایط زیر باید رعایت شود:

۱ - تساوی اعضاء در سالم بودن .

۲ - تساوی در اصلي بودن اعضاء .

۳ - تساوی در محل عضو مجروح یا مقطوع .

۴ - قصاص موجب تلف جانی یا عضو دیگر نباشد.

۵ - قصاص بیشتر از اندازه جنایت نشود.

ماده ۲۷۳ - در قصاص عضو، زن و مرد برابرند و مرد مجرم به سبب نقص عضو یا جرمی که به زن وارد نماید به قصاص عضو مانند آن محکوم می شود ، مگر اینکه دیه عضوی که ناقص شده ثلث یا بیش از ثلث دیه کامل باشد که در آن صورت زن هنگامی می تواند قصاص کند که نصف دیه آن عضو را به مرد بپردازد.

ماده ۲۷۴ - عضو سالم در برابر عضو ناسالم قصاص نمی شود و فقط دیه آن عضو پرداخت می شود لکن عضو ناسالم در برابر عضو سالم قصاص می شود.

ماده ۲۷۵ - در قصاص عضو تساوی محل معتبر است و باید در مقابل قطع عضو طرف راست عضو همان طرف و در مقابل طرف چپ عضو همان طرف جانی قصاص شود.

تبصره - در صورتی که مجرم دست راست نداشته باشد دست چپ او و چنانچه دست چپ هم نداشته باشد پای او قطع خواهد شد.

ماده ۲۷۶ - جرحی که بعنوان قصاص وارد می کنند باید از حیث طول و عرض مساوی با جنایت باشد و در صورت امکان رعایت تساوی در عمق نیز لازم است .

تبصره - در جراحت موضعه و سمحاق تساوی در عمق شرط نیست و مماثلت عرفی کافی است .

ماده ۲۷۷ - هرگاه در قصاص جرح رعایت تساوی ممکن نباشد مانند بعضی از جراحت های عمیق یا در موارد شکسته شدن استخوانها یا جابجا شدن آنها بطوریکه قصاص موجب تلف جانی یا زیاده از اندازه جنایت گردد باید دیه آن داده شود چه مقدار آن دیه شرعاً معین باشد یا با حکم حاکم شرع معین گردد.

ماده ۲۷۸ - قصاص عضو را می شود فوراً اجراء نمود و لازم نیست صبر کنند تا وضع جرح روشن شود پس اگر قصاص اجرا شود و جرح منجر به مرگ مجنی علیه گردد در صورتیکه جنایت عمدی باشد جانی به قصاص نفس محکوم می شود لکن قبل از اجرای قصاص نفس باید دیه جرحی که قبلاً بعنوان قصاص عضو بر جانی وارد شده به او پرداخت شود.

ماده ۲۷۹ - برای رعایت تساوی قصاص با جنایت باید حدود جراحت کاملاً اندازه گیری شود و هر چیزی که مانع از استیفاي قصاص یا موجب ازدیاد آن باشد باید بر طرف گردد.

ماده ۲۸۰ - اگر در اثر حرکت جانی قصاص بیش از جنایت شود قصاص کننده ضامن نیست و اگر بدون حرکت مجرم قصاص بیش از جنایت شود در صورتیکه این زیاده عمدی باشد قصاص کننده نسبت به مقدار زائد قصاص می شود و در صورتیکه عمدی نباشد دیه یا ارش مقدار زائد بعهدہ قصاص کننده می باشد.

ماده ۲۸۱ - اگر گرمی یا سردی هوا موجب سرایت زخم بشود باید قصاص در هوای معتدل انجام گیرد.

ماده ۲۸۲ - ابزار قصاص باید تیز و غیر مسموم و مناسب با اجراء قصاص و قطع و جرح مخصوص باشد و ایذاء جانی بیش از مقدار جنایت او ممنوع است .



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۲۸۳ - هرگاه شخصي يك چشم كسي را كور كند يا در آورد قصاص مي شود گرچه جاني بيش از يك چشم نداشته باشد و چيزي بعنوان ديه به او داده نمي شود.

ماده ۲۸۴ - هرگاه شخصي كه داراي دو چشم است چشم كسي را كه فقط داراي يك چشم است در آورد مجني عليه مي تواند يك چشم جاني را قصاص كند و نصف ديه كامل را هم دريافت نمايد، يا از قصاص يك چشم جاني منصرف شود و ديه كامل بگيرد مگر در صورتي كه مجني عليه يك چشم خود را قبل از اثر قصاص يا جنايتي كه استحقاق ديه آنرا داشته است از دست داده باشد كه در اين مورد مي تواند يك چشم جاني را قصاص كند و يا با رضايت جاني نصف ديه كامل دريافت نمايد.

ماده ۲۸۵ - هرگاه شخصي بدون آسيب به حذقه چشم ديگري بينائي آنرا از بين ببرد فقط بينائي چشم جاني مورد قصاص قرار مي گيرد و اگر بدون آسيب به حذقه چشم جاني قصاص ممكن نباشد جاني بايد ديه آن را بپردازد.

ماده ۲۸۶ - چشم سالم در برابر چشم هائي كه از لحاظ ديدن متعارف نيستند قصاص مي شود.

ماده ۲۸۷ - هر گاه شخصي مقداري از گوش كسي را قطع كند و مجني عليه قسمت جدا شده را به گوش خود پيوند دهد قصاص ساقط نمي شود واگر جاني بعد از آنكه مقداري از گوش او بعنوان قصاص بريده شد آن قسمت جدا شده را به گوش خود پيوند دهد هيچكس نمي تواند آن را دوباره براي حفظ اثر قصاص قطع كند.

ماده ۲۸۸ - قطع لاله گوش كه موجب زوال شنوائي بشود دو جنايت محسوب مي شود.

ماده ۲۸۹ - هرگاه شخصي بيني كسي را قطع كند مجني عليه مي تواند قصاص نمايد گرچه بيني مجني عليه داراي حس بويائي نباشد.

ماده ۲۹۰ - هرگاه شخصي زبان يا لب كسي را قطع نمايد با رعايت تساوي مقدار و محل مورد قصاص قرار مي گيرد.

تبصره - در صورتيكه فرد گويا زبان فرد لال را قطع كند قصاص جايز نيست و تبديل به ديه مي شود.

ماده ۲۹۱ - هرگاه شخصي دندان كسي را بشكند يا بكند با رعايت شرايط قصاص عضو قصاص مي شود.

تبصره - در صورتيكه مجني عليه قبل از قصاص دندان در آورد اگر دندان جديد معيوب باشد جاني به پرداخت ارزش محكوم ميگردد و اگر سالم باشد تا ۷۴ ضربه شلاق تعزير مي گردد.

ماده ۲۹۲ - اگر مجني عليه طفل باشد بايد به مدت متعارف صدور حكم به تأخير افتد در صورتيكه كودك دندان جديد در آورد مجرم محكوم به ارزش و گرنه محكوم به قصاص است .

ماده ۲۹۳ - اگر مورد جنايت عضو زائد باشد و جاني عضو زائد مشابه نداشته باشد محكوم به ديه است .

كتاب چهارم (منسوخه ۱۳۹۲، ۰۲، ۰۱) - ديات**باب اول - تعريف ديه و موارد آن**

ماده ۲۹۴ - ديه مالي است كه به سبب جنايت بر نفس يا عضو به مجني عليه يا به ولي يا اولياء دم او داده مي شود

ماده ۲۹۵ - در موارد زير ديه پرداخت مي شود:



الف - قتل يا جرح يا نقص عضو كه بطور خطاء محض واقع مي شود و آن در صورتي است كه جاني نه قصد جنايت نسبت به مجني عليه را داشته باشد و نه قصد فعل واقع شده بر او را مانند آنكه تيري را به قصد شكاري رها كند و به شخصي برخورد نمايد.

ب - قتل يا جرح يا نقص عضو كه بطور خطاء شبیه عمد واقع مي شود و آن در صورتي است كه جاني قصد فعلي را كه نوعاً سبب جنايت نمي شود داشته باشد و قصد جنايت را نسبت به مجني عليه نداشته باشد مانند آنكه كسي را به قصد تأديب بنحوي كه نوعاً سبب جنايت نمي شود بزند و اتفاقاً موجب جنايت گردد يا طبيعي مباشرتاً بيماري را بطور متعارف معالجه كند و اتفاقاً سبب جنايت بر او شود.

ج - مواردی از جنايت عمدي كه قصاص در آنها جايز نيست .

تبصره ۱ - جنايتهاي عمدي و شبه عمدي ديوانه و نابالغ بمنزله خطاء محض است .

تبصره ۲ - در صورتي كه شخصي كسي را به اعتقاد قصاص يا به اعتقاد مهدورالدم بودن بكشد واين امر بر دادگاه ثابت شود و بعداً معلوم گردد كه مجني عليه مورد قصاص و يا مهدورالدم نبوده است قتل به منزله خطاء شبیه عمد است واگر ادعاي خود را در مورد مهدورالدم بودن مقتول به اثبات برساند قصاص و ديه از او ساقط است .

تبصره ۳ - هرگاه بر اثر بي احتياطي يا بي مبالاتي يا عدم مهارت و عدم رعايت مقررات مربوط به امري قتل يا ضرب يا جرح واقع شود بنحوي كه اگر آن مقررات رعايت مي شد حادثه اي اتفاق نمي افتاد قتل و يا ضرب و يا جرح در حكم شبه عمد خواهد بود.

ماده ۲۹۶ - در مواردی هم كه كسي قصد تيراندازي به كسي يا شيئي يا حيواني را داشته باشد و تير او به انسان بي گناه ديگري اصابت كند عمل او خطاي محض محسوب ميشود.



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

باب دوم - مقدار ديه قتل نفس

ماده ۲۹۷- ديه قتل مرد مسلمان يکي از امور ششگانه ذيل است که قاتل در انتخاب هر يك از آنها مخير ميباشد و تلفيق آنها جايز نيست :



۱ - یکمذ شتر سالم و بدون عيب که خيلي لاغر نباشند.

۲ - دويست گاو سالم و بدون عيب که خيلي لاغر نباشند.

۳ - يکهاز گوسفند سالم و بدون عيب که خيلي لاغر نباشند.

۴ - دويست دست لباس سالم از حله هاي يمن .

۵ - يکهاز دينار مسکوک سالم و غير مغشوش که هر دينار يك مثقال شرعي طلا به وزن ۱۸ نخود است .

۶ - ده هزار درهم مسکوک سالم و غير مغشوش که هر درهم به وزن ۱۲/۶ نخود نقره مي باشد.

تبصره- قيمت هر يك از امور ششگانه در صورت تراضي طرفين و يا تعذر همه آنها پرداخت مي شود.

تبصره (منسوخه ۱۰,۰۶,۱۳۸۲)- براساس نظر حکومتي وليامر، ديه اقليتهاي ديني شناخته شده در قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران به اندازه ديه مسلمان تعيين مي گردد.



ماده ۲۹۸- ديه قتل عمد در مواردی که قصاص ممکن نباشد و يا ولي مقتول به ديه راضي شود يکي از امور ششگانه فوق خواهد بود لکن در کليه مواردی که شتر به عنوان ديه تعيين مي شود لازم است که سن آن از پنج سال گذشته و داخل در سال ششم شده باشد.

ماده ۲۹۹- ديه قتل در صورتيکه صدمه و فوت هر دو در يکي از چهار ماه حرام (رجب ، ذيقعدة ، ذیحجه ، محرم) و يا در حرم مکه معظمه واقع شود علاوه بر يکي از موارد ششگانه مذکور در ماده ۲۹۷ به عنوان تشديد مجازات بايد يك سوم هر نوعي که انتخاب کرده است اضافه شود و سايرامکنه و ازمنه هر چند متبرک باشند داراي اين حکم نيستند.

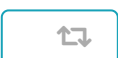
تبصره (منسوخه ۱,۰۳,۱۳۷۲)- حکم فوق در مواردیکه مقتول از اقارب قاتل باشد جاري نمي گردد.

ماده ۳۰۰ - ديه قتل زن مسلمان خواه عمدي خواه غير عمدي نصف ديه مرد مسلمان است .

ماده ۳۰۱ - ديه زن و مرد یکسان است تا وقتیکه مقدار ديه به ثلث ديه کامل برسد در آنصورت ديه زن نصف ديه مرد است .

باب سوم - مهلت پرداخت ديه

ماده ۳۰۲ - مهلت پرداخت ديه در موارد مختلف از زمان وقوع قتل به ترتيب زير است :



الف- ديه قتل عمد بايد در ظرف يك سال پرداخت شود.

ب- ديه قتل شبیه عمد در ظرف دو سال پرداخت مي شود.



ج- ديه قتل خطاي محض در ظرف سه سال پرداخت مي شود.

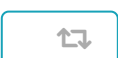
تبصره ۱- تأخير از اين مهلت ها بدون تراضي طرفين جايز نيست .

تبصره ۲- ديه قتل جنين و نيز ديه نقص عضو يا جرح به ترتيب فوق پرداخت ميشود.

ماده ۳۰۳ - اگر قاتل در شبهه عمد در مدت معين قادر به پرداخت نباشد به او مهلت مناسب داده مي شود.

باب چهارم - مسوول پرداخت ديه

ماده ۳۰۴ - در قتل عمد و شبهه عمد مسوول پرداخت ديه خود قاتل است .



ماده ۳۰۵ - در قتل خطاي محض در صورتيکه قتل با بينه يا قسامه يا علم قاضي ثابت شود پرداخت ديه به عهده عاقله است و اگر با اقرار قاتل يا نکول او از سوگند يا قسامه ثابت شد به عهده خود اوست .



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۳۰۶ - در خطاي محض ديه قتل و همچنين ديه جراحت (موضعه) و ديه جنايتهاي زيادتر از آن حد بعهده عاقله مي باشد و ديه جراحتهاي كمتر از آن بعهده خود جاني است .

تبصره - جنايت عمد و شبه عمد نابالغ و ديوانه به منزله خطاء محض و بر عهده عاقله مي باشد.

ماده ۳۰۷ - عاقله عبارت است از بستگان ذكور نسبي پدر و مادري يا پدري به ترتيب طبقات ارث بطوريكه همه كسانيكه حين الفوت مي توانند ارث ببرند بصورت مساوي عهده دار پرداخت ديه خواهند بود.

تبصره - كسي كه با عقد ضمان جريره ، ديه جنايت ديگري را به عهده گرفته است نيز عاقله محسوب ميشود.

ماده ۳۰۸ - نابالغ و ديوانه و معسر جزء عاقله محسوب نمي شود و عهده دار ديه قتل خطائي نخواهد بود.

ماده ۳۰۹ - هرگاه قتل خطائي با گواهي شهود عادل ثابت شود عاقله عهده دار ديه خواهد بود ولي اگر با اقرار جاني ثابت شود خود جاني ضامن است .

ماده ۳۱۰ - هرگاه اصل قتل با شهادت شهود عادل ثابت شود و قاتل مدعي گردد كه خطاء انجام شده و عاقله منكر خطائي بودن آن باشد در صورتيكه عاقله سوگند ياد كند قول عاقله مقدم بر قول جاني مي باشد.

ماده ۳۱۱ - عاقله فقط عهده دار پرداخت خسارتهاي حاصل از جنايتهاي خطايي محض از قتل تا موضعه است و در موارد ذيل عاقله ضامن نمي باشد:

الف - جنايتهاي خطايي كه شخص بر خودش وارد آورد.

ب - اتلاف مالي كه به طور خطاي محض حاصل شود.

ماده ۳۱۲ - هرگاه جاني داراي عاقله نباشد يا عاقله او نتواند ديه را در مدت سه سال بپردازد ديه از بيت المال پرداخت مي شود.

ماده ۳۱۳ - ديه عمد و شبه عمد بر جاني است لكن اگر فرار كند از مال او گرفته مي شود و اگر مال نداشته باشد از بستگان نزديك او با رعايت الاقرب فالاقرب گرفته مي شود و اگر بستگاني نداشت يا تمكّن نداشتند ديه از بيت المال داده مي شود.

ماده ۳۱۴ - در موارد قتل خطائي محض دادگاه مكلف است در حين رسيدگي عاقله را دعوت كند تا از خود دفاع نمايد ولي عدم دسترسي به عاقله يا عدم حضور آن پس از احضار موجب توقف رسيدگي نخواهد شد.

ماده ۳۱۵ - اگر دو نفر متهم به قتل باشند و هر کدام ادعا كند كه ديگري كشته است و علم اجمالي بر وقوع قتل توسط يكي از آن دو نفر باشد و حجت شرعي بر قاتل بودن يكي اقامه نشود و نوبت به ديه برسد با قيد قرعه ديه از يكي از آن دو نفر گرفته مي شود.

باب پنجم - موجبات ضمان

ماده ۳۱۶ - جنايت اعم از آنكه به مباشرت انجام شود يا به تسبیب يا به اجتماع مباشر و سبب موجب ضمان خواهد بود.

ماده ۳۱۷ - مباشرت آن است كه جنايت مستقيماً توسط خود جاني واقع شده باشد.

ماده ۳۱۸ - تسبیب در جنايت آنست كه انسان سبب تلف شدن يا جنايت عليه ديگري را فراهم كند و خود مستقيماً مرتكب جنايت نشود بطوري كه اگر نبود جنايت حاصل نمي شد مانند آنكه چاهي بكند و كسي در آن بيفتد و آسيب ببيند.

ماده ۳۱۹ - هرگاه طببيي گرچه حاذق و متخصص باشد در معالجه هائي كه شخصاً انجام مي دهد يا دستور آن را صادر مي كند هر چند با اذن مريض يا ولي او باشد باعث تلف جان يا نقص عضو يا خسارت مالي شود ضامن است .

ماده ۳۲۰ - هرگاه ختنه كننده در اثر بریدن بيش از مقدار لازم موجب جنايت يا خسارت شود ضامن است گرچه ماهر بوده باشد.

ماده ۳۲۱ - هرگاه بيطار و دامپزشك گرچه متخصص باشد در معالجه حيواني هر چند با اذن صاحب او باشد موجب خسارت شود ضامن است .

ماده ۳۲۲ - هرگاه طبيب يا بيطار و مانند آن قبل از شروع به درمان از مريض يا ولي او يا از صاحب حيوان برائت حاصل نمايد، عهده دار خسارت پديد آمده نخواهد بود.

ماده ۳۲۳ - هرگاه كسي در حال خواب بر اثر حركت و غلطيدين موجب تلف يا نقص عضو ديگري شود جنايت او بمنزله خطاء محض بوده و عاقله او عهده دار خواهد بود.

ماده ۳۲۴ - هرگاه كسي چيزي را همراه خود يا با وسيله نقليه و مانند آن حمل كند و بشخص ديگري بر خورد نموده موجب جنايت گردد در صورت عمد يا شبه عمد ضامن مي باشد و در صورت خطاء محض ، عاقله او عهده دار مي باشد.

ماده ۳۲۵ - هرگاه كسي به روي شخصي سلاح بكشد يا سگي را به سوي او برانگيزد يا هر كار ديگري كه موجب هراس او گردد انجام دهد مانند فرياد كشيدن يا انفجار صوتي كه باعث وحشت مي شود و براثر اين ارباب آن شخص بميرد اگر اين عمل نوعاً كشنده باشد يا به قصد قتل انجام شود گرچه نوعاً كشنده نباشد، قتل عمد محسوب شده و موجب قصاص است و اگر اين عمل نه نوعاً كشنده و نه با قصد قتل انجام بگيرد قتل شبه عمد محسوب شده و ديه آن بر عهده قاتل است .



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۳۲۶- هرگاه کسی دیگری را بترساند و موجب فرار او گردد و آن شخص در حال فرار خود را از جای بلندی پرت کند یا به درون چاهی بیفتد و بمیرد در صورتیکه آن ترساندن موجب زوال اراده و اختیار و مانع تصمیم او گردد ترساننده ضامن است .

ماده ۳۲۷- هرگاه کسی خود را از جای بلندی پرت کند و بر روی شخصی بیفتد و سبب جنایت گردد در صورتی که قصد انجام جنایت را داشته باشد قتل عمد بوده و قصاص دارد و در صورتی که قصد قتل نداشته ولی قصد پرت شدن را داشته باشد و معمولاً با آن قتل انجام نمی شود قتل شبهه عمد بوده دیه در مال او خواهد بود و همچنین است اگر با وجود قصد پرت شدن بی اختیار پرت شود ولی اگر در اثر لغزش یا علل قهری دیگر و بی اختیار به جایی پرت شود و موجب جنایت گردد خودش ضامن است نه عاقله اش .

ماده ۳۲۸- هرگاه کسی به دیگری صدمه وارد کند و یا کسی را پرت کند و او بمیرد یا مجروح گردد در صورتی که نه قصد جنایت داشته باشد و نه کاری را که قصد نموده است نوعاً سبب جنایت باشد شبهه عمد محسوب و عهده دار دیه آن خواهد بود.

ماده ۳۲۹- هرگاه کسی دیگری را بر روی شخص ثالث پرت کند و آن شخص ثالث بمیرد یا مجروح گردد در صورتی که نه قصد جنایت داشته باشد و نه کاری را که قصد کرده است نوعاً سبب جنایت باشد شبهه عمد محسوب و عهده دار دیه می باشد.

ماده ۳۳۰- هرگاه کسی در ملک خود یا در مکان و راهی که توقف در آن مجاز است توقف کرده یا وسیله نقلیه خود را متوقف کرده باشد و دیگری به او برخورد نماید و مصدوم گردد آن شخص متوقف عهده دار هیچگونه خسارتی نخواهد بود.

ماده ۳۳۱- هرکس در محل هایی که توقف در آنجا جائز نیست متوقف شده یا شیئی و یا وسیله ای را در این قبیل محلها مستقر سازد و کسی اشتهاً و بدون قصد با شخص یا شیئی و یا وسیله مزبور برخورد کند و بمیرد شخص متوقف یا کسی که شیئی یا وسیله مزبور را در محل مستقر ساخته عهده دار پرداخت دیه خواهد بود و نیز اگر توقف شخص مزبور با استقرار شیئی و وسیله مورد نظر موجب لغزش راهگذر و آسیب کسی شود، مسوول پرداخت دیه صدمه یا آسیب وارده است مگر آنکه عابر با وسعت راه و محل عمداً قصد برخورد داشته باشد که در این صورت نه فقط خسارتی به او تعلق نمی گیرد بلکه عهده دار خسارت وارده نیز میباشد.

ماده ۳۳۲- هرگاه ثابت شود که مأمور نظامی یا انتظامی در اجرای دستور آمر قانونی تیراندازی کرده و هیچگونه تخلف از مقررات نکرده است ضامن دیه مقتول نخواهد بود و جزء مواردی که مقتول و یا مصدوم مهدورالدم نبوده دیه به عهده بیت المال خواهد بود.

ماده ۳۳۳- در مواردی که عبور عابر پیاده ممنوع است اگر عبور نماید و راننده ای که با سرعت مجاز و مطمئن در حال حرکت بوده و وسیله نقلیه نیز نقص فنی نداشته است و در عین حال قادر به کنترل نباشد و با عابر برخورد نموده منجر به فوت یا مصدوم شدن وی گردد راننده ضامن دیه و خسارت وارده نیست .

باب ششم - اشتراك در جنایت

ماده ۳۳۴- هرگاه دو نفر با یکدیگر برخورد کنند و در اثر برخورد کشته شوند هر دو سوار باشند یا پیاده یا یکی سواره و دیگری پیاده باشد در صورت شبهه عمد نصف دیه هر کدام از مال دیگری پرداخت می شود و در صورت خطاء محض نصف دیه هر کدام بر عاقله دیگری است .

ماده ۳۳۵- هرگاه دو نفر با یکدیگر برخورد کنند و در اثر برخورد یکی از آنها کشته شود در صورت شبهه عمد نصف دیه مقتول بر دیگری است و در صورت خطاء محض نصف دیه مقتول بر عاقله دیگری است .

تبصره- هرگاه کسی اتفاقاً و بدون قصد به شخصی برخورد کند و موجب آسیب او شود خطاء محض میباشد.

ماده ۳۳۶- هرگاه در اثر برخورد دو سوار، وسیله نقلیه آنها مانند اتومبیل خسارت ببیند در صورتی که تصادم و برخورد به هر دو نسبت داده شود و هر دو مقصر باشند یا هیچکدام مقصر نباشند هر کدام نصف خسارت وسیله نقلیه دیگری را ضامن خواهد بود خواه آن دو وسیله از یک نوع باشند یا نباشند و خواه میزان تقصیر آنها مساوی یا متفاوت باشد و اگر یکی از آنها مقصر باشد فقط مقصر ضامن است .

تبصره- تقصیر اعم است از بی احتیاطی، بی مبالائی، عدم مهارت، عدم رعایت نظامات دولتی .

ماده ۳۳۷- هرگاه دو وسیله نقلیه در اثر برخورد با هم باعث کشته شدن سرنشینان گردند در صورت شبهه عمد راننده هر یک از دو وسیله نقلیه ضامن نصف دیه تمام سرنشینان خواهد بود و در صورت خطاء محض عاقله هر کدام عهده دار نصف دیه تمام سرنشینان میباشد و اگر برخورد یکی از آن دو شبهه عمد و دیگری خطاء محض باشد ضمان بر حسب مورد پرداخت خواهد شد.



تبصره- در صورتیکه برخورد دو وسیله نقلیه خارج از اختیار راننده ها باشد مانند آنکه ریزش کوه یا طوفان و دیگر عوامل قهری تصادم حاصل شود هیچگونه ضمانی در بین نیست .

ماده ۳۳۸- هرگاه شخصی را که شبانه از منزلش خوانده و بیرون برده اند مفقود شود دعوت کننده ضامن دیه اوست مگر اینکه ثابت کند که دیگری او را کشته است، و نیز اگر ثابت شود که به مرگ عادی یا علل قهری در گذشته چیزی بر عهده دعوت کننده نیست .

ماده ۳۳۹- هرگاه کسی در معبر عام یا هر جای دیگری که تصرف در آن مجاز نباشد چاهی بکند یا سنگ یا چیز لغزنده ای بر سر راه عابران قرار دهد یا هر عملی که موجب آسیب یا خسارت عابران گردد انجام دهد عهده دار دیه یا خسارت خواهد بود ولی اگر این اعمال در ملک خود یا در جایی که تصرفش در آن مجاز است واقع شود عهده دار دیه یا خسارت نخواهد بود.



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

باب هفتم - تسبیب در جنایت

ماده ۳۴۰- هرگاه در ملك دیگری با اذن او يکي از کارهاي مذکور در ماده (۳۳۹) را انجام دهد و موجب آسیب یا خسارت شخص ثالث شود عهده دار ديه یا خسارت نمی باشد.

ماده ۳۴۱- هرگاه در معبر عام عملي به مصلحت عابران انجام شود که موجب وقوع جنایت یا خسارتي گردد مرتکب ضامن ديه و خسارت نخواهد بود.

ماده ۳۴۲- هرگاه کسی يکي از کارهاي مذکور ماده ۳۳۹ را در منزل خود انجام دهد و شخصي را که در اثر نابینائی یا تاریکی آگاه به آن نیست به منزل خود بخواند عهده دار ديه و خسارت خواهد بود و اگر آن شخص بدون اذن صاحب منزل یا با اذني که قبل از انجام اعمال مذکور از صاحب منزل گرفته است وارد شود و صاحب منزل مطلع نباشد عهده دار هیچگونه ديه یا خسارت نمی باشد.

ماده ۳۴۳- هرگاه در اثر يکي از عوامل طبیعی مانند سيل و غيره يکي از چیزهاي فوق حادث شود و موجب آسیب و خسارت گردد هیچکس ضامن نیست گرچه تمکن برطرف کردن آنها را داشته باشد و اگر سيل یا مانند آن چیزی را به همراه آورد و کسی آن را به جائي مانند محل اول یا بدتر از آن قرار دهد عهده دار ديه و خسارتهای وارده خواهد بود و اگر آن را از وسط جاده بردارد و به گوشه اي برای مصلحت عابرین قرار دهد عهده دار چیزی نمی باشد.

ماده ۳۴۴- هرگاه کسی در ملك دیگری عدواناً يکي از کارهاي مذکور در ماده ۳۳۹ را انجام دهد و شخص ثالثي که عدواناً وارد آن ملك شده آسیب ببیند عامل عدواني عهده دار ديه و خسارت می باشد.

ماده ۳۴۵- هرگاه کسی کالايي را که به منظور خرید و فروش عرضه می شود یا وسیله نقلیه اي را در معبر عام قرار دهد و موجب خسارت گردد عهده دار آن خواهد بود مگر آنکه مصلحت عابران ایجاب کرده باشد که آنها را موقتاً در معبر قرار دهد.

ماده ۳۴۶- هرگاه کسی چیز لغزنده اي را در معبر بریزد که موجب لغزش رهگذر گردد عهده دار ديه و خسارت خواهد بود مگر آنکه رهگذر بالغ عاقل یا ممیز عمداً با اینکه می تواند روی آن پا نگذارد به روی آنها پا بگذارد.

ماده ۳۴۷- هرگاه کسی چیزی را بر روی دیوار خود قرار دهد و در اثر حوادث پیش بینی نشده به معبر عام بیفتد و موجب خسارت شود عهده دار نخواهد بود مگر آنکه آن را طوري گذاشته باشد که عادتاً ساقط می شود.

ماده ۳۴۸- هرگاه ناودان یا بالکن منزل وامثال آن که قرار دادن آن در شارع عام مجاز نبوده و در اثر سقوط موجب آسیب یا خسارت شود مالک آن منزل عهده دار خواهد بود و اگر نصب و قرار دادن آن مجاز بوده و اتفاقاً سقوط کند و موجب آسیب یا خسارت گردد مالک منزل عهده دار آن نخواهد بود.

ماده ۳۴۹- هرگاه کسی در ملك خود یا ملك مباح دیگری دیواري را با پایه محکم بنا کرده لکن در اثر حادثه پیش بینی نشده مانند زلزله سقوط کند و موجب خسارت گردد صاحب آن عهده دار خسارت نمی باشد و همچنین اگر دیوار را به سمت ملك خود بنا نموده که اگر سقوط کند طبعاً در ملك او سقوط خواهد کرد لکن اتفاقاً به سمت دیگری سقوط کند و موجب آسیب یا خسارت شود صاحب آن عهده دار چیزی نخواهد بود.

ماده ۳۵۰- هرگاه دیواري را در ملك خود بطور معتدل و بدون میل به يك طرف بنا نماید لکن تدریجاً مایل به سقوط بسمت ملك دیگری شود اگر قبل از آنکه صاحب دیوار تمکن اصلاح آن را پیدا کند ساقط شود و موجب آسیب و خسارت گردد چیزی بر عهده صاحب دیوار نیست و اگر بعد از تمکن از اصلاح با سهل انگاري سقوط کند و موجب خسارت شود مالک آن ضامن می باشد.

ماده ۳۵۱- هرگاه کسی دیوار دیگری را منحرف و مائل به سقوط نماید آنگاه دیوار ساقط شود و موجب آسیب یا خسارت گردد آن شخص عهده دار خسارت خواهد بود.

ماده ۳۵۲- هرگاه کسی در ملك خود به مقدار نیاز یا زائد بر آن آتش روشن کند و بداند به جائي سرایت نمی کند و عادتاً نیز سرایت نکند لکن اتفاقاً بجاي دیگری سرایت کند و موجب تلف یا خسارت شود ضامن نخواهد بود.

ماده ۳۵۳- هرگاه کسی در ملك خود آتش روشن کند که عادتاً به محل دیگر سرایت می نماید یا بداند که بجاي دیگر سرایت خواهد کرد و در اثر سرایت موجب تلف یا خسارت شود عهده دار آن خواهد بود گرچه به مقدار نیاز خودش روشن کرده باشد.

ماده ۳۵۴- هرگاه کسی در ملك خود آتشي روشن کند و آتش به جائي سرائت نماید و سرایت به او استناد داشته باشد ضامن تلف و خسارتهای وارده می باشد گرچه به مقدار نیاز خود روشن کرده باشد.

ماده ۳۵۵- هرگاه کسی در ملك دیگری بدون اذن صاحب آن یا در معبر عام بدون رعایت مصلحت رهگذر آتشي را روشن کند که موجب تلف یا خسارت گردد ضامن خواهد بود گرچه او قصد اتلاف یا اضرار را نداشته باشد.

تبصره- در کلیه مواردی که روشن کننده آتش عهده دار تلف و آسیب اشخاص می باشد باید راهي برای فرار و نجات آسیب دیدگان نباشد و گر نه روشن کننده آتش عهده دار نخواهد بود.

ماده ۳۵۶- هرگاه کسی آتشي را روشن کند و دیگری مال شخصي را در آن بیاندازد و بسوزاند عهده دار تلف یا خسارت خواهد بود و روشن کننده آتش ضامن نیست .



قانون مجازات اسلامی - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۳۵۷- صاحب هر حیوانی که خطر حمله و آسیب رساندن آن را می داند باید آن را حفظ نماید و اگر در اثر اهمال و سهل انگاری موجب تلف یا خسارت گردد صاحب حیوان عهده دار می باشد و اگر از حال حیوان که خطر حمله و زیان رساندن به دیگران در آن هست آگاه نباشد یا آنکه آگاه باشد ولی توانایی حفظ آن را نداشته باشد و در نگهداری او کوتاهی نکند عهده دار خسارتش نیست .

ماده ۳۵۸- هرگاه حیوانی به کسی حمله کند و آن شخص بعنوان دفاع از خود به مقدار لازم آن را دفع نماید و همین دفاع موجب مردن یا آسیب دیدن آن حیوان شود شخص دفاع کننده ضامن نمی باشد و همچنین اگر آن حیوان را از هجوم به نفس یا مال محترم بعنوان دفاع به مقدار لازم بازدارد و همین کار موجب تلف یا آسیب او شود عهده دار نخواهد بود.

تبصره - هرگاه در غیر مورد دفاع یا در مورد دفاع بیش از مقدار لازم به آن آسیب وارد شود شخص آسیب رساننده ضامن می باشد.

ماده ۳۵۹- هرگاه با سهل انگاری و کوتاهی مالک حیوانی به حیوان دیگر حمله کند و آسیب برساند مالک آن عهده دار خسارت خواهد بود و هر گونه خسارتی بر حیوان حمله کننده و مهاجم وارد شود کسی عهده دار آن نمی باشد.

ماده ۳۶۰- هرگاه کسی با اذن وارد خانه کسی بشود و سگ خانه به او آسیب برساند صاحب خانه ضامن می باشد خواه آن سگ قبلاً در خانه بوده یا بعداً وارد شده باشد و خواه صاحب خانه بداند که آن حیوان او را آسیب می رساند و خواه نداند.

ماده ۳۶۱- هرگاه کسی که سوار حیوان است حیوان را در جایی متوقف نماید ضامن تمام خسارتهائی است که آن حیوان وارد می کند.

ماده ۳۶۲- هرگاه کسی حیوانی را بزند و آن حیوان در اثر زدن خسارتی وارد نماید آن شخص زنده عهده دار خسارتهای وارد خواهد بود.

باب هشتم - اجتماع سبب و مباشر یا اجتماع چند سبب

ماده ۳۶۳- در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد.

ماده ۳۶۴- هرگاه دو نفر عدواناً در وقوع جنایتی بنحو سبب دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب دیگری باشد ضامن خواهد بود مانند آنکه یکی از آن دو نفر چاهی حفر نماید و دیگری سنگی را در کنار آن قرار دهد و عابر به سبب برخورد با سنگ به چاه افتد کسی که سنگ را گذارده ضامن است و چیزی بعهد حفر کننده نیست و اگر عمل یکی از آن دو عدوانی و دیگر غیر عدوانی باشد فقط شخص متعدی ضامن خواهد بود.

ماده ۳۶۵- هرگاه چند نفر باهم سبب آسیب یا خسارتی شوند بطور تساوی عهده دار خسارت خواهند بود.

ماده ۳۶۶- هرگاه بر اثر ایجاد سببی دو نفر تصادم کنند و بعلت تصادم کشته شوند یا آسیب ببینند سبب ضامن خواهد بود.

باب نهم - دیه اعضا

ماده ۳۶۷- هر جنایتی که بر عضو کسی وارد شود و شرعاً مقدار خاصی بعنوان دیه برای آن تعیین نشده باشد جانی باید ارزش بپردازد.

**فصل اول - دیه مو**

ماده ۳۶۸- هرگاه کسی موی سر یا صورت مردی را طوری از بین ببرد که دیگر نروید عهده دار دیه کامل خواهد بود و اگر دوباره بروید نسبت به موی سر ضامن ارزش است و نسبت به ریش ثلث دیه کامل را عهده دار خواهد بود.

ماده ۳۶۹- هرگاه کسی موی سر زنی را طوری از بین ببرد که دیگر نروید ضامن دیه کامل زن می باشد و اگر دوباره بروید عهده دار مهرالمثل خواهد بود و در حکم فرقی میان کوچک و بزرگ نیست .

تبصره - اگر مهرالمثل بیش از دیه کامل باشد فقط به مقدار دیه کامل پرداخت می شود.

ماده ۳۷۰- هرگاه مقداری از موهای از بین رفته دوباره بروید و مقدار دیگر نروید نسبت مقداری که نمی روید با تمام سر ملاحظه می شود و دیه به همان نسبت دریافت می گردد.

ماده ۳۷۱- تشخیص روئیدن مجدد مو و نرویدن آن با خبره است و اگر طبق نظر خبره دیه یا ارزش پرداخت شده و بعد از آن دوباره روئید باید مقدار زائد بر ارزش به جانی مسترد شود.

ماده ۳۷۲- دیه موهای مجموع دو ابرو در صورتیکه هرگز نروید پانصد دینار است و دیه هر کدام دویست و پنجاه دینار و دیه هر مقدار از یک ابرو به همان نسبت خواهد بود و اگر دوباره روئیده شود در همه موارد ارزش است و اگر مقداری از آن دوباره روئیده شود و مقدار دیگر هرگز نروید نسبت به آن مقدار که مجدداً روئیده شود ارزش است و نسبت به آن مقدار که روئید نمی شود دیه با احتساب مقدار مساحت تعیین می شود.

ماده ۳۷۳- از بین بردن موهای پلک چشم موجب ارزش است خواه دوباره بروید خواه نروید و خواه تمام آن باشد و خواه بعض آن .

ماده ۳۷۴- از بین بردن مو در صورتی موجب دیه یا ارزش می شود که به تنهایی باشد نه با از بین بردن عضو یا کندن پوست و مانند آن که در این موارد فقط دیه عضو قطع شده یا مانند آن پرداخت می گردد.



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

فصل دوم - ديه چشم

ماده ۳۷۵ - از بين بردن دو چشم سالم موجب ديه کامل است و ديه هر کدام از آنها نصف ديه کامل خواهد بود.

تبصره - تمام چشم هائیکه بينائي دارند در حکم فوق یکسانند گرچه از لحاظ ضعف و بيماري و شب کوري و لوچ بودن با یکدیگر فرق داشته باشند.

ماده ۳۷۶ - چشمي که در سياهي آن لکه سفيدي باشد اگر مانع دیدن نباشد ديه آن کامل است و اگر مانع مقداري از دیدن باشد بطوريکه تشخيص ممکن باشد بهمان نسبت از ديه کاهش مي يابد و اگر بطور کلي مانع دیدن باشد در آن ارش است نه ديه .

ماده ۳۷۷ - ديه چشم کسي که داراي يك چشم سالم و بينا باشد و چشم دیگرش نابیناي مادرزادي بوده يا در اثر بيماري يا علل غيرجنائي از دست رفته باشد ديه کامل است و اگر چشم دیگرش را در اثر قصاص يا جنائتي از دست داده باشد ديه آن نصف ديه است .

ماده ۳۷۸ - کسي که داراي يك چشم بينا و يك چشم نابینا است ديه چشم نابیناي او ثلث ديه کامل است خواه چشم او مادرزاد نابینا بوده است يا در اثر جنایت نابینا شده باشد.

ماده ۳۷۹ - ديه مجموع چهار پلك دو چشم ديه کامل خواهد بود و ديه پلكهاي بالا ثلث ديه کامل و ديه پلكهاي پائين نصف ديه کامل است .

فصل سوم - ديه بيني

ماده ۳۸۰ - از بين بردن تمام بيني دفعتهً يا نرمة آن که پائين قصب واستخوان بيني است موجب ديه کامل است واز بين بردن مقداري از نرمة بيني موجب همان نسبت ديه ميشود.

ماده ۳۸۱ - از بين بردن مقداري از استخوان بيني بعد از بریدن نرمة آن موجب ديه کامل و ارش مي باشد.

ماده ۳۸۲ - اگر با شکستن يا سوزاندن يا امثال آن بيني را فاسد کنند در صورتي که اصلاح نشود موجب ديه کامل است و اگر بدون عيب جبران شود موجب یکصد دينار ميشود.

ماده ۳۸۳ - فلج کردن بيني موجب دو ثلث ديه کامل است و از بين بردن بيني فلج موجب ثلث ديه کامل مي باشد.

ماده ۳۸۴ - از بين بردن هر يك از سوراخهاي بيني موجب ثلث ديه کامل است و سوراخ کردن بيني بطوري که هر دو سوراخ و پرده فاصل میان آن پاره شود يا آنکه آن را سوراخ نمايد در صورتي که باعث از بين رفتن آن نشود موجب ثلث ديه کامل است و اگر جبران و اصلاح شود موجب خمس ديه مي باشد.

ماده ۳۸۵ - ديه از بين بردن نوک بيني که محل چکیدن خون است نصف ديه کامل مي باشد.

فصل چهارم - ديه گوش

ماده ۳۸۶ - از بين بردن مجموع دو گوش ديه کامل دارد و از بين هر کدام نصف ديه کامل و از بين بردن مقداري از آن موجب ديه همان مقدار با رعايت نسبت به تمام گوش خواهد بود.

ماده ۳۸۷ - از بين بردن نرمة گوش ثلث ديه آن گوش را دارد و از بين بردن قسمتي از آن موجب ديه به همان نسبت خواهد بود.

ماده ۳۸۸ - پاره کردن گوش ثلث ديه را دارد.

ماده ۳۸۹ - فلج کردن گوش دو ثلث ديه و بریدن گوش فلج ثلث ديه را دارد.

تبصره - هرگاه آسیب رساندن به گوش به حس شنوائی سرایت کند و به آن آسیب رساند يا موجب سرایت به استخوان و شکستن آن شود براي هر کدام ديه جداگانه اي خواهد بود.

ماده ۳۹۰ - گوش سالم و شنوا و گوش کر در احکام مذکور در موارد فوق یکسانند.

فصل پنجم - ديه لب

ماده ۳۹۱ - از بين بردن مجموع دو لب ديه کامل دارد و از بين بردن هر کدام از لبها نصف ديه کامل و از بين بردن هر مقداري از لب موجب ديه همان مقدار با رعايت نسبت به تمام لب خواهد بود.

ماده ۳۹۲ - جنائتي که لبها را جمع کند و در اثر آن دندانش را نپوشاند موجب مقداري است که حاکم آن را تعيين مي نمايد.

ماده ۳۹۳ - جنائتي که موجب سست شدن لبها بشود بطوري که با خنده و مانند آن از دندانش کنار نرود موجب دو ثلث ديه کامل مي باشد.

ماده ۳۹۴ - از بين بردن لبهاي فلج و بي حس ثلث ديه را دارد.

ماده ۳۹۵ - شکافتن يك يا دو لب بطوري که دندانش نمايان شوند موجب ثلث ديه کامل است و در صورت اصلاح و خوب شدن خمس ديه کامل خواهد بود.

قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

فصل ششم - ديه زبان

ماده ۳۹۶- از بين بردن تمام زبان سالم يا لال کردن انسان سالم يا ضربه مغزي و مانند آن ديه کامل دارد و بریدن تمام زبان لال ثلث ديه کامل خواهد بود.

ماده ۳۹۷- از بين بردن مقداري از زبان لال موجب ديه همان مقدار با رعايت نسبت به تمام زبان خواهد بود ولي ديه قسمتي از زبان سالم به نسبت از دست دادن قدرت ادای حروف خواهد بود.

ماده ۳۹۸- تعيين مقدار ديه جنایتي که بر زبان وارد شده و موجب از بين رفتن حروف نشود لکن باعث عیب گردد با تعيين حاکم خواهد بود.

ماده ۳۹۹- هرگاه مقداري از زبان را کسی قطع کند که باعث از بين رفتن قدرت ادای مقداري از حروف باشد و دیگری مقدار دیگر را که باعث از بين رفتن مقداري از باقي حروف گردد ديه به نسبت از بين رفتن قدرت ادای حروف می باشد.

ماده ۴۰۰- بریدن زبان کودک قبل از حد سخن گفتن موجب ديه کامل است .

ماده ۴۰۱- بریدن زبان کودکی که به حد سخن گفتن رسیده ولي سخن نمی گوید ثلث ديه دارد و اگر بعداً معلوم شود که زبان او سالم و قدرت تکلم داشته ديه کامل محسوب و بقیه از جاني گرفته می شود.

ماده ۴۰۲- هرگاه جنایتي موجب لال شدن گردد و ديه کامل از جاني گرفته شود و دوباره زبان به حال اول برگردد و سالم شود ديه مسترد خواهد شد.

فصل هفتم - ديه دندان

ماده ۴۰۳- از بين بردن تمام دندانهاي بيست و هشتگانه ديه کامل دارد و به ترتيب زیر توزيع می شود:

۱- هر يك از دندانهاي جلو که عبارتند از پيش و چهارتائي و نيش که از هر کدام دو عدد در بالا دو عدد در پائين می روید و جمعاً دوازده تا خواهد بود. پنجاه دينار و ديه مجموع آنها ششصد دينار می شود.

۲- هر يك از دندانهاي عقب که در چهار سمت پاياني از بالا و پائين در هر کدام يك ضاحك و سه ضرس قرار دارد و جمعاً شانزده تا خواهد بود بيست و پنج دينار و ديه مجموع آنها چهار صد دينار می شود.

ماده ۴۰۴- دندانهاي اضافي به هر نامي که باشد و بهر طرز که روئيد شود ديه اي ندارد و اگر در کندن آنها نقصي حاصل شود تعيين مقدار ارش آن با قاضي است و اگر هيچگونه نقصي حاصل نشود ارش نخواهد داشت ولي بنظر قاضي تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می شود.

ماده ۴۰۵- هرگاه دندانها از بيست و هشت تا کمتر باشد بهمان نسبت از ديه کامل کاهش می يابد خواه خلقتاً کمتر باشد يا در اثر عارضه اي کم شده باشد.

ماده ۴۰۶- فرقي میان دندانهايي که داراي رنگهاي گوناگون می باشد نيست و اگر دنداني در اثر جنایت سياه شود و نيافتد ديه آن دو ثلث ديه همان دندان است که سالم باشد و ديه دنداني که قبلاً سياه شده ثلث همان دندان سالم است .

ماده ۴۰۷- شکاف (اشقاق) دندان که بدون کندن و از بين بردن آن باشد تعيين جریمه مالي آن با حاکم است .

ماده ۴۰۸- شکستن آن مقدار از دندان که نمایان است با بقاء ريشه ديه کامل آن دندان را دارد و اگر بعد از شکستن مقدار مزبور کسی بقيه را از ريشه بکند جریمه آن با نظر حاکم تعيين می شود خواه کسی که بقيه را از ريشه کنده همان کسی باشد که مقدار نمایان دندان را شکسته يا دیگری .

ماده ۴۰۹- کندن دندان شيري کودک که دیگر بجاي آن دندان نروید ديه کامل آنرا دارد و اگر بجاي آن دندان بروید ديه هر دندان شيري که کنده شد يك شتر می باشد.

ماده ۴۱۰- دنداني که کنده شود ديه کامل دارد گرچه همان را در محلش قرار دهند و دوباره مانند سابق شود.

ماده ۴۱۱- هرگاه دندان دیگری بجاي دندان اصلي کنده شده قرار گیرد و مانند دندان اصلي شود کندن آن دية کامل دارد.

فصل هشتم - ديه گردن

ماده ۴۱۲- شکستن گردن بطوري که گردن کج شود ديه کامل دارد.

ماده ۴۱۳- جنایتي که موجب کج شدن گردن شود و همچنين جنایتي که مانع فرو بردن غذا گردد جریمه آن با نظر حاکم تعيين می شود.

ماده ۴۱۴- هرگاه جنایتي که موجب کج شدن گردن و همچنين مانع فرو بردن غذا شده اثر آن زایل گردد ديه ندارد فقط بايد ارش پرداخت شود گرچه بعد از برطرف شدن اثر آن با دشواري بتواند گردن را مستقيم نگه بدارد يا غذا را فرو ببرد.

فصل نهم - ديه فك

ماده ۴۱۵- از بين بردن مجموع دو فك ديه کامل دارد و ديه هر کدام آنها پانصد دينار می باشد و از بين بردن مقداري از هر يك موجب ديه مساحت همان مقدار است و ديه از بين بردن يك فك با مقداري از فك دیگر نصف ديه با احتساب ديه مساحت فك دیگر خواهد بود.

قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۴۱۶ - ديه فك مستقل از ديه دندان مي باشد و اگر فك با دندان از بين برود ديه هر يك جداگانه محسوب مي گردد.

ماده ۴۱۷ - جنايتي كه موجب نقص فك شود يا باعث دشواري و نقص جويدن گردد تعيين جريمه مالي آن با نظر حاكم است .

فصل دهم - ديه دست و پا

ماده ۴۱۸ - از بين بردن مجموع دو دست تا مفصل مچ ديه كامل دارد و ديه هر کدام از دستها نصف ديه كامل است خواه مجني عليه داراي دو دست باشد يا يك دست و دست ديگر را خلقتاً يا در اثر سانحه اي از دست داده باشد.

ماده ۴۱۹ - ديه قطع انگشتان هر دست تنها يا تا مچ پانصد دينار است .

ماده ۴۲۰ - جريمه مالي بریدن کف دست که خلقتاً بدون انگشت بوده و يا در اثر سانحه اي بدون انگشت شده است با نظر حاكم تعيين مي شود.

ماده ۴۲۱ - ديه قطع دست تا آرنج پانصد دينار است خواه داراي كف باشد و خواه نباشد و همچنين ديه قطع دست تا شانه پانصد دينار است خواه آرنج داشته باشد خواه نداشته باشد.

ماده ۴۲۲ - ديه دستي كه داراي انگشت است اگر بيش از مفصل مچ قطع شود و يا بالاتر از آرنج قطع گردد پانصد دينار است به اضافه ارش كه با در نظر گرفتن مساحت تعيين مي شود.

ماده ۴۲۳ - كسي كه از مچ يا شانه اش دو دست داشته باشد ديه دست اصلي پانصد دينار است و نسبت به دست زائد قاضي به هر نحو كه مصلحت بداند نزاع را خاتمه مي دهد.
تشخيص دست اصلي و زائد بنظر خبره خواهد بود.

ماده ۴۲۴ - ديه ده انگشت دو دست و همچنين ديه ده انگشت دو پا ديه كامل خواهد بود، ديه هر انگشت عشر ديه كامل است .

ماده ۴۲۵ - ديه هر انگشت به عدد بندهاي آن انگشت تقسيم مي شود و بریدن هر بندي از انگشتهاي غير شست ثلث ديه انگشت سالم و در شست نصف ديه شست سالم است .

ماده ۴۲۶ - ديه انگشت زائد ثلث ديه انگشت اصلي است و ديه بندهاي زايد ثلث ديه بند اصلي است .

ماده ۴۲۷ - ديه فلج کردن هر انگشت دو ثلث ديه انگشت سالم است و ديه قطع انگشت فلج ثلث ديه انگشت سالم است .

ماده ۴۲۸ - احكام مذکور در مواد اين فصل در پا نيز جاري است .

فصل يازدهم - ديه ناخن

ماده ۴۲۹ - كندن ناخن بطوري كه ديگر نرويد يا فاسد و سياه نرويد ده دينار و اگر سالم و سفيد نرويد پنج دينار است .

فصل دوازدهم - ديه ستون فقرات

ماده ۴۳۰ - شكستن ستون فقرات ديه كامل دارد خواه اصلاً درمان نشود يا بعد از علاج به صورت كمان و خميدگي در آيد يا آنكه بدون عصا نتواند راه برود يا توانائي جنسي او از بين برود يا مبتلا به سلس و ريزش ادرار گردد و نيز ديه جنايتي كه باعث خميدگي پشت شود يا آنكه قدرت نشستن يا راه رفتن را سلب نمايد ديه كامل خواهد بود.

ماده ۴۳۱ - هرگاه بعد از شكستن يا جنايت وارد نمودن بر ستون فقرات معالجه مؤثر شود و اثري از جنايت نماند جاني بايد يكصد دينار بپردازد.

ماده ۴۳۲ - هرگاه شكستن ستون فقرات باعث فلج شدن هر دو پا شود براي شكستن ديه كامل و براي فلج دو پا دو ثلث ديه كامل منظور مي گردد.

فصل سيزدهم - ديه نخاع

ماده ۴۳۳ - قطع تمام نخاع ديه كامل دارد و قطع بعضي از آن به نسبت مساحت خواهد بود.

ماده ۴۳۴ - هرگاه قطع نخاع موجب عيب عضو ديگر شود اگر آن عضو داراي ديه معين باشد بر ديه كامل قطع نخاع افزوده مي گردد و اگر آن عضو داراي ديه معين نباشد ارش آن بر ديه كامل قطع نخاع افزوده خواهد شد.

فصل چهاردهم - ديه بيضه

ماده ۴۳۵ - قطع دو بيضه دفعتاً ديه كامل و قطع بيضه چپ دو ثلث ديه و قطع بيضه راست ثلث ديه دارد.

تبصره - فرقي در حكم مذکور بين جوان و پير و كودك و بزرگ و عنين و سالم و مانند آن نيست .

ماده ۴۳۶ - ديه ورم کردن دو بيضه چهارصد دينار است و اگر تورم مانع راه رفتن مفيد شود ديه آن هشتصد دينار خواهد بود.

قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

فصل پانزدهم - ديه دنده

ماده ۴۳۷ - ديه هر يك از دنده هائي كه در پهلوي چپ واقع شده و محيط به قلب مي باشد بيست و پنج دينار و ديه هر يك از ساير دنده ها ده دينار است .

فصل شانزدهم - ديه استخوان زير گردن

ماده ۴۳۸ - شكستن مجموع دو استخوان ترقوه ديه كامل دارد و ديه شكستن هر کدام از آنها كه درمان نشود يا با عيب درمان شود نصف ديه كامل است و اگر بخوبي درمان شود چهل دينار مي باشد.



فصل هفدهم - ديه نشيمنگاه

ماده ۴۳۹ - شكستن استخوان نشيمن گاه (دنبالچه) كه موجب شود مجني عليه قادر به ضبط مدفوع نباشد ديه كامل دارد و اگر قادر به ضبط مدفوع باشد و قادر به ضبط باد نباشد ارش پرداخت خواهد شد.

ماده ۴۴۰ - ضربه اي كه به حد فاصل بيضه ها و دبر واقع شود و موجب عدم ضبط ادرار يا مدفوع گردد ديه كامل دارد و همچنين اگر ضربه به محل ديگري وارد آيد كه در اثر آن ضبط ادرار و مدفوع در اختيار مجني عليه نباشد.

ماده ۴۴۱ - از بين بردن بكارت دختر با انگشت كه باعث شود او نتواند ادرار را ضبط كند علاوه بر ديه كامل زن ، مهرالمثل نيز دارد.

فصل هجدهم - ديه استخوانها

ماده ۴۴۲ - ديه شكستن استخوان هر عضوي كه براي آن عضو ديه معيني است خمس آن مي باشد و اگر معالجه شود و بدون عيب گردد ديه آن چهار پنجم ديه شكستن آن است و ديه كوبيدن آن ثلث ديه آن عضو و در صورت درمان بدون عيب چهار پنجم ديه خرد شدن استخوان مي باشد.



ماده ۴۴۳ - در جدا كردن استخوان از عضو به طوري كه آن عضو بي فايده گردد دو ثلث ديه همان عضو است و اگر بدون عيب درمان شود، ديه آن چهار پنجم ديه اصل جدا كردن مي باشد.

فصل نوزدهم - ديه عقل

ماده ۴۴۴ - هر جنايتي كه موجب زوال عقل گردد ديه كامل دارد و اگر موجب نقصان آن شود ارش دارد.

ماده ۴۴۵ - از بين بردن عقل يا كم كردن آن موجب قصاص نخواهد شد.

ماده ۴۴۶ - هرگاه در اثر جنايتي مانند ضربه مغزي يا شكستن سر يا بريدن دست ، عقل زائل شود براي هر کدام ديه جداگانه خواهد بود و تداخل نمي شود.

ماده ۴۴۷ - هرگاه در اثر جنايتي عقل زایل شود و ديه كامل از جاني دريافت شود و دوباره عقل برگردد ديه مسترد مي شود و ارش پرداخت خواهد شد.



ماده ۴۴۸ - مرجع تشخيص زوال عقل يا نقصان آن دو نفر خبره عادل مي باشد و اگر در اثر اختلاف رأي خبرگان زوال يا نقصان عقل ثابت نشود قول جاني با سوگند مقدم است .

فصل بيستم - ديه حس شنوايي

ماده ۴۴۹ - از بين بردن حس شنوائي مجموع دو گوش ديه كامل واز بين بردن حس شنوائي يك گوش نصف ديه كامل دارد گرچه شنوائي يكي از آن دو قويتر از ديگري باشد.

ماده ۴۵۰ - هرگاه كسي فاقد حس شنوائي يكي از گوشها باشد كر كردن گوش سالم او نصف ديه دارد.

ماده ۴۵۱ - هرگاه معلوم باشد كه حس شنوائي بر نمي گردد يا دو نفر عادل اهل خبره گواهي دهند كه بر نمي گردد ديه مستقر مي شود و اگر اهل خبره اميد به برگشت آن را پس از گذشت مدت معيني داشته باشد و با گذشتن آن مدت شنوايي برنگردد ديه استقرار پيدا مي كند واگر شنوايي قبل از دريافت ديه برگردد ارش ثابت مي شود واگر بعد از دريافت آن برگردد ديه مسترد نمي شود و اگر مجني عليه قبل از دريافت ديه بميرد ديه ثابت خواهد بود.

ماده ۴۵۲ - هرگاه با بريدن هر دو گوش شنوائي از بين برود دو ديه كامل لازم است و هرگاه با بريدن يك گوش حس شنوائي بطور كلي از بين برود يك ديه كامل و نصف ديه لازم مي شود اگر با جنايت ديگري حس شنوائي از بين برود هم ديه جنايت لازم است و هم ديه شنوائي .

تبصره - هرگاه دو نفر عادل اهل خبره گواهي دهند كه شنوايي از بين نرفته ولي در مجراي آن نقصي رخ داده كه مانع شنوائي است همان ديه شنوايي ثابت است .

ماده ۴۵۳ - هرگاه كودكي كه زبان باز نكرده در اثر كر شدن نتواند سخن بگويد جاني علاوه بر ديه شنوائي به پرداخت ارش محكوم مي شود.



قانون مجازات اسلامی - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۴۵۴ - هرگاه در اثر جنایتی حس شنوایی و گویایی از بین برود دو دیه کامل دارد.

ماده ۴۵۵ - اگر کسی سبب پاره شدن پرده گوش دیگری شود محکوم به پرداخت ارش است .

ماده ۴۵۶ - در صورت اختلاف جانی و مجنی علیه هرگاه با نظر خبره معتمد موضوع روشن نشود مورد از باب لوث است و مجنی علیه با قسامه دیه را دریافت خواهد کرد.

فصل بیست و یکم - دیه بینایی

ماده ۴۵۷ - از بین بردن بینایی دو چشم دیه کامل دارد و از بین بردن بینایی يك چشم نصف دیه کامل دارد.

تبصره - فرقی در حکم مذکور بین چشم تیزبین یا لوچ یا شب کور و مانند آن نمی باشد.

ماده ۴۵۸ - هرگاه با کندن حدقه چشم ، بینایی از بین برود دیه آن بیش از دیه کندن حدقه نخواهد بود و اگر در اثر جنایت دیگر مانند شکستن سر، بینایی از بین برود هم دیه جنایت یا ارش آن لازم است و هم دیه بینایی .

ماده ۴۵۹ - در صورت اختلاف بین جانی و مجنی علیه با گواهی دو مرد خبره عادل یا يك خبره مرد و دو زن خبره عادل به اینکه بینایی از بین رفته و دیگر بر نمی گردد یا اینکه بگویند امید به برگشت آن هست ولی مدت آن را تعیین نکنند دیه ثابت می شود و همچنین اگر برای برگشت آن مدت متعارفی تعیین نمایند و آن مدت سپری شود و بینایی برنگردد دیه ثابت خواهد بود.

و هرگاه مجنی علیه قبل از سپری شدن مدت تعیین شده بمیرد دیه استقرار می یابد و همچنین اگر دیگری حدقه او را بکند دیه بینایی بر جانی اول ثابت خواهد بود.

و هرگاه بینایی برگردد و شخص دیگری آن چشم را بکند، بر جانی اول فقط ارش لازم می باشد.

ماده ۴۶۰ - هرگاه مجنی علیه مدعی شود که بینایی هر دو چشم یا يك چشم او کم شده به ترتیب با آزمایش و سنجش با همسالان یا با مقایسه با چشم دیگرش به نسبت تفاوت دیه پرداخت می شود و در صورتیکه از طریق آزمایش علم حاصل نشود از طریق قسامه اقدام می شود.

ماده ۴۶۱ - هرگاه مجنی علیه ادعا کند که بینایی او زایل شده و شهادتی از متخصصان در بین نباشد حاکم او را با قسامه سوگند می دهد و بنفع او حکم صادر می کند.

تبصره - قسامه برای کوری دو چشم شش قسم و برای کوری يك چشم سه قسم و برای کم شدن بینایی به نسبت کم شدن آن می باشد اعم از اینکه مدعی به تنهایی قسم یاد کند یا با افراد دیگر.

فصل بیست و دوم - دیه حس بویایی

ماده ۴۶۲ - از بین بردن حس بویایی هر دو مجرای بینی دیه کامل دارد و در صورت از بین بردن بویایی يك مجرا نصف دیه است و قاضی در مورد اخیر قبل از صدور حکم باید به طرفین تکلیف صلح بنماید.

ماده ۴۶۳ - در صورت اختلاف بین جانی و مجنی علیه هرگاه با آزمایش یا با مراجعه به دو متخصص عادل از بین رفتن حس بویایی یا کم شدن آن ثابت نشود با قسامه (طبق تبصره ماده ۴۶۱) به نفع مدعی حکم می شود.

ماده ۴۶۴ - هرگاه حس بویایی قبل از پرداخت دیه برگردد ارش آن پرداخت خواهد شد و اگر بعد از آن برگردد باید مصالحه نمایند و اگر مجنی علیه قبل از سپری شدن مدت انتظار برگشت بویایی بمیرد دیه ثابت می شود.

ماده ۴۶۵ - هرگاه در اثر بریدن بینی حس بویایی از بین برود دو دیه لازم می شود و اگر در اثر جنایت دیگر بویایی از بین رفت دیه جنایت بر دیه بویایی افزوده می شود و اگر آن جنایت دیه معین نداشته باشد ارش آن بر دیه بویایی اضافه خواهد شد.

فصل بیست و سوم - دیه چشایی

ماده ۴۶۶ - از بین بردن حس چشایی موجب ارش است .

ماده ۴۶۷ - هرگاه با بریدن زبان حس چشایی از بین برود بیش از دیه زبان نخواهد بود و اگر با جنایت دیگری حس چشایی از بین برود دیه یا ارش آن جنایت بر ارش حس چشایی افزوده می گردد.

ماده ۴۶۸ - در صورتی که حس چشایی برگردد ارش مسترد می شود.

ماده ۴۶۹ - اگر با مراجعه به دو نفر کارشناس عادل مقدار جنایت روشن شود طبق آن عمل می شود و گرنه در صورت لوث ، با قسامه مدعی حسب مورد حکم به نفع او صادر خواهد شد.

فصل بیست و چهارم - دیه صوت و گویایی

ماده ۴۷۰ - از بین بردن صوت شخص به طور کامل که نتواند صدایش را آشکار کند دیه کامل دارد گرچه بتواند با اخفات و آهسته صدایش را برساند.

ماده ۴۷۱ - از بین بردن گویایی بطور کامل که نتواند اصلا سخن بگوید نیز دیه کامل دارد.



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۴۷۲ - در جنایتي که موجب نقصان صوت شود ارش است .

ماده ۴۷۳ - ارش جنایتي که باعث از بین رفتن صوت نسبت به بعضي از حروف شود باید با مصالحه معلوم گردد.

فصل بیست و پنجم - ديه زوال منافع

ماده ۴۷۴ - جنایتي که موجب سلس و ریزش ادرار شود به ترتیب زیر ارش دارد:

الف - در صورت دوام آن در کلیه ایام تا پایان هر روز ديه کامل دارد.

ب - در صورت دوام آن در کلیه روزها تا نيمي از هر روز دو ثلث ديه دارد.

ج - در صورت دوام آن در کلیه روزها تا هنگام برآمدن روز ثلث ديه دارد.

تبصره - هرگاه سلس و ریزش ادرار در بعضي از روزها بود و بعداً خوب شود جریمه آن با نظر حاکم تعیین مي شود.

ماده ۴۷۵ - اعمال ارتكابي زیر باعث ارش است .

الف - باعث از بین رفتن انزال شود.

ب - قدرت تولید مثل و بارداري را از بین ببرد.

ج - لذت مقاربت را از بین ببرد.

ماده ۴۷۶ - جنایتي که باعث از بین رفتن توان مقاربت بطور کامل شود ديه کامل دارد.

ماده ۴۷۷ - در هر جنایتي که موجب زوال یا نقص بعضي از منافع گردد مانند خواب - لمس یا موجب پدید آمدن بعضي از بیماریها شود و ديه آن مشخص نشده باشد ارش تعیین مي شود.



ماده ۴۷۸ - هرگاه آلت رجولیت مرد از محل ختنه گاه و یا بیشتر قطع شود ديه کامل دارد و کمتر از ختنه گاه به نسبت مساحت ختنه گاه احتساب مي گردد و به همان نسبت از ديه پرداخت خواهد شد.

ماده ۴۷۹ - هرگاه آلت زنانه کلاً قطع شود ديه کامل دارد و هرگاه يك طرف آن قطع شود نصف ديه دارد.

باب دهم - ديه جراحات

فصل اول - ديه جراحت سر و صورت

ماده ۴۸۰ - ديه جراحت سر و صورت به ترتیب زیر است :



۱- حارمه . خراش پوست بدون آنکه خون جاري شود - يك شتر.

۲- داميه . خراشي که از پوست بگذرد و مقدار اندكي وارد گوشت شود و همراه با جریان خون باشد کم یا زیاد - دو شتر.

۳- متلاحمه . جراحتي که موجب بریدگي عمیق گوشت شود لکن به پوست نازك روي استخوان نرسد - سه شتر.

۴- سمحاق . جراحتي که از گوشت بگذرد و به پوست نازك روي استخوان برسد - چهار شتر.

۵- موضحه . جراحتي که از گوشت بگذرد و پوست نازك روي استخوان را کنار زده واستخوان را آشکار کرده - پنج شتر.

۶- هاشمه . عملي که استخوان را بشکند گرچه جراحتي را تولید نکرده باشد - ده شتر.

۷- منقله . جراحتي که درمان آن جز با جابجا کردن استخوان میسر نباشد - پانزده شتر.

۸- مامومه . جراحتي که به کیسه مغز برسد ثلث ديه کامل و یا ۳۳ شتر ديه دارد.

۹- دامغه . جراحتي که کیسه مغز را پاره کند غیراز ثلث ديه کامل ارش بر او افزوده مي گردد.

تبصره - ديه جراحات گوش و بيني و لب در حکم جراحات سر و صورت مي باشد.



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۴۸۱ - هرگاه يکي از جراحتهاي مذکور در بند هاي ۱ تا ۵ در غير سر و صورت واقع شود در صورتي که آن عضو داراي ديه معين باشد بايد نسبت ديه آن را با ديه کامل سنجيد آنگاه به مقدار همان نسبت ديه جراحتهاي فوق را که در غير سر و صورت واقع مي شود تعيين گردد و در صورتي که آن عضو داراي ديه معين نباشد دادن ارش لازم است .

تبصره - جراحات وارده به گردن در حکم جراحات بدن مي باشد.

فصل دوم - ديه جراحتي که به درون بدن انسان وارد مي شود

ماده ۴۸۲ - ديه جراحتي که به درون بدن انسان وارد مي شود به ترتيب زيراست :

الف - جائفه (جراحتي که با هر وسيله و از هر جهت به شکم يا سينه يا پشت و يا پهلوي انسان وارد شود ثلث ديه کامل است .

ب - هرگاه وسيله اي از يك طرف بدن فرو رفته و از طرف ديگري بيرون آمده باشد دو ثلث ديه کامل دارد.

تبصره - وسيله وارد کننده جراحت اعم از سلاح سرد و گرم است .

فصل سوم - ديه جراحتي که در اعضاي انسان فرو مي رود.

ماده ۴۸۳ - هرگاه نيزه يا گلوله يا مانند آن در دست يا پا فرو رود در صورتيکه مجني عليه مرد باشد ديه آن يکصد دينار و در صورتي که زن باشد دادن ارش لازم است .

باب يازدهم - ديه جنايتي که باعث تغيير رنگ پوست يا تورم مي شود

ماده ۴۸۴ - ديه ضربتي که در اثر آن رنگ پوست متغير گردد به قرار زيراست :



الف - سياه شدن صورت بدون جراحت و شکستگي شش دينار .

ب - کبود شدن صورت سه دينار .

ج - سرخ شدن صورت يك دينار و نيم .

د - در ساير اعضاء بدن در صورت سياه شدن سه دينار و در صورت کبود شدن يك دينار و نيم و در صورت سرخ شدن سه ربع ديناراست .

تبصره ۱ - فرقي در حکم مذکور بين زن و مرد و کوچک و بزرگ نيست و همچنين فرقي ميان تغيير رنگ تمام صورت يا قسمتي از آن و نيز فرقي بين آنکه اثر جنايت مدتي بماند يا زائل گردد نمي باشد.

تبصره ۲ - جنايتي که باعث تغيير رنگ پوست سر شود دادن ارش لازم است .

ماده ۴۸۵ - جنايتي که موجب تورم شود دادن ارش لازم است و اگر موجب تورم و تغيير رنگ شود ارش آن بر ديه که قبلأ بيان شد افزوده مي شود.



ماده ۴۸۶ - ديه فلج کردن هر عضوي که ديه معين دارد دو ثلث ديه همان عضو است و ديه قطع کردن عضو فلج ثلث ديه همان عضو است .

باب دوازدهم - ديه سقط جنين

ماده ۴۸۷ - ديه سقط جنين به ترتيب زيراست :

۱ - ديه نطفه که در رحم مستقر شده بيست دينار .

۲ - ديه علقه که خون بسته است چهل دينار .

۳ - ديه مضغه که به صورت گوشت درآمده است شصت دينار .

۴ - ديه جنين در مرحله اي که بصورت استخوان درآمده و هنوز گوشت نروئیده است هشتاد دينار .

۵ - ديه جنين که گوشت واستخوان بندي آن تمام شده و هنوز روح در آن پيدا نشده يکصد دينار .

تبصره - در مراحل فوق هيچ فرقي بين دختر و پسر نمي باشد.

۶ - ديه جنين که روح در آن پيدا شده است اگر پسر باشد ديه کامل و اگر دختر باشد نصف ديه کامل و اگر مشتبّه باشد سه ربع ديه کامل خواهد بود.

ماده ۴۸۸ - هرگاه در اثر کشتن مادر، جنين بميرد و يا سقط شود ديه جنين در هر مرحله اي که باشد بايد بر ديه مادر افزوده شود.



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۴۸۹ - هرگاه زني جنين خود را سقط کند ديه آن را در هر مرحله اي که باشد بايد بپردازد و خود از آن ديه سهمي نمي برد.

ماده ۴۹۰ - هرگاه چند جنين در يك رحم باشند بعدد هر يك از آنها ديه جداگانه خواهد بود.

ماده ۴۹۱ - ديه اعضاء جنين و جراحت آن به نسبت ديه همان جنين است .

ماده ۴۹۲ - ديه سقط جنين در موارد عمد شبه عمد بر عهده جاني است و در موارد خطاي محض بر عاقله اوست خواه روح پيدا کرده باشد و خواه نکرده باشد.

ماده ۴۹۳ - اگر در اثر جنایت چیزی از زن ساقط شود که منشاء انسان بودن آن طبق نظر پزشك متخصص ثابت نباشد ديه و ارش ندارد لکن اگر در اثر آن صدمه اي بر مادر وارد شده باشد بر حسب مورد جاني محکوم به پرداخت ديه یا ارش خواهد بود.

باب سیزدهم - ديه جنایتي که بر مرده واقع مي شود

ماده ۴۹۴ - ديه جنایتي که بر مرده مسلمان واقع مي شود به ترتیب زیر است :

الف - بریدن سر یکصد دینار.

ب - بریدن هر دو دست یا هر دو پا یکصد دینار و بریدن يك دست یا يك پا پنجاه دینار و بریدن يك انگشت از دست یا يك انگشت از پا ده دینار و قطع یا نقص سایر اعضاء و جوارح به همین نسبت ملحوظ مي گردد.

تبصره - ديه مذکور در این ماده به عنوان میراث به ورثه نمي رسد بلکه مال خود ميت محسوب شده و بدهي اواز آن پرداخت مي گردد و در راهبای خیر صرف مي شود.

ماده ۴۹۵ - در کلیه مواردی که بموجب مقررات این قانون ارش منظور گردیده با در نظر گرفتن ديه کامله انسان و نوع و کیفیت جنایت میزان خسارت وارده طبق نظر کارشناس تعیین مي شود.



ماده ۴۹۶ - در این قانون مواردی از دیات که ديه بر حسب دینار یا شتر تعیین شده است شتر و دینار موضوعیت ندارد و منظور نسبت مشخص از ديه کامله است و جاني در انتخاب نوع آن مخیر مي باشد.

ماده ۴۹۷ - کلیه قوانینی که با این قانون مغایر باشند ملغي است .

کتاب پنجم قانون مجازات اسلامي

(تعزیرات و مجازات های بازدارنده)

فصل اول - در جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور

ماده ۴۹۸ - هر کس با هر مرامي، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن بر هم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود به حبس از دو تا ده سال محکوم مي شود.

ماده ۴۹۹ - هر کس در یکی از دسته ها یا جمعیت ها یا شعب جمعیتهاي مذکور در ماده (۴۹۸) عضویت یابد به سه ماه تا پنج سال حبس محکوم مي گردد مگر اینکه ثابت شود از اهداف آن بي اطلاع بوده است.

«ماده ۴۹۹ مکرر (الحاقی ۱۰، ۲۴، ۱۳۹۹) - هر کس با قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه و یا با علم به وقوع آن به قومیت های ایرانی یا ادیان الهی یا مذاهب اسلامي مصرح در قانون اساسي توهین نماید، چنانچه مشمول حد نباشد و منجر به خشونت یا تنش شده باشد به حبس و جزای نقدی درجه یا یکی از آن دو محکوم و در غیر این صورت به حبس و جزای نقدی درجه شش یا یکی از آن دو محکوم مي شود.»

ماده ۵۰۰ - هر کس علیه نظام جمهوری اسلامي ایران یا به نفع گروهها و سازمانهای مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس از سه ماه تا یکسال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۰۰ مکرر (الحاقی ۱۰، ۲۴، ۱۳۹۹) - هر کس در قالب فرقه، گروه، جمعیت یا مانند آن و استفاده از شیوه های کنترل ذهن و القائات روانی در فضای واقعی یا مجازی مرتکب اقدامات زیر گردد، چنانچه رفتار وي مشمول حد نباشد، به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از این دو مجازات و محرومیت از حقوق اجتماعی درجه پنج محکوم مي گردد. مجازات سردستگی فرقه یا گروه مزبور مطابق ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامي مصوب ۱/ ۲/ ۱۳۹۲ تعیین مي شود:

۱ (الحاقی ۱۰، ۲۴، ۱۳۹۹) - هر اقدامی که موجب تسلط روانی یا جسمی بر دیگری شود به نحوی که فرد مورد بهره کشی و سوء استفاده جنسی، جسمی یا مالی واقع شود و یا در اثر آسیب رسانی به قدرت تصمیم گیری فرد و تشویق وي به ارتکاب جرایمی از قبیل اعمال منافی عفت، مصرف مشروبات الکلی، مواد مخدر و یا مواد روان گردان، خود آزاری یا دیگرزنی، فرد مرتکب این اقدامات گردد.

۲ (الحاقی ۱۰، ۲۴، ۱۳۹۹) - هر گونه فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مغایر و یا مخل به شرع مقدس اسلام از طرقی مانند طرح ادعاهای واهی و کذب در حوزه های دینی و مذهبی از قبیل ادعای الوهیت، نبوت یا امامت و یا ارتباط با پیامبران یا ائمه اطهار (علیهم السلام)



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۵۰۱ - هر کس نقشه ها يا اسرار يا اسناد و تصميمات راجع به سياست داخلي يا خارجي کشور را عالماً و عامداً در اختيار افرادي که صلاحيت دسترسي به آنها را ندارند قرار دهد يا از مفاد آن مطلع کند به نحوي که متضمن نوعي جاسوسي باشد، نظر به کيفيات و مراتب جرم به يك تا ده سال حبس محکوم مي شود.

ماده ۵۰۲ - هر کس به نفع يك دولت بيگانه و به ضرر دولت بيگانه ديگر در قلمرو ايران مرتکب يکي از جرايم جاسوسي شود بنحوي که به امنيت ملي صدمه وارد نمايد به يك تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد.

ماده ۵۰۳ - هر کس به قصد سرقت يا نقشه برداري يا کسب اطلاع از اسرار سياسي يا نظامي يا امنيتي به مواضع مربوطه داخل شود و همچنين اشخاصي که بدون اجازه مأمورين يا مقامات ذيصلاح در حال نقشه برداري يا گرفتن فيلم يا عکسبرداري از استحکامات نظامي يا اماکن ممنوعه دستگير شوند به شش ماه تا سه سال حبس محکوم مي شوند.

ماده ۵۰۴ - هر کس نيروهاي رزمنده يا اشخاصي را که به نحوي در خدمت نيروهاي مسلح هستند تحريک موثر به عصيان، فرار، تسليم يا عدم اجراي وظيف نظامي کند در صورتي که قصد براندازي حکومت يا شکست نيروهاي خودي در مقابل دشمن را داشته باشد محارب محسوب مي شود والا چنانچه اقدامات وي موثر واقع شود به حبس از دو تا ده سال و در غير اين صورت به شش ماه تا سه سال حبس محکوم مي شود.

ماده ۵۰۵ - هر کس با هدف بر هم زدن امنيت کشور به هر وسيله اطلاعات طبقه بندي شده را با پوشش مسوولين نظام يا مأمورين دولت يا به نحو ديگر جمع آوري کند چنانچه بخواهد آن را در اختيار ديگران قرار دهد و موفق به انجام آن شود به حبس از دو تا ده سال و در غير اين صورت به حبس از يك تا پنج سال محکوم مي شود.

ماده ۵۰۶ - چنانچه مأمورين دولتي که مسوول امور حفاظتي و اطلاعاتي طبقه بندي شده مي باشند و به آنها آموزش لازم داده شده است در اثر بي مبالتي و عدم رعايت اصول حفاظتي توسط دشمنان تخليه اطلاعاتي شوند به يك تا شش ماه حبس محکوم مي شوند.

ماده ۵۰۷ - هر کس داخل دستجات مفسدين يا اشخاصي که عليه امنيت داخلي يا خارجي کشور اقدام مي کنند بوده و رياست يا مرکزي تي نداشته باشد و قبل از تعقيب، قصد جنايت و اسامي اشخاصي را که در فتنه و فساد دخیل هستند به مأمورين دولتي اطلاع دهد و يا پس از شروع به تعقيب با مأمورين دولتي همکاري موثري بعمل آورد از مجازات معاف و در صورتیکه شخصاً مرتکب جرم ديگري شده باشد فقط به مجازات آن جرم محکوم خواهد شد.

ماده ۵۰۸ - هر کس يا گروهی با دول خارجي متخاصم بهر نحو عليه جمهوري اسلامي ايران همکاري نمايد، در صورتیکه محارب شناخته نشود به يك تا ده سال حبس محکوم مي گردد.

ماده ۵۰۹ - هر کس در زمان جنگ مرتکب يکي از جرائم عليه امنيت داخلي و خارجي موضوع اين فصل شود به مجازات اشد همان جرم محکوم مي گردد.

ماده ۵۱۰ - هر کس به قصد بر هم زدن امنيت ملي يا کمک به دشمن، جاسوساني را که مأمور تفتيش يا وارد کردن هر گونه لطمه به کشور بوده اند شناخته و مخفي نمايد يا سبب اخفاي آنها بشود به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم مي شود.

تبصره - هر کس بدون آنکه جاسوسي کند و يا جاسوسان را مخفي نمايد، افرادي را به هر نحو شناسائي و جذب نموده و جهت جاسوسي عليه امنيت کشور به دولت خصم يا کشورهاي بيگانه معرفي نمايد به شش ماه تا دو سال حبس محکوم ميشود.

ماده ۵۱۱ - هر کس به قصد بر هم زدن امنيت کشور و تشويق اذهان عمومي تهديد به بمب گذاري هواپيما، کشتي و وسائل نقليه عمومي نمايد يا ادعا نمايد که وسايل مزبور بمب گذاري شده است علاوه بر جبران خسارت وارده به دولت و اشخاص به شش ماه تا دو سال حبس محکوم مي گردد.

ماده ۵۱۲ - هر کس مردم را به قصد بر هم زدن امنيت کشور به جنگ و کشتار با يکديگر اغوا يا تحريک کند صرفنظر از اينکه موجب قتل و غارت بشود يا نشود به يك تا پنج سال حبس محکوم مي گردد.

تبصره - در مواردی که احراز شود متهم قبل از دستيابي نظام توبه کرده باشد مشمول مواد (۵۰۸) و (۵۰۹) و (۵۱۲) نمي شود.

فصل دوم - اهانت به مقدسات مذهبي و سوء قصد به مقامات داخلي

ماده ۵۱۳ - هر کس به مقدسات اسلام و يا هر يك از انبياء عظام يا ائمه طاهرين (ع) يا حضرت صديقه طاهره (س) اهانت نمايد اگر مشمول حکم ساب النبي باشد اعدام مي شود و در غير اين صورت به حبس از يك تا پنج سال محکوم خواهد شد.



ماده ۵۱۴ - هر کس به حضرت امام خميني، بنيانگذار جمهوري اسلامي رضوانا... عليه و مقام معظم رهبري به نحوي از انحاء اهانت نمايد به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.



ماده ۵۱۵ - هر کس به جان رهبر و هر يك از روساي قواي سه گانه و مراجع بزرگ تقليد، سوء قصد نمايد چنانچه محارب شناخته نشود به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهد شد.

فصل سوم - در سوء قصد به مقامات سياسي خارجي



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۵۱۶ - هر کس به جان رئیس کشور خارجی یا نماینده سياسي آن در قلمرو ایران سوء قصد نماید به مجازات مذکور در ماده (۵۱۵) محکوم می‌شود مشروط بر اینکه در آن کشور نیز نسبت به ایران معامله متقابل بشود والا اگر مجازات خفیف تر اعمال گردد به همان مجازات محکوم می‌شود.

تبصره - چنانچه سوء قصد منتهی به قتل یا جرح یا ضرب شود علاوه بر مجازات مزبور به قصاص یا دیه مطابق ضوابط و مقررات مربوط محکوم خواهد شد.

ماده ۵۱۷ - هر کس علناً نسبت به رئیس کشور خارجی یا نماینده سياسي آن که در قلمرو خاک ایران وارد شده است توهین نماید به يك تا سه ماه حبس محکوم می‌شود مشروط به اینکه در آن کشور نیز در مورد مذکور نسبت به ایران معامله متقابل بشود.



تبصره - اعمال مواد این فصل منوط به تقاضای دولت مربوطه یا نماینده سياسي آن دولت یا مطالبه مجنی‌علیه یا ولی او است و در صورت استرداد تقاضا تعقیب جزائی نیز موقوف خواهد شد.

فصل چهارم - در تهیه و ترویج سکه قلب

ماده ۵۱۸ - هر کس شبیه هر نوع مسکوک طلا یا نقره داخلی یا خارجی از قبیل سکه بهار آزادی، سکه‌های حکومتیای قبلی ایران، لیره و نظایر آن را از پولها و ارزهای دیگر که مورد معامله واقع می‌شود، بسازد یا عالماً داخل کشور نماید یا مورد خرید و فروش قرار دهد یا ترویج سکه قلب نماید به حبس از يك تا ده سال محکوم می‌شود.

ماده ۵۱۹ - هر کس به قصد تقلب به هر نحو از قبیل تراشیدن، بریدن و نظایر آن از مقدار مسکوکات طلا یا نقره ایرانی یا خارجی بکاهد یا عالماً عامداً در ترویج این قبیل مسکوکات شرکت یا آن را داخل کشور نماید به حبس از يك تا سه سال محکوم می‌شود.

ماده ۵۲۰ - هر کس شبیه مسکوکات رایج داخلی یا خارجی غیر از طلا و نقره را بسازد یا عالماً عامداً آنها را داخل کشور نماید یا در ترویج آنها شرکت کند یا مورد خرید و فروش قرار دهد به حبس از يك تا سه سال محکوم می‌شود.

ماده ۵۲۱ - هر گاه اشخاصی که مرتکب جرایم مذکور در مواد (۵۱۸) و (۵۱۹) و (۵۲۰) می‌شوند قبل از کشف قضیه، مأمورین تعقیب را از ارتکاب جرم مطلع نمایند یا در ضمن تعقیب به واسطه اقرار خود موجبات تسهیل تعقیب سایرین را فراهم آورند یا مأمورین دولت را به نحو موثری در کشف جرم کمک و راهنمایی کنند بنا به پیشنهاد رئیس حوزه قضائی مربوط و موافقت دادگاه و یا با تشخیص دادگاه در مجازات آنان تخفیف متناسب داده می‌شود وحسب مورد از مجازات حبس معاف می‌شوند مگر آنکه احراز شود قبل از دستگیری توبه کرده‌اند که در اینصورت از کلیه مجازاتهای مذکور معاف خواهند شد.

ماده ۵۲۲ - علاوه بر مجازاتهای مقرر در مواد (۵۱۸) و (۵۱۹) و (۵۲۰) کلیه اموال تحصیلی از طریق موارد مذکور نیز به عنوان تعزیر به نفع دولت ضبط می‌شود.

فصل پنجم - جعل و تزویر

ماده ۵۲۳ - جعل و تزویر عبارتند از: ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمي یا غیر رسمي خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تاخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته‌ای به نوشته دیگر یا بکار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر اینها به قصد تقلب.

ماده ۵۲۴ - هر کس احکام یا امضاء یا مهر یا فرمان یا دستخط مقام رهبری و یا روسای سه قوه را به اعتبار مقام آنان جعل کند یا با علم به جعل یا تزویر استعمال نماید به حبس از سه تا پانزده سال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۲۵ - هر کس یکی از اشیای ذیل را جعل کند یا به علم به جعل یا تزویر استعمال کند یا داخل کشور نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از يك تا ده سال محکوم خواهد شد:

- ۱ - احکام یا امضاء یا مهر یا دستخط معاون اول رئیس جمهور یا وزراء یا مهر یا امضای اعضای شورای نگهبان یا نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا مجلس خبرگان یا قضات یا یکی از روسا یا کارمندان و مسوولین دولتی از حیث مقام رسمي آنان.
- ۲ - مهر یا تمبر یا علامت یکی از شرکتها یا مؤسسات یا ادارات دولتی یا نهادهای انقلاب اسلامی.
- ۳ - احکام دادگاهها یا اسناد یا حواله‌های صادره از خزانه دولتی.
- ۴ - منگنه یا علامتی که برای تعیین عیار طلا یا نقره بکار می‌رود.
- ۵ - اسکناس رایج داخلی یا خارجی یا اسناد بانکی نظیر برات‌های قبول شده از طرف بانکها یا چکهای صادره از طرف بانکها و سایر اسناد تعهدآور بانکی.

تبصره - هر کس عمداً و بدون داشتن مستندات و مجوز رسمي داخلی و بین‌المللی و به منظور القاء شبهه در کیفیت تولیدات و خدمات از نام و علائم استاندارد ملی یا بین‌المللی استفاده نماید به حداکثر مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد.

ماده ۵۲۶ - هر کس اسکناس رایج داخلی یا خارجی یا اسناد بانکی نظیر برات‌های قبول شده از طرف بانکها یا چکهای صادره از طرف بانکها و سایر اسناد تعهدآور بانکی و نیز اسناد یا اوراق بهادار یا حواله‌های صادره از خزانه را به قصد اخلال در وضع پولی یا بانکی یا اقتصادی یا برهم‌زدن نظام و امنیت سياسي و اجتماعی جعل یا وارد کشور نماید یا با علم به مجعول بودن استفاده کند چنانچه مفسد و محارب شناخته نشود به حبس از پنج تا بیست سال محکوم می‌شود.

ماده ۵۲۷ - هر کس مدارک اشتغال به تحصیل یا فارغ‌التحصیلی یا تاییدیه یا ریز نمرات تحصیلی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی داخل یا خارج از کشور یا ارزشنامه‌های تحصیلات خارجی را جعل کند یا با علم به جعلی بودن آن را مورد استفاده قرار دهد علاوه بر جبران خسارت، به حبس از يك تا سه سال محکوم خواهد شد.



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

در صورتي که مرتکب، يکي از کارکنان وزارتخانه‌ها يا سازمانها و مؤسسات وابسته به دولت يا شهرداریها يا نهادهای انقلاب اسلامي باشد يا به نحوي از انحاء در امر جعل يا استفاده از مدارک و اوراق جعلي شرکت داشته باشد به حداکثر مجازات محکوم مي‌گردد.

ماده ۵۲۸ - هر کس مهر يا منگنه يا علامت يکي از ادارات يا مؤسسات يا نهادهای عمومي غير دولتي مانند شهرداریها را جعل کند يا با علم به جعل استعمال نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۲۹ - هر کس مهر يا منگنه يا علامت يکي از شرکتهای غير دولتي که مطابق قانون تشکیل شده است يا يکي از تجارتخانه‌ها را جعل کند يا با علم به جعل استعمال نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۳۰ - هر کس مهر يا تمپر يا علامت ادارات يا شرکتهای يا تجارتخانه‌های مذکور در مواد قبل را بدون مجوز بدست‌آورد و به طريقي که به حقوق و منافع آنها ضرر وارد آورد استعمال کند يا سبب استعمال آن گردد علاوه بر جبران خسارت وارده به دو ماه تا دو سال حبس محکوم خواهد شد.

ماده ۵۳۱ - اشخاصي که مرتکب جرایم مذکور در مواد قبل شده‌اند هر گاه قبل از تعقيب به دولت اطلاع دهند و ساير مرتکبين را در صورت بودن معرفي کنند يا بعد از تعقيب وسایل دستگيري آنها را فراهم نمایند حسب مورد در مجازات آنان تخفيف داده مي‌شود و يا از مجازات معاف خواهند شد.

ماده ۵۳۲ - هر يك از کارمندان و مسوولان دولتي که در اجرائي وظیفه خود در احکام و تفریقات و نوشته‌ها و اسناد و سجلات و دفاتر و غير آنها از نوشته‌ها و اوراق رسمي تزوير کند اعم از اين که امضاء يا مهری را ساخته يا امضاء يا مهر يا خطوط را تحريف کرده يا کلمه‌ای الحاق کند يا اسامي اشخاص را تغيير دهد علاوه بر مجازات‌های اداري و جبران خسارت وارده به حبس از يك تا پنج سال يا به پرداخت شش تا سي ميليون ريال جزاي نقدي محکوم خواهد شد.

ماده ۵۳۳ - اشخاصي که کارمند يا مسوول دولتي نيستند هر گاه مرتکب يکي از جرایم مذکور در ماده قبل شوند علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا سه سال يا سه تا هيچده ميليون ريال جزاي نقدي محکوم خواهند شد.

ماده ۵۳۴ - هر يك از کارکنان ادارات دولتي و مراجع قضائي و مأمورين بخدمات عمومي که در تحرير نوشته‌ها و قراردادهاي راجع به وظائفشان مرتکب جعل و تزوير شوند اعم از اينکه موضوع يا مضمون آن را تغيير دهند يا گفته و نوشته يکي از مقامات رسمي، مهر يا تفریقات يکي از طرفين را تحريف کنند يا امر باطلاي را صحيح يا صحيحی را باطل يا چیزی را که بدان اقرار نشده است اقرار شده جلوه دهند علاوه بر مجازات‌های اداري و جبران خسارت وارده به حبس از يك تا پنج سال يا شش تا سي ميليون ريال جزاي نقدي محکوم خواهند شد.

ماده ۵۳۵ - هر کس اوراق مجعول مذکور در مواد (۵۳۲)، (۵۳۳) و (۵۳۴) را با علم به جعل و تزوير مورد استفاده قرار دهد علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا سه سال يا به سه تا هيچده ميليون ريال جزاي نقدي محکوم خواهد شد.

ماده ۵۳۶ - هر کس در اسناد يا نوشته‌های غير رسمي جعل يا تزوير کند يا با علم به جعل و تزوير آنها را مورد استفاده قرار دهد علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا دو سال يا به سه تا دوازده ميليون ريال جزاي نقدي محکوم خواهد شد.

ماده ۵۳۷ - عکسبرداری از کارت شناسائي، اوراق هویت شخصي و مدارک دولتي و عمومي و ساير مدارک مشابه در صورتي که موجب اشتباه با اصل شود بايد مهور به مهر يا علامتي باشد که نشان دهد آن مدارک رونوشت يا عکس میباشد، در غير اين صورت عمل فوق جعل محسوب ميشود و تهیه‌کنندگان اينگونه مدارک و استفاده‌کنندگان از آنها بجاي اصلي عالماً عامداً علاوه بر جبران خسارت به حبس از شش ماه تا دو سال و يا به سه تا دوازده ميليون ريال جزاي نقدي محکوم خواهند شد.

ماده ۵۳۸ - هر کس شخصاً يا توسط ديگري براي معافيت خود يا شخص ديگري از خدمت دولت يا نظام وظیفه يا براي تقديم به دادگاه گواهي پزشکی به اسم طبيب جعل کند به حبس از شش ماه تا یکسال يا به سه تا شش ميليون ريال جزاي نقدي محکوم خواهد شد.

ماده ۵۳۹ - هر گاه طبيب تصدیق‌نامه بر خلاف واقع درباره شخصي براي معافيت از خدمت در ادارات رسمي يا نظام وظیفه يا براي تقديم به مراجع قضائي بدهد به حبس از شش ماه تا دو سال يا به سه تا دوازده ميليون ريال جزاي نقدي محکوم خواهد شد. و هر گاه تصدیق‌نامه مزبور به واسطه اخذ مال يا وجهي انجام گرفته علاوه بر استرداد و ضبط آن به عنوان جریمه، به مجازات مقرر براي رشوه‌گیرنده محکوم میگردد.

ماده ۵۴۰ - براي ساير تصدیق‌نامه‌های خلاف واقع که موجب ضرر شخص ثالثي باشد يا آن که خسارتي بر خزانه دولت وارد آورد مرتکب علاوه بر جبران خسارت وارده به شلاق تا (۷۴) ضربه يا به دويست هزار تا دو ميليون ريال جزاي نقدي محکوم خواهد شد.

ماده ۵۴۱ - هر کس به جاي داوطلب اصلي هر يك از آزمونها اعم از کنکور ورودي دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالي، دانشسراها، مراکز تربيت معلم، اعزام دانشجو به خارج از کشور يا امتحانات داخلي و نهايي واحدهای مزبور يا امتحانات دبیرستانها، مدارس راهنمايي و هنرستانها و غيره در جلسه امتحان شرکت نماید حسب مورد مرتکب و داوطلب علاوه بر مجازات اداري و انتظامي به دويست هزار تا يك ميليون ريال جزاي نقدي محکوم خواهد شد.

ماده ۵۴۲ - مجازات شروع به جعل و تزوير در اين فصل حداقل مجازات تعيين شده همان مورد خواهد بود.

فصل ششم - در محو يا شکستن مهر و پلمب و سرقت نوشته‌ها از اماکن عمومي

ماده ۵۴۳ - هر گاه محلي يا چیزی بر حسب امر مقامات صالح رسمي مهر يا پلمپ شده باشد و کسي عالماً و عامداً آنها را بشکند يا محو نماید يا عملي مرتکب شود که در حکم محو يا شکستن پلمب تلقي شود مرتکب به حبس از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. در صورتي که مستحفظ آن مرتکب شده باشد به حبس از يك تا دو سال محکوم مي‌شود و اگر ارتکاب به واسطه اهمال مستحفظ واقع گردد مجازات مستحفظ يك تا شش ماه حبس يا حداکثر (۷۴) ضرب شلاق خواهد بود.



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۵۴۴ - هر گاه بعضی یا کل نوشته‌ها یا اسناد یا اوراق یا دفاتر یا مطالبی که در دفاتر ثبت و ضبط دولتی مندرج یا در اماکن دولتی محفوظ یا نزد اشخاصی که رسماً مأمور حفظ آنها هستند سپرده شده باشد، ربوده یا تخریب یا بر خلاف مقررات معدوم شود دفتردار و مباشر ثبت و ضبط اسناد مذکور و سایر اشخاص که به واسطه اهمال آنها جرم مذکور وقوع یافته است، به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهند شد.

ماده ۵۴۵ - مرتکبین هر يك از انواع و اقسام جرم‌های مشروح در ماده فوق به حبس از سه تا شش سال محکوم خواهند گردید و اگر امانت‌دار یا مستحفظ مرتکب یکی از جرایم فوق‌الذکر شود به سه تا ده سال حبس محکوم خواهد شد.

ماده ۵۴۶ - در صورتی که مرتکب به عنف مهر یا پلمپ را محو نماید یا بشکند یا عملی مرتکب شود که در حکم محو یا شکستن پلمپ تلقی شود یا نوشته یا اسناد را بر باید یا معدوم کند حسب مورد به حداکثر مجازات‌های مقرر در مواد قبل محکوم خواهد شد و این مجازات مانع از اجرای مجازات‌های دیگری که از قهر و تشدد حاصل شده است نخواهد بود.

فصل هفتم - در فرار محبوسین قانونی و اخفای مقصرین

ماده ۵۴۷ - هر زندانی که از زندان یا بازداشتگاه فرار نماید به شلاق تا (۷۴) ضربه یا سه تا شش ماه حبس محکوم میشود و اگر برای فرار درب زندان را شکسته یا آن را خراب کرده باشد، علاوه بر تأمین خسارت وارده به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

تبصره - زندانیانی که مطابق آئین‌نامه زندانها به مرخصی رفته و خود را در موعد مقرر بدون عذر موجه معرفی ننمایند فراری محسوب و به مجازات فوق محکوم میگردند.

ماده ۵۴۸ - هر گاه مأموری که موظف به حفظ یا ملازمت یا مراقبت متهم یا فرد زندانی بوده در انجام وظیفه مسامحه و اهمالی نماید که منجر به فرار وی شود به ششماه تا سه سال حبس یا جزای نقدی از سه تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۴۹ - هر کس که مأمور حفظ یا مراقبت یا ملازمت زندانی یا توقیف شده‌ای باشد و مساعدت در فرار نماید یا راه فرار او را تسهیل کند یا برای فرار وی تبانی و مواضعه نماید به ترتیب ذیل مجازات خواهد شد:

الف - اگر توقیف شده متهم به جرمی باشد که مجازات آن اعدام یا رجم یا صلب است و یا زندانی به یکی از این مجازات‌ها محکوم شده باشد به سه تا ده سال حبس و اگر محکومیت محکوم‌علیه حبس از ده سال به بالا باشد و یا توقیف شده متهم به جرمی باشد که مجازات آن حبس از ده سال به بالاست به یک تا پنج سال حبس و چنانچه محکومیت زندانی و یا اتهام توقیف شده غیر از موارد فوق‌الذکر باشد به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.

ب - اگر زندانی محکوم به قصاص یا توقیف شده متهم به قتل مستوجب قصاص باشد عامل فرار موظف به تحویل دادن وی می‌باشد و در صورت عدم تحویل زندانی می‌شود و تا تحویل وی در زندان باقی می‌ماند و چنانچه متهم غیباً محاکمه و برائت حاصل کند و یا قتل شبه عمد یا خطئی تشخیص داده شود عامل فرار به مجازات تعیین شده در ذیل بند (الف) محکوم خواهد شد و اگر فراری فوت کند و یا تحویل وی ممتنع شود چنانچه حکوم به قصاص باشد فراری دهنده به پرداخت دیه به اولیای دم مقتول محکوم خواهد شد.

ج - اگر متهم یا محکومی که فرار کرده محکوم به امر مالی یا دیه باشد عامل فرار علاوه بر مجازات تعیین شده در ذیل بند الف ضامن پرداخت دیه و مال محکوم به نیز خواهد بود.

ماده ۵۵۰ - هر يك از مستخدمین و مأمورین دولتی که طبق قانون مأمور دستگیری کسی بوده و در اجرای وظیفه دستگیری مسامحه و اهمال کرده باشد به پرداخت یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد و چنانچه مسامحه و اهمال به قصد مساعدت بوده که منجر به فرار وی شده باشد علاوه بر مجازات مذکور به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم میشود.

ماده ۵۵۱ - اگر عامل فرار از مأمورین مذکور در ماده (۵۴۹) نباشد و عامداً موجبات فرار اشخاصی که قانوناً زندانی یا دستگیر شده‌اند را فراهم آورد به طریق ذیل مجازات خواهد شد:

الف - چنانچه زندانی محکوم به اعدام یا حبس دایم یا رجم یا صلب بوده مجازات او يك تا سه سال حبس و اگر زندانی متهم به جرمی بوده که مجازات آن اعدام یا رجم یا صلب است مجازات از شش ماه تا دو سال حبس و چنانچه محکومیت زندانی و یا مجازات قانونی توقیف شده غیر از موارد فوق‌الذکر باشد مجازات او سه ماه تا يك سال حبس خواهد بود.

ب - اگر زندانی محکوم به قصاص باشد عامل فرار موظف به تحویل دادن وی می‌باشد و در صورت عدم تحویل زندانی می‌شود و تا تحویل وی در زندان باقی می‌ماند. چنانچه فراری فوت کند و یا تحویل وی ممتنع شود فراری دهنده به پرداخت دیه به اولیای دم مقتول محکوم خواهد شد.

ماده ۵۵۲ - هر کس به شخص زندانی یا توقیف شده برای مساعدت به فرار اسلحه بدهد به حبس از دو تا پنج سال محکوم می‌شود.

ماده ۵۵۳ - هر کس شخصی را که قانوناً دستگیر شده و فرار کرده یا کسی را که متهم است به ارتکاب جرمی و قانوناً امر به دستگیری او شده است مخفی کند یا وسایل فرار او را فراهم کند به ترتیب ذیل مجازات خواهد شد:

چنانچه کسی که فرار کرده محکوم به اعدام یا رجم یا صلب یا قصاص نفس و اطراف و یا قطع ید بوده مجازات مخفی‌کننده یا کمک‌کننده او در فرار، حبس از يك تا سه سال است و اگر محکوم به حبس دائم یا متهم به جرمی بود که مجازات آن اعدام یا صلب است محکوم به شش ماه تا دو سال حبس خواهد شد و در سایر حالات مجازات مرتکب يك ماه تا يك سال حبس خواهد بود.

تبصره - در صورتی که احراز شود فرد فراری دهنده و یا مخفی‌کننده یقین به بی‌گناهی فرد متهم یا زندانی داشته و در دادگاه نیز ثابت شود از مجازات معاف خواهد شد.



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۵۵۴ - هر کس از وقوع جرمي مطلع شده و براي خلاصي مجرم از محاکمه و محکوميت مساعدت کند از قبيل اين که براي او منزل تهیه کند يا ادله جرم را مخفي نمايد يا براي تبرئه مجرم ادله جعلي ابراز کند حسب مورد به يك تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.

تبصره - در موارد مذکور در ماده (۵۵۳) و اين ماده در صورتي که مرتکب از اقارب درجه اول متهم باشد مقدار مجازات در هر مورد از نصف حداکثر تعيين شده بيشتر نخواهد بود.

فصل هشتم - غصب عناوين و مشاغل

ماده ۵۵۵ - هر کس بدون سمت رسمي يا اذن از طرف دولت خود را در مشاغل دولتي اعم از کشوري يا لشگري و انتظامي که از نظر قانون مربوط به او نبوده است دخالت دهد يا معرفي نمايد به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد و چنانچه براي دخالت يا معرفي خود در مشاغل مزبور، سندي جعل کرده باشد، مجازات جعل را نيز خواهد داشت.

ماده ۵۵۶ - هر کس بدون مجوز و بصورت علني لباسهاي رسمي مأموران نظامي يا انتظامي جمهوري اسلامي ايران يا نشانها، مدالها يا ساير امتيازات دولتي را بدون تغيير يا با تغيير جزئي که موجب اشتباه شود مورد استفاده قرار دهد در صورتي که عمل او به موجب قانون ديگري مستلزم مجازات شديدتري نباشد به حبس از سه ماه تا يك سال و يا جزاي نقدي از يك ميليون و پانصد هزار ريال تا شش ميليون ريال محکوم خواهد شد.

و در صورتيکه از اين عمل خود سوء استفاده کرده باشد به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.



تبصره - استفاده از البسه و اشياء مذکور در اين ماده در اجراي هنرهاي نمايشي مشمول مقررات اين ماده نخواهد بود.

ماده ۵۵۷ - هر کس علني و بصورت غير مجاز لباسهاي رسمي يا متحدالشکل مأموران کشورهاي بيگانه يا نشانها يا مدالها يا ساير امتيازات دولتهاي خارجي در ايران را مورد استفاده قرار دهد به شرط معامله متقابل و يا در صورتي که موجب اختلال در نظم عمومي گردد مشمول مقررات ماده فوق است.

فصل نهم - در تخریب اموال تاريخي، فرهنگي

ماده ۵۵۸ - هر کس به تمام يا قسمتي از ابنیه، اماکن، محوطه‌ها و مجموعه‌هاي فرهنگي تاريخي يا مذهبي که در فهرست آثار ملي ايران به ثبت رسیده است، يا تزئینات، ملحقات تأسیسات، اشياء و لوازم و خطوط و نقوش منصوب يا موجود در اماکن مذکور، که مستقلاً نيز واجد حیثیت فرهنگي- تاريخي يا مذهبي باشد، خرابي وارد آورد علاوه بر جبران خسارات وارده به حبس از يك الي ده سال محکوم ميشود.

ماده ۵۵۹ - هر کس اشياء و لوازم و همچنين مصالح و قطعات آثار فرهنگي - تاريخي را از موزه‌ها و نمايشگاهها، اماکن تاريخي و مذهبي و ساير اماکن که تحت حفاظت يا نظارت دولت است سرقت کند يا با علم به مسروقه بودن اشيائي مذکور را بخرد يا پنهان دارد در صورتي که مشمول مجازات حد سرقت نگردد علاوه بر استرداد آن به حبس از يك تا پنج سال محکوم ميشود.

ماده ۵۶۰ - هر کس بدون اجازه از سازمان ميراث فرهنگي کشور، يا با تخلف از ضوابط مصوب و اعلام شده از سوي سازمان مذکور در حریم آثار فرهنگي - تاريخي مذکور در اين ماده مبادرت به عملياتي نمايد که سبب تزلزل بنیان آنها شود، يا در نتیجه آن عمليات به آثار و بناهاي مذکور خرابي يالطمه وارد آيد، علاوه بر رفع آثار تخلف و پرداخت خسارت وارده به حبس از يك تا سه سال محکوم ميشود.

ماده ۵۶۱ - هر گونه اقدام به خارج کردن اموال تاريخي - فرهنگي از کشور هر چند به خارج کردن آن نيانجامد قاچاق محسوب و مرتکب علاوه بر استرداد اموال به حبس از يك تا سه سال و پرداخت جریمه معادل دو برابر قيمت اموال موضوع قاچاق محکوم میگردد.

تبصره - تشخيص ماهيت تاريخي - فرهنگي به عهده سازمان ميراث فرهنگي کشور ميباشد.

ماده ۵۶۲ - هر گونه حفاري و کاوش به قصد بدست آوردن اموال تاريخي - فرهنگي ممنوع بوده و مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و ضبط اشياء مکشوفه به نفع سازمان ميراث فرهنگي کشور و آلات و ادوات حفاري به نفع دولت محکوم ميشود. چنانچه حفاري در اماکن و محوطه‌هاي تاريخي که در فهرست آثار ملي به ثبت رسیده است، يا در بقاع متبرکه و اماکن مذهبي صورت گيرد علاوه بر ضبط اشياء مکشوفه و آلات و ادوات حفاري مرتکب به حداکثر مجازات مقرر محکوم ميشود.

تبصره ۱ - هر کس اموال تاريخي - فرهنگي موضوع اين ماده را حسب تصادف بدست آورد و طبق مقررات سازمان ميراث فرهنگي کشور نسبت به تحويل آن اقدام ننمايد به ضبط اموال مکشوفه محکوم میگردد.

تبصره ۲ - خريد و فروش اموال تاريخي - فرهنگي حاصله از حفاري غير مجاز ممنوع است و خريدار و فروشنده علاوه بر ضبط اموال فرهنگي مذکور، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم ميشوند. هر گاه فروش اموال مذکور تحت هر عنوان از عناوين بطور مستقيم يا غير مستقيم به اتباع خارجي صورت گيرد، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر محکوم ميشود.

ماده ۵۶۳ - هر کس به اراضي و تپه‌ها و اماکن تاريخي و مذهبي که به ثبت آثار ملي رسیده و مالک خصوصي نداشته باشد تجاوز کند به شش ماه تادو سال حبس محکوم ميشود مشروط بر آنکه سازمان ميراث فرهنگي کشور قبلاً حدود مشخصات اين قبيل اماکن و مناطق را در محل تعيين و علامتگذاري کرده باشد.

ماده ۵۶۴ - هر کس بدون اجازه سازمان ميراث فرهنگي و بر خلاف ضوابط مصوب اعلام شده از سوي سازمان مذکور به مرمت يا تعمير، تغيير، تجديد و توسعه ابنیه يا تزئینات اماکن فرهنگي - تاريخ ثبت شده در فهرست آثار ملي مبادرت نمايد، به حبس از ششماه تا دو سال و پرداخت خسارت وارده محکوم میگردد.



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۵۶۵ - هر کس بر خلاف ترتیب مقرر در قانون حفظ آثار ملي اموال فرهنگي - تاريخي غير منقول ثبت شده در فهرست آثار ملي را با علم واطلاع از ثبت آن به نحوي به ديگران انتقال دهد و به حبس از سه ماه تا يك سال محكوم مي‌شود.

ماده ۵۶۶ - هر کس نسبت به تغيير نحوه استفاده از ابنیه، اماکن و محوطه‌هاي مذهبي فرهنگي و تاريخي که در فهرست آثار ملي ثبت شده‌اند، برخلاف شئونات اثر و بدون مجوز از سوي سازمان ميراث فرهنگي کشور، اقدام نمايد علاوه بر رفع آثار تخلف و جبران خسارت وارده به حبس از سه‌ماه تا یکسال محكوم مي‌شود.

ماده ۵۶۶ مکرر(الحاقی ۲۶، ۳، ۱۳۸۸) - هرکس نمونه تقلبي آثار فرهنگي- تاريخي اعم از ايراني و خارجي را به جاي اثر اصلي بسازد يا آن را به قصد عرضه، قاچاق يا فروش، معرفي، حمل يا نگهداري کند يا با آگاهي از تقلبي بودن اثر خريداري کند به حبس از نود و يك روز تا شش ماه و جزاي نقدي معادل نصف ارزش اثر اصلي با اخذ نظر کارشناس از سازمان ميراث فرهنگي، صنايع دستي و گردشگري محكوم مي‌شود.

ماده ۵۶۷ - در کليه جرائم مذکور در اين فصل، سازمان ميراث فرهنگي يا ساير دواير دولتي بر حسب مورد شاکي يا مدعي خصوصي محسوب مي‌شود.

ماده ۵۶۸ - در مورد جرايم مذکور در اين فصل که بوسيله اشخاص حقوقي انجام شود هر يك از مديران و مسوولان که دستور دهنده باشند، برحسب مورد به مجازات‌هاي مقرر محكوم ميشوند.

تبصره - اموال فرهنگي - تاريخي حاصله از جرائم مذکور در اين فصل تحت نظر سازمان ميراث فرهنگي کشور توقيف و در کليه مواردی که حکم به ضبط و استرداد اموال، وسائل، تجهيزات و خسارات داده ميشود به نفع سازمان ميراث فرهنگي کشور مورد حکم قرار خواهد گرفت.

ماده ۵۶۹ - در کليه موارد اين فصل در صورتي که ملک مورد تخریب، ملک شخصي بوده و مالک از ثبت آن به عنوان آثار ملي بي‌اطلاع باشد از مجازات‌هاي مقرر در مواد فوق معاف خواهد بود.

فصل دهم - در تقصيرات مقامات و مأمورين دولتي

ماده ۵۷۰ (اصلاحي ۱۱، ۱۰، ۱۳۸۱) - هر يك از مقامات و مأمورين وابسته به نهادها و دستگاههاي حکومتي که برخلاف قانون، آزادي شخصي افراد ملت را سلب کند يا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران محروم نمايد علاوه بر انفصال از خدمت و محروميت يك تا پنج سال از مشاغل حکومتي به حبس از دو ماه تا سه سال محكوم خواهد شد.

ماده ۵۷۱ - هر گاه اقداماتي که بر خلاف قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران مي‌باشد بر حسب امضاي ساختگي وزير يا مأمورين دولتي به عمل آمده باشد، مرتکب و کساني که عالماً آن را بکار برده باشند به حبس از سه ماه تا ده سال محكوم خواهند شد.

ماده ۵۷۲ - هر گاه شخصي بر خلاف قانون حبس شده باشد و در خصوص حبس غير قانوني خود شکايت به ضابطین دادگستري يا مأمورين انتظامي نموده و آنان شکايت او را استماع نکرده باشند و ثابت ننمايند که تظلم او را به مقامات ذيصلاح اعلام و اقدامات لازم را معمول داشته‌اند به انفصال دائم از همان سمت و محروميت از مشاغل دولتي به مدت سه تا پنج سال محكوم خواهند شد.

ماده ۵۷۳ - اگر مسوولين و مأمورين بازداشتگاهها و ندامتگاهها بدون اخذ برگ بازداشت صادره از طرف مراجع و مقامات صلاحيتدار شخصي را به نام زنداني بپذيرند به دو ماه تا دو سال حبس محكوم خواهند شد.

ماده ۵۷۴ - اگر مسوولين و مامورين بازداشتگاهها و ندامتگاهها از ارائه دادن يا تسليم کردن زنداني به مقامات صالح قضائي يا از ارائه دادن دفاتر خود به اشخاص مزبور امتناع کنند يا از رسانيدن تظلمات محبوسين به مقامات صالح ممانعت يا خودداري نمايند مشمول ماده قبل خواهند بود مگر اين که ثابت نمايند که به موجب امر کتبي رسمي از طرف رئيس مستقيم خود مامور به آن بوده‌اند که در اين صورت مجازات مزبور دربارۀ آمر مقرر خواهد شد.

ماده ۵۷۵ - هر گاه مقامات قضائي يا ديگر مامورين ذيصلاح بر خلاف قانون توقيف يا دستور بازداشت يا تعقيب جزائي يا قرار مجرميت کسي را صادر نمايند به انفصال دايم از سمت قضائي و محروميت از مشاغل دولتي به مدت پنج سال محكوم خواهند شد.

ماده ۵۷۶ - چنانچه هر يك از صاحب‌منصبان و مستخدمين و مامورين دولتي و شهرداريها در هر رتبه و مقامي که باشند از مقام خود سوء استفاده نموده و از اجراي اوامر کتبي دولتي يا اجراي قوانين مملکتي و يا اجراي احکام يا اوامر مقامات قضائي يا هر گونه امري که از طرف مقامات قانوني صادر شده باشد جلوگيري نمايد به انفصال از خدمات دولتي از يك تا پنج سال محكوم خواهد شد.

ماده ۵۷۷ - چنانچه مستخدمين و مامورين دولتي اعم از استانداران و فرمانداران و بخشداران يا معاونان آنها و مامورين انتظامي در غير موارد حکميت در اموري که در صلاحيت مراجع قضائي است دخالت نمايند و با وجود اعتراض متداعيين يا يکي از آنها يا اعتراض مقامات صلاحيتدارقضائي رفع مداخله ننمايند به حبس از دو ماه تا سه سال محكوم خواهند شد.

ماده ۵۷۸ - هر يك از مستخدمين و مامورين قضائي يا غير قضائي دولتي براي اينکه متهمي را مجبور به اقرار کند او را اذيت و آزار بدني نمايدعلاوه بر قصاص يا پرداخت ديه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محكوم ميگردد و چنانچه کسي در اين خصوص دستور داده باشد فقطدستوردهنده به مجازات حبس مذکور محكوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذيت و آزار فوت کند مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت.

ماده ۵۷۹ - چنانچه هر يك از مامورين دولتي محکومي را سخت‌تر از مجازاتي که مورد حکم است مجازات کند يا مجازاتي کند که مورد حکم نبوده‌است به حبس از شش ماه تا سه سال محكوم خواهد شد و چنانچه اين عمل به دستور فرد ديگري انجام شود فقط آمر به مجازات مذکور محکوم‌مي‌شود و چنانچه اين عمل موجب قصاص يا ديه باشد مباشر به مجازات آن نيز محكوم ميگردد و اگر اقدام مزبور متضمن جرم ديگري نيز باشد مجازات همان جرم حسب مورد نسبت به مباشر يا آمر اجرا خواهد



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

شد.

ماده ۵۸۰ - هر يك از مستخدمين و مامورين قضائي يا غير قضائي يا كسي كه خدمت دولتي به او ارجاع شده باشد بدون ترتيب قانوني به منزل كسي بدون اجازه و رضاي صاحب منزل داخل شود به حبس از يك ماه تا يك سال محكوم خواهد شد مگر اين كه ثابت نمايد به امر يكي از روساي خود كه صلاحيت حكم را داشته است مكره به اطاعت امر او بوده، اقدام کرده است كه در اين صورت مجازات مزبور در حق آمر اجرا خواهد شد و اگر مرتكبيا سبب وقوع جرم ديگري نيز باشد مجازات آن را نيز خواهد ديد و چنانچه اين عمل در شب واقع شود مرتكب يا آمر به حداكثر مجازات مقرر محكوم خواهد شد.

ماده ۵۸۱ - هر يك از صاحب منصبان و مستخدمين و مامورين دولتي كه با سوءاستفاده از شغل خود به جبر و قهر مال يا حق كسي را بخرد يا بدون حق بر آن مسلط شود يا مالك را اكراه به فروش به ديگري كند علاوه بر رد عين مال يا معادل نقدي قيمت مال يا حق، به مجازات حبس از يك سال تا سه سال يا جزاي نقدي از شش تا هيچده ميليون ريال محكوم ميگردد.

ماده ۵۸۲ - هر يك از مستخدمين و مامورين دولتي، مراسلات يا مخابرات يا مكالمات تلفني اشخاص را در غير مواردی كه قانون اجازه داده حسب مورد مفتوح يا توقيف يا معدوم يا بازرسي يا ضبط يا استراق سمع نمايد يا بدون اجازه صاحبان آنها مطالب آنها را افشاء نمايد به حبس از يك سال تا سه سال و يا جزاي نقدي از شش تا هيچده ميليون ريال محكوم خواهد شد.

ماده ۵۸۳ - هر كس از مقامات يا مامورين دولتي يا نيروهاي مسلح يا غير آنها بدون حكمي از مقامات صلاحيتدار در غير مواردی كه در قانون جلب يا توقيف اشخاص را تجويز نموده، شخصي را توقيف يا حبس كند يا عنفا در محلي مخفي نمايد به يك تا سه سال حبس يا جزاي نقدي از شش تا هيچده ميليون ريال محكوم خواهد شد.

ماده ۵۸۴ - كسي كه با علم و اطلاع براي ارتكاب جرم مذكور در ماده فوق مكاني تهيه کرده و بدین طريق معاونت با مرتكب نموده باشد به مجازات حبس از سه ماه تا يك سال يا جزاي نقدي از يك ميليون و پانصد هزار ريال تا شش ميليون ريال محكوم خواهد شد.

ماده ۵۸۵ - اگر مرتكب يا معاون قبل از آن كه تعقيب شود شخص توقيف شده را رها كند يا اقدام لازم جهت رها شدن وي به عمل آورد در صورتي كه شخص مزبور را زياده از پنج روز توقيف نكرده باشد مجازات او حبس از دو تا شش ماه خواهد بود.

ماده ۵۸۶ - هر گاه مرتكب براي ارتكاب جرايم مذكور در ماده (۵۸۳) اسم يا عنوان مجعول يا اسم و علامت مامورين دولت يا لباس منتسب به آنان رابه تزوير اختيار کرده يا حكم جعلي ابراز نموده باشد، علاوه بر مجازات ماده مزبور به مجازات جعل يا تزوير محكوم خواهد شد.

ماده ۵۸۷ - چنانچه مرتكب جرايم مواد قبل توقيف شده يا محبوس شده يا مخفي شده را تهديد به قتل نموده يا شكنجه و آزار بدني وارد آورده باشد علاوه بر قصاص يا پرداخت ديه حسب مورد به يك تا پنج سال حبس و محروميت از خدمات دولتي محكوم خواهد شد.

فصل يازدهم - ارتشاء و ربا و كلاهبرداری

ماده ۵۸۸ - هر يك از داوران و مميزان و كارشناسان اعم از اين كه توسط دادگاه معين شده باشد يا توسط طرفين، چنانچه در مقابل اخذ وجه يا مال به نفع يكي از طرفين اظهار نظر يا اتخاذ تصميم نمايد به حبس از شش ماه تا دو سال يا مجازات نقدي از سه تا دوازده ميليون ريال محكوم و آنچه گرفته است به عنوان مجازات مودي به نفع دولت ضبط خواهد شد.

ماده ۵۸۹ - در صورتي كه حكام محاكم به واسطه ارتشاء حكم به مجازاتي اشد از مجازات مقرر در قانون داده باشند علاوه بر مجازات ارتشاء حسب مورد به مجازات مقدار زائدي كه مورد حكم واقع شده محكوم خواهند شد.

ماده ۵۹۰ - اگر رشوه به صورت وجه نقد نباشد بلكه مالي بلاعوض يا به مقدار فاحش ارزان تر از قيمت معمولي يا ظاهراً به قيمت معمولي و واقعاً به مقدار فاحشي كمتر از قيمت به مستخدمين دولتي اعم از قضائي و اداري بطور مستقيم يا غير مستقيم منتقل شود يا براي همان مقاصد مالي به مقدار فاحشي گران تر از قيمت از مستخدمين يا مأمورين مستقيم يا غير مستقيم خريداري گردد، مستخدمين و مأمورين مزبور مرتشي و طرف معامله راشي محسوب مي شود.

ماده ۵۹۱ - هر گاه ثابت شود كه راشي براي حفظ حقوق حقه خود ناچار از دادن وجه يا مالي بوده تعقيب كيفري ندارد و وجه يا مالي كه داده به اومسترد ميگردد.

ماده ۵۹۲ - هر كس عالماً و عامداً براي اقدام به امري يا امتناع از انجام امري كه از وظائف اشخاص مذكور در ماده (۳) قانون تشديد مجازات مرتكبين ارتشاء، اختلاس و كلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخيص مصلحت نظام مي باشد وجه يا مالي يا سند پرداخت وجه يا تسليم مالي رامستقيم يا غير مستقيم بدهد در حكم راشي است و بعنوان مجازات علاوه بر ضبط مال، ناشي از ارتشاء به حبس از ششماه تا سه سال و يا تا (۷۴) ضربه شلاق محكوم مي شود.

تبصره - در صورتيكه رشوه دهنده براي پرداخت رشوه مضطر بوده و يا پرداخت آنرا گزارش دهد يا شكايت نمايد از مجازات حبس مزبور معاف خواهد بود و مال به وي مسترد ميگردد.

ماده ۵۹۳ - هر كس عالماً و عامداً موجبات تحقق جرم ارتشاء از قبيل مذاكره، جلب موافقت يا وصول و ايصال وجه يا مال سند پرداخت وجه رافراهم نمايد به مجازات راشي بر حسب مورد محكوم ميشود.

ماده ۵۹۴ - مجازات شروع بعمل ارتشاء در هر مورد حداقل مجازات مقرر در آن مورد است.

ماده ۵۹۵ - هر نوع توافق بين دو يا چند نفر تحت هر قراردادي از قبيل بيع، قرض، صلح و امثال آن جنسي را با شرط اضافه با همان جنس مكيل وموزون معامله نمايد و يا زائد بر مبلغ پرداختي، دريافت نمايد ربا محسوب و جرم شناخته ميشود مرتكبين اعم از ربا دهنده، رباگيرنده و واسطه بين آنها علاوه بر رد اضافه به صاحب مال به ششماه تا سه سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق و نيز معادل مال مورد ربا بعنوان جزاي نقدي محكوم ميگردند.



قانون مجازات اسلامی - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

تبصره ۱ - در صورت معلوم نبودن صاحب مال، مال مورد ربا از مصادیق اموال مجهول المالك بوده و در اختیار ولي فقيه قرار خواهد گرفت.

تبصره ۲ - هر گاه ثابت شود ربا دهنده در مقام پرداخت وجه یا مال اضافي مضطر بوده از مجازات مذکور در این ماده معاف خواهد شد.

تبصره ۳ - هر گاه قرارداد مذکور بین پدر و فرزند یا زن و شوهر منعقد شود یا مسلمان از کافر ربا دریافت کند مشمول مقررات این ماده نخواهد بود.

ماده ۵۹۶ - هر کس با استفاده از ضعف نفس شخصي یا هوي و هوس او یا حوائج شخصي افراد غیر رشید به ضرر او نوشته یا سندی اعم از تجاري یا غیر تجاري از قبیل برات، سفته، چک، حواله، قبض و مفاصاحساب و یا هر گونه نوشته‌ای که موجب التزام وي یا برائت ذمه گیرنده سند یا هر شخص دیگر میشود بهر نحو تحصیل نماید علاوه بر جبران خسارت مالي به حبس از ششماه تا دو سال و از يك ميليون تا ده ميليون ريال جزاي نقدي محکوم میشود و اگر مرتکب ولایت یا وصایت یا قیمومیت بر آن شخص داشته باشد، مجازات وي علاوه بر جبران خسارات مالي از سه تا هفت سال حبس خواهد بود.

فصل دوازدهم - امتناع از انجام وظایف قانوني

ماده ۵۹۷ - هر يك از مقامات قضائي که شکایت و تظلمي مطابق شرایط قانوني نزد آنها برده شود و با وجود این که رسیدگی به آنها از وظایف آنان بوده به هر عذر و بهانه اگر چه به عذر سکوت یا اجمال یا تناقض قانون از قبول شکایت یا رسیدگی به آن امتناع کند یا صدور حکم را بر خلاف قانون به تأخیر اندازد یا بر خلاف صریح قانون رفتار کند دفعه اول از شش ماه تا یکسال و در صورت تکرار به انفصال دائم از شغل قضائي محکوم می‌شود و در هر صورت به تأدیه خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد.

فصل سیزدهم - تعديات مأمورین دولتي نسبت به دولت

ماده ۵۹۸ - هر يك از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمانها یا شوراها و یا شهرداریها و موسسات و شرکتهای دولتي و یا وابسته به دولت و یانهادهای انقلابي و بنیادها و موسساتي که زیر نظر ولي فقيه اداره میشوند و دیوان محاسبات و موسساتي که به کمک مستمر دولت اداره میشوند و یادارندگان پایه قضائي و بطور کلي اعضا و کارکنان قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و مامورین به خدمات عمومي اعم از رسمي و غیر رسمي وجوه نقدي یا مطالبات یا حوالجات یا سهام و سایر اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال متعلق به هر يك از سازمانها و موسسات فوق‌الذکر یا اشخاصي که بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده است را مورد استفاده غیر مجاز قرار دهد بدون آنکه قصد تملک آنها را به نفع خود یا دیگری داشته باشد، متصرف غیر قانوني محسوب و علاوه بر جبران خسارات وارده و پرداخت اجرت‌المثل به شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود و در صورتیکه منتفع شده باشد علاوه بر مجازات مذکور به جزاي نقدي معادل مبلغ انتفاعي محکوم خواهد شد و همچنین است در صورتیکه به علت اهمال یا تفریط موجب تضییع اموال و وجوه دولتي گردد و یا آن را به مصارفي برساند که در قانون اعتباري برای آن منظور نشده یا در غیر مورد معین یا زائد بر اعتبار مصرف نموده باشد.

ماده ۵۹۹ - هر شخصي عهده‌دار انجام معامله یا ساختن چیزی یا نظارت در ساختن یا امر به ساختن آن برای هر يك از ادارات و سازمانها وموسسات مذکور در ماده (۵۹۸) بوده است به واسطه تدلیس در معامله از جهت تعیین مقدار یا صفت یا قیمت بیش از حد متعارف مورد معامله یا تقلب در ساختن آن چیز نفعي برای خود یا دیگری تحصیل کند، علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا پنج سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۰۰ - هر يك از مسوولین دولتي و مستخدمین و ماموریني که مامور تشخیص یا تعیین یا محاسبه یا وصول وجه یا مالي به نفع دولت است برخلاف قانوني یا زیاده بر مقررات قانوني اقدام و وجه یا مالي اخذ یا امر به اخذ آن نماید به حبس از دو ماه تا يك سال محکوم خواهد شد. مجازات مذکور در این ماده در مورد مسوولین و مامورین شهرداری نیز مجري است و در هر حال آنچه بر خلاف قانون و مقررات اخذ نموده است به ذیحق مسترد می‌گردد.

ماده ۶۰۱ - هر يك از مستخدمین و مامورین دولتي که بر حسب ماموریت خود اشخاص را اجیر یا استخدام کرده یا مباشرت حمل و نقل اشیائي رانموده باشد و تمام یا قسمتی از اجرت اشخاص یا اجرت حمل و نقل را که توسط آنان به عمل آمده است به حساب دولت آورده ولي نپرداخته باشد به انفصال موقت از سه ماه تا سه سال محکوم میشود و همین مجازات مقرر است درباره مستخدمیني که اشخاص را به بیگاری گرفته و اجرت آنها را خود برداشته و به حساب دولت منظور نموده است و در هر صورت باید اجرت مأخوذه را به ذیحق مسترد نماید.

ماده ۶۰۲ - هر يك از مستخدمین و مامورین دولتي که بر حسب ماموریت خود حق داشته است اشخاصي را استخدام و اجیر کند و بیش از عده‌ای که اجیر یا استخدام کرده است به حساب دولت منظور نماید یا خدمه شخصي خود را جزو خدمه دولت محسوب نماید و حقوق آنها را به حساب دولت منظور بدارد به شلاق تا (۷۴) ضربه و تادیبه مبلغی که به ترتیب فوق به حساب دولت منظور داشته است محکوم خواهد گردید.

ماده ۶۰۳ - هر يك از کارمندان و کارکنان و اشخاص عهده‌دار وظیفه مدیریت و سرپرستی در وزارتخانه‌ها و ادارات و سازمانهای مذکور در ماده (۵۹۸) که بالمباشره یا به واسطه در معاملات و مزایده‌ها و مناقصه‌ها و تشخیصات و امتیازات مربوط به دستگاه متبوع، تحت هر عنواني اعم از کمیسیون یا حق‌الزحمه و حق‌العمل یا پاداش برای خود یا دیگری نفعي در داخل یا خارج کشور از طریق توافق یا تفاهم یا ترتیبات خاص یا سایر اشخاص یا نمایندگان و شعب آنها منظور دارد یا بدون ماموریت از طرف دستگاه متبوعه بر عهده آن چیزی بخرد یا بسازد یا در موقع پرداخت وجوهي که حسب وظیفه به عهده او بوده یا تفریغ حسابي که باید بعمل آورد برای خود یا دیگری نفعي منظور دارد به تادیبه دو برابر وجوه و منافع حاصله از این طریق محکوم می‌شود و در صورتی که عمل وي موجب تغییر در مقدار یا کیفیت مورد معامله یا افزایش قیمت تمام شده آن گردد به حبس از شش‌ماه تا پنج سال و یا مجازات نقدي از سه تا سي ميليون ريال نیز محکوم خواهد شد.

ماده ۶۰۴ - هر يك از مستخدمین دولتي اعم از قضائي و اداري نوشته‌ها و اوراق و اسنادي را که حسب وظیفه به آنان سپرده شده یا برای انجام وظایفشان به آنها داده شده است را معدوم یا مخفی نماید یا به کسی بدهد که به لحاظ قانون از دادن به آن کس ممنوع می‌باشد، علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا يك سال محکوم خواهد شد.



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۶۰۵ - هر يك از مامورين ادارات و موسسات مذکور در ماده (۵۹۸) که از روي غرض و بر خلاف حق در باره يکي از طرفين اظهار نظر يا اقدامي کرده باشد به حبس تا سه ماه يا مجازات نقدي تا مبلغ يك ميليون و پانصد هزار ريال و جبران خسارت وارده محکوم خواهد شد.

ماده ۶۰۶ - هر يك از روسا يا مديران يا مسوولين سازمانها و موسسات مذکور در ماده (۵۹۸) که از وقوع جرم ارتشاء يا اختلاس يا تصرف غيرقانوني يا کلاهبرداري يا جرايم موضوع مواد (۵۹۹) و (۶۰۳) در سازمان يا موسسات تحت اداره يا نظارت خود مطلع شده و مراتب را حسب مورد به مراجع صلاحيتدار قضائي يا اداري اعلام ننمايد علاوه بر حبس از ششماه تا دو سال به انفصال موقت از ششماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

فصل چهاردهم - تمرد نسبت به مأمورين دولت

ماده ۶۰۷ - هر گونه حمله يا مقاومتی که با علم و آگاهی نسبت به مأمورين دولت در حين انجام وظیفه آنان به عمل آید تمرد محسوب مي‌شود ومجازات آن به شرح ذیل است:

۱ - هر گاه متمرّد به قصد تهديد اسلحه خود را نشان دهد حبس از شش ماه تا دو سال.

۲ - هر گاه متمرّد در حين اقدام دست به اسلحه برد، حبس از يك تا سه سال.

۳ - در ساير موارد حبس از سه ماه تا يك سال.

تبصره - اگر متمرّد در هنگام تمرد مرتکب جرم ديگري هم بشود به مجازات هر دو جرم محکوم خواهد شد.

فصل پانزدهم - هتك حرمت اشخاصي

ماده ۶۰۸ (اصلاحي ۱۳۹۹، ۰۲، ۲۳) - توهين به افراد از قبيل فحاشي و استعمال الفاظ ركيك چنانچه موجب حد قذف نباشد جزاي نقدي درجه شش خواهد بود.



ماده ۶۰۹ - هر کس با توجه به سمت، يکي از روساي سه قوه يا معاونان رئيس جمهوري يا وزرا يا يکي از نمايندگان مجلس شوراي اسلامي يانمايندگان مجلس خبرگان يا اعضاي شوراي نگهبان يا قضات يا اعضاي ديوان محاسبات يا کارکنان وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکتهاي دولتي وشهرداريها در حال انجام وظیفه يا به سبب آن توهين نمايد به سه تا شش ماه حبس و يا تا (۷۴) ضربه شلاق و يا پنجاه هزار تا يك ميليون ريال جزاي نقدي محکوم مي‌شود.



فصل شانزدهم - اجتماع و تباني براي ارتکاب جرايم

ماده ۶۱۰ - هر گاه دو نفر يا بيشتتر اجتماع و تباني نمايند که جرايمي بر ضد امنيت داخلي يا خارج کشور مرتکب شوند يا وسايل ارتکاب آن را فراهم نمايند در صورتي که عنوان محارب بر آنان صادق نباشد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهند شد.

ماده ۶۱۱ - هر گاه دو نفر يا بيشتتر اجتماع و تباني بنمايند که عليه اعراض يا نفوس يا اموال مردم اقدام نمايند و مقدمات اجرائي را هم تدارك ديده باشند ولي بدون اراده خود موفق به اقدام نشوند حسب مراتب به حبس از ششماه تا سه سال محکوم خواهند شد.

فصل هفدهم - جرايم عليه اشخاص و اطفال

ماده ۶۱۲ - هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاكي نداشته يا شاكي داشته ولي از قصاص گذشت کرده باشد و يا بهر علت قصاص نشود در صورتيکه اقدام وي موجب اخلال در نظم و ميانيت و امنيت جامعه يا بيم تجري مرتکب يا ديگران گردد دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم مي‌نمايد.



تبصره (منسوخه ۱۳۹۹، ۰۲، ۲۳) - در اين مورد معاونت در قتل عمد موجب حبس از يك تا پنجسال خواهد بود.

ماده ۶۱۳ (منسوخه ۱۳۹۹، ۰۲، ۲۳) - هر گاه کسي شروع به قتل عمد نمايد ولي نتيجه منظور بدون اراده وي محقق نگردد به شش ماه تا سه سال حبس تعزيري محکوم خواهد شد.

ماده ۶۱۴ (اصلاحي ۱۳۹۹، ۰۲، ۲۳) - هر کس عمداً به ديگري جرح يا ضربي وارد آورد که موجب نقصان يا شکستن يا از کار افتادن عضوي از اعضا يا منتهي به مرض دايمي يا فقدان يا نقص يکي از حواس يا منافع يا زوال عقل مجني‌عليه گردد در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد چنانچه اقدام وي موجب اخلال در نظم و ميانيت و امنيت جامعه يا بيم تجري مرتکب يا ديگران گردد به حبس درجه شش محکوم خواهد شد و در صورت درخواست مجني‌عليه مرتکب به پرداخت ديه نیز محکوم مي‌شود.

تبصره - در صورتي که جرح وارده منتهي به ضايعات فوق نشود و آلت جرح اسلحه يا چاقو و امثال آن باشد مرتکب به سه ماه تا يك سال حبس محکوم خواهد شد.

ماده ۶۱۵ - هر گاه عده‌اي با يکديگر منازعه نمايند هر يك از شرکت‌کنندگان در نزاع حسب مورد به مجازات زير محکوم ميشوند:

۱ - در صورتي که نزاع منتهي به قتل شود به حبس از يك تا سه سال.

۲ - در صورتي که منتهي به نقص عضو شود به حبس از شش ماه تا سه سال.

۳ - در صورتي که منتهي به ضرب و جرح شود به حبس از سه ماه تا يك سال.

تبصره ۱ - در صورتي که اقدام شخص، دفاع مشروع تشخيص داده شود، مشمول اين ماده نخواهد بود.



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

تبصره ۲ - مجازاتهاي فوق مانع اجراي مقررات قصاص يا ديه حسب مورد نخواهد شد.

ماده ۶۱۶ - در صورتي که قتل غير عمد به واسطه بي احتياطي يا بي مبالاتي يا اقدام به امري که مرتکب در آن مهارت نداشته است يا به سبب عدم رعايت نظامات واقع شود، مسبب به حبس از يك تا سه سال و نيز به پرداخت ديه در صورت مطالبه از ناحیه اولياي دم محکوم خواهد شد مگر اینکه خطاي محض باشد.

تبصره - مقررات اين ماده شامل قتل غير عمد در اثر تصادف رانندگي نمي گردد.

ماده ۶۱۷ - هر کس به وسيله چاقو و يا هر نوع اسلحه ديگر تظاهر يا قدرت نمايي کند يا آن را وسيله مزاحمت اشخاص يا اخاذي يا تهديد قرار دهد يا با کسي گلاويز شود در صورتيکه از مصاديق محارب نباشد به حبس از شش ماه تا دو سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ماده ۶۱۸ - هر کس با هياهو و جنجال يا حرکات غير متعارف يا تعرض به افراد موجب اخلال نظم و آسايش و آرامش عمومي گردد يا مردم را از کسب و کار باز دارد به حبس از سه ماه تا يك سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ماده ۶۱۹ - هر کس در اماکن عمومي يا معابر متعرض يا مزاحم اطفال يا زنان بشود يا با الفاظ و حرکات مخالف شوون و حيثيت به آنان توهين نمايد به حبس از دو تا شش ماه و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.



ماده ۶۲۰ - هر گاه جرايم مذکور در مواد (۶۱۶) و (۶۱۷) و (۶۱۸) در نتيجه توطئه قبلي و دسته جمعي واقع شود هر يك از مرتکبين به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهند شد.

ماده ۶۲۱ - هر کس به قصد مطالبه وجه يا مال يا به قصد انتقام يا به هر منظور ديگري به عنف يا تهديد يا حيله يا به هر نحو ديگر شخصا يا توسط ديگري شخصي را بربايد يا مخفي کند به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد در صورتي که سن مجني عليه کمتر از پانزده سال تمام باشد يا ربودن توسط وسايل نقلیه انجام پذيرد يا به مجني عليه آسيب جسمي يا حيثيتي وارد شود، مرتکب به حداکثر مجازات تعيين شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرايم ديگر به مجازات آن جرم نيز محکوم ميگردد.

تبصره - مجازات شروع به ربودن سه تا پنج سال حبس است.

ماده ۶۲۲ - هر کس عالماً و عامداً به واسطه ضرب يا اذيت و آزار زن حامله، موجب سقط جنين وي شود، علاوه بر پرداخت ديه يا قصاص حسب مورد به حبس از يك تا سه سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۲۳ - هر کس به واسطه دادن ادويه يا وسايل ديگري موجب سقط جنين زن گردد به شش ماه تا يك سال حبس محکوم ميشود و اگر عالماً و عامداً زن حامله اي را دلالت به استعمال ادويه يا وسايل ديگري نمايد که جنين وي سقط گردد به حبس از سه تا شش ماه محکوم خواهد شد مگر اين که ثابت شود اين اقدام براي حفظ حيات مادر ميباشد و در هر مورد حکم به پرداخت ديه مطابق مقررات مربوط داده خواهد شد.

ماده ۶۲۴ - اگر طبيب يا ماما يا داروفروش و اشخاصي که به عنوان طبابت يا مامايي يا جراحي يا داروفروشي اقدام ميکنند وسايل سقط جنين فراهم سازند و يا مباشرت به اسقاط جنين نمايند به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد و حکم به پرداخت ديه مطابق مقررات مربوط صورت خواهد پذيرفت.

ماده ۶۲۵ (منسوخه ۱۳۹۲، ۰۲، ۰۱) - قتل و جرح و ضرب هر گاه در مقام دفاع از نفس يا عرض يا مال خود مرتکب يا شخص ديگري واقع شود با رعايت مواد ذيل مرتکب مجازات نمي شود مشروط بر اينکه دفاع متناسب با خطري باشد که مرتکب را تهديد ميکرده است.

تبصره - مقررات اين ماده در مورد دفاع از مال غير در صورتي قابل اجرا است که حفاظت مال غير به عهده دفاع کننده بوده يا صاحب مال استمداد نمايد.

ماده ۶۲۶ (منسوخه ۱۳۹۲، ۰۲، ۰۱) - در مورد هر فعلي که مطابق قانون جرم بر نفس يا عرض يا مال محسوب ميشود ولو اينکه از مامورين دولتي صادر گردد هر گونه مقاومت براي دفاع از نفس يا عرض يا مال جايز خواهد بود.

ماده ۶۲۷ (منسوخه ۱۳۹۲، ۰۲، ۰۱) - دفاع در مواقعي صادق است که: الف - خوف براي نفس يا عرض يا ناموس يا مال مستند به قرائن معقول باشد. ب - دفاع متناسب با حمله باشد. ج - توسل به قواي دولتي يا هر گونه وسيله آسانتري براي نجات ميسر نباشد.

ماده ۶۲۸ (منسوخه ۱۳۹۲، ۰۲، ۰۱) - مقاومت در مقابل نيروهاي انتظامي و ديگر ضابطين دادگستري در موقعي که مشغول انجام وظيفه خود باشند دفاع محسوب نمي شود ولي هر گاه اشخاص مزبور از حدود وظيفه خود خارج شوند و بر حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عمليات آنها موجب قتل يا جرح يا تعرض به عرض يا مال گردد در اين صورت دفاع در مقابل آنها نيز جايز است.

ماده ۶۲۹ (منسوخه ۱۳۹۲، ۰۲، ۰۱) - در موارد ذيل قتل عمدي به شرط آن که دفاع متوقف به قتل باشد مجازات نخواهد داشت:

الف - دفاع از قتل يا ضرب و جرح شديد يا آزار شديد يا دفاع از هتك ناموس خود و اقارب.

ب - دفاع در مقابل کسي که در صدد هتك عرض و ناموس ديگري به اکراه و عنف بر آيد.

ج - دفاع در مقابل کسي که در صدد سرقت و ربودن انسان يا مال او بر آيد.

ماده ۶۳۰ - هر گاه مرد ي همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبي مشاهده کند و علم به تمکين زن داشته باشد مي تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتي که زن مکره باشد فقط مرد را مي تواند به قتل برساند. حکم ضرب و جرح در اين مورد نيز مانند قتل است.



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۶۳۱ - هر کس طفلي را که تازه متولد شده است بدزدد يا مخفي کند يا او را بجاي طفل ديگري يا متعلق به زن ديگري غير از مادر طفل قلمداد نمايد به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و چنانچه احراز شود که طفل مزبور مرده بوده، مرتکب به یکصد هزار تا پانصد هزار ريال جزاي نقدي محکوم خواهد شد.

ماده ۶۳۲ - اگر کسي از دادن طفلي که به او سپرده شده است در موقع مطالبه اشخاصي که قانونا حق مطالبه دارند امتنا کند به مجازات از سه ماه تا شش ماه حبس يا به جزاي نقدي از يك ميليون و پانصد هزار تا سه ميليون ريال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۳۳ - هر گاه کسي شخصا يا به دستور ديگري طفل يا شخصي را که قادر به محافظت خود نمي‌باشد در محلي که خالي از سکنه است رها نمايد به حبس از شش ماه تا دو سال و يا جزاي نقدي از سه ميليون تا دوازده ميليون ريال محکوم خواهد شد و اگر در آبادي و جائيکه داراي سکنه باشد رها کند تا نصف مجازات مذکور محکوم خواهد شد و چنانچه اين اقدام سبب وارد آمدن صدمه يا آسيب يا فوت شود، رهاکننده علاوه بر مجازات فوق حسب مورد به قصاص يا ديه يا ارش نیز محکوم خواهد شد.

ماده ۶۳۴ - هر کس بدون مجوز مشروع نبش قبر نمايد به مجازات حبس از سه ماه و يك روز تا يك سال محکوم ميشود و هر گاه جرم ديگري نیز با نبش قبر مرتکب شده باشد به مجازات آن جرم هم محکوم خواهد شد.

ماده ۶۳۵ - هر کس بدون رعايت نظامات مربوط به دفن اموات جنازه‌اي را دفن کند يا سبب دفن آن شود يا آن را مخفي نمايد به جزاي نقدي از یکصد هزار تا يك ميليون ريال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۳۶ - هر کس جسد مقتولي را با علم به قتل مخفي کند يا قبل از اينکه به اشخاصي که قانونا مامور کشف و تعقيب جريم هستند خبر دهد آن‌را دفن نمايد به حبس از سه ماه و يك روز تا يك سال محکوم خواهد شد.

فصل هجدهم - جرايم ضد عفت و اخلاق عمومي

ماده ۶۳۷ - هر گاه زن و مردی که بين آنها علقه زوجيت نباشد، مرتکب روابط نامشروع يا عمل منافي عفت غير از زنا از قبيل تقبيل يا مضاجعه شوند، به شلاق تا نود و نه ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عفت و اکراه باشد فقط اکراه‌کننده تعزير مي‌شود.

ماده ۶۳۸ - هر کس علنا در انتظار و اماکن عمومي و معابر تظاهر به عمل حرامي نمايد، علاوه بر کيفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه يا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم ميگردد و در صورتي که مرتکب عملي شود که نفس آن عمل داراي کيفر نمي‌باشد ولي عفت عمومي را جريحه‌دار نمايد فقط به حبس از ده روز تا دو ماه يا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

تبصره - زناني که بدون حجاب شرعي در معابر و انتظار عمومي ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و يا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ريال جزاي نقدي محکوم خواهند شد.

ماده ۶۳۹ - افراد زیر به حبس از يك تا ده سال محکوم ميشوند و در مورد بند «الف» علاوه بر مجازات مقرر، محل مربوطه به طور موقت با نظردادگاه بسته خواهد شد:

الف - کسي که مرکز فساد يا فحشا دايير يا اداره کند

ب - کسي که مردم را به فساد يا فحشا تشويق نموده يا موجبات آن را فراهم نمايد.

تبصره - هر گاه بر عمل فوق عنوان قوادي صدق نمايد علاوه بر مجازات مذکور به حد قوادي نیز محکوم ميگردد.

ماده ۶۴۰ - اشخاص ذيل به حبس از سه ماه تا يك سال و جزاي نقدي از يك ميليون و پانصد هزار ريال تا شش ميليون ريال و تا (۷۴) ضربه شلاق يا به يك يا دو مجازات مذکور محکوم خواهند شد: ۱ - هر کس نوشته يا طرح، گراور، نقاشي، تصاویر، مطبوعات، اعلانات، علايم، فيلم، نوار سينما و يا بطور کلي هر چيز که عفت و اخلاف عمومي را جريحه‌دار نمايد براي تجارت يا توزيع به نمايش و معرض انتظار عمومي گذار يا بسازد يا براي تجارت و توزيع نگاهدارد. ۲ - هر کس اشياء مذکور را به منظور اهداف فوق شخصا يا به وسيله ديگري وارد يا صادر کند و يا به نحوي از انحاء متصدي يا واسطه تجارت و ياهر قسم معامله ديگر شود يا از کرايه دادن آن‌ها تحصيل مال نمايد. ۳ - هر کس اشياء فوق را به نحوي از انحاء منتشر نمايد يا آنها را به معرض انتظار عمومي بگذارد. ۴ - هر کس براي تشويق به معامله اشيائي مذکور در فوق و يا ترويج آن اشياء به نحوي از انحاء اعلان و يا فاعل يکي از اعمال ممنوعه فوق و يامحل بدست آوردن آن را معرفي نمايد.

تبصره ۱ - مفاد اين ماده شامل اشيائي نخواهد بود که با رعايت موازين شرعي و براي مقاصد علمي يا هر مصلحت حلال عقلاني ديگر تهيه يا خريد و فروش و مورد استفاده متعارف علمي قرار مي‌گيرد.

تبصره ۲ - اشيائي مذکور ضبط و محو آثار ميگردد و جهت استفاده لازم به دستگاه دولتي ذيربط تحويل خواهد شد.

ماده ۶۴۱ - هر گاه کسي به وسيله تلفن يا دستگاههاي مخابراتي ديگر براي اشخاص ايجاد مزاحمت نمايد علاوه بر اجراي مقررات خاص شرکت مخابرات، مرتکب به حبس از يك تا شش ماه محکوم خواهد شد.



فصل نوزدهم - جرايم بر ضد حقوق تکاليف خانوادگي

ماده ۶۴۲ (منسوخه ۱۲، ۱۳۹۱) - هر کس با داشتن استطاعت مالي نفقه زن خود را در صورت تمکين ندهد يا از تاديه نفقه ساير اشخاص واجب‌النفقه امتناع نمايد دادگاه‌او را از سه ماه و يك روز تا پنج ماه حبس محکوم مي‌نمايد.



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۶۴۳ - هر گاه کسی عالماً زن شوهردار یا زنی را که در عده دیگری است برای مردی عقد نماید به حبس از شش ماه تا سه سال یا از سه میلیون تا هجده میلیون ریال جزای نقدی و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم میشود و اگر دارای دفتر ازدواج و طلاق یا اسناد رسمی باشد برای همیشه از تصدی دفتر ممنوع خواهد گردید.

ماده ۶۴۴ - کسانی که عالماً مرتکب یکی از اعمال زیر شوند به حبس از شش ماه تا دو سال و یا از سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم میشوند:

۱ - هر زنی که در قید زوجیت یا عده دیگری است خود را به عقد دیگری درآورد در صورتیکه منجر به واقعه نگردد.

۲ - هر کسی که زن شوهردار یا زنی را که در عده دیگری است برای خود ترویج نماید در صورتیکه منتهی به واقعه نگردد.

ماده ۶۴۵ (منسوخه ۱۳۹۱، ۱۲، ۰۱) - به منظور حفظ کیان خانواده ثبت واقعه ازدواج دائم، طلاق و رجوع طبق مقررات الزامی است، چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی مبادرت به ازدواج دائم، طلاق و رجوع نماید به مجازات حبس تعزیری تا یکسال محکوم میگردد.

ماده ۶۴۶ (منسوخه ۱۳۹۱، ۱۲، ۰۱) - ازدواج قبل از بلوغ بدون اذن ولی ممنوع است چنانچه مردی با دختری که به حد بلوغ نرسیده بر خلاف مقررات ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی و تبصره ذیل آن ازدواج نماید به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم میگردد.

ماده ۶۴۷ - چنانچه هر یک از زوجین قبل از عقد ازدواج طرف خود را به امور واهی از قبیل داشتن تحصیلات عالی، تکمیل مالی، موقعیت اجتماعی، شغل و سمت خاص، تجرد و امثال آن فریب دهد و عقد بر مبنای هر یک از آنها واقع شود مرتکب به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم میگردد.

فصل بیستم - قسم و شهادت دروغ و افشاء سر

ماده ۶۴۸ - اطباء و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار میشوند هر گاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم میشوند.

ماده ۶۴۹ - هر کس در دعوای حقوقی یا جزائی که قسم متوجه او شده باشد سوگند دروغ یاد نماید به شش ماه تا دو سال حبس محکوم خواهد شد.

ماده ۶۵۰ - هر کس در دادگاه نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد به سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

تبصره - مجازات مذکور در این ماده علاوه بر مجازاتی است که در باب حدود و قصاص و دیات برای شهادت دروغ ذکر گردیده است.

فصل بیست و یکم - سرقت و ربودن مال غیر

ماده ۶۵۱ - هر گاه سرقت جامع شرایط حد نباشد ولی مقرون به تمام پنج شرط ذیل باشد مرتکب از پنج تا بیست سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم میگردد:

۱ - سرقت در شب واقع شده باشد.

۲ - سارقین دو نفر یا بیشتر باشند.

۳ - یک یا چند نفر از آنها حامل سلاح ظاهر یا مخفی بوده باشند.

۴ - از دیوار بالا رفته یا حرز را شکسته یا کلید ساختگی به کار برده یا اینکه عنوان یا لباس مستخدم دولت را اختیار کرده یا بر خلاف حقیقت خود را مأمور دولتی قلمداد کرده یا در جایی که محل سکنی یا مهیا برای سکنی یا توابع آن است سرقت کرده باشند.

۵ - در ضمن سرقت کسی را آزار یا تهدید کرده باشند.

ماده ۶۵۲ - هر گاه سرقت مقرون به آزار باشد و یا سارق مسلح باشد به حبس از سه ماه تا ده سال و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم میشود و اگر جرحی نیز واقع شده باشد علاوه بر مجازات جرح به حداکثر مجازات مذکور در این ماده محکوم میگردد.

ماده ۶۵۳ - هر کس در راهها و شوارع به نحوی از انحاء مرتکب راهزنی شود در صورتی که عنوان محارب بر او صادق نباشد به سه تا پانزده سال حبس و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم میشود.

ماده ۶۵۴ - هر گاه سرقت در شب واقع شده باشد و سارقین دو نفر یا بیشتر باشند و لااقل یک نفر از آنان حامل سلاح ظاهر یا مخفی باشد در صورتی که بر حامل اسلحه عنوان محارب صدق نکند جزای مرتکب یا مرتکبان حبس از پنج تا پانزده سال و شلاق تا (۷۴) ضربه میباشد.

ماده ۶۵۵ - مجازات شروع به سرقت‌های مذکور در مواد قبل تا پنج سال حبس و شلاق تا (۷۴) ضربه میباشد.

ماده ۶۵۶ - در صورتی که سرقت جامع شرایط حد نباشد و مقرون به یکی از شرایط زیر باشد مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم میشود:

۱ - سرقت در جایی که محل سکنی یا مهیا برای سکنی یا در توابع آن یا در محل‌های عمومی از قبیل مسجد و حمام و غیر اینها واقع شده باشد.

۲ - سرقت در جایی واقع شده باشد که به واسطه درخت و یا بوته یا پرچین یا نرده محرز بوده و سارق حرز را شکسته باشد.

۳ - در صورتی که سرقت در شب واقع شده باشد.

۴ - سارقین دو نفر یا بیشتر باشند.

۵ - سارق مستخدم بوده و مال مخدوم خود را دزدیده یا مال دیگری را در منزل مخدوم خود یا منزل دیگری که به اتفاق مخدوم به آن جا رفته یا شاگرد یا کارگر بوده و یا در محلی که معمولاً محل کار وی بوده از قبیل خانه، دکان، کارگاه، کارخانه و انبار سرقت نموده باشد.

۶ - هر گاه اداره‌کنندگان هتل و مسافرخانه و کاروانسرا و کاروان و بطور کلی کسانی که به اقتضای شغل اموالی در دسترس آنان است تمام یا قسمتی از آن را مورد دستبرد قرار دهند.



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۶۵۷ - هر کس مرتکب ربودن مال دیگری از طریق کیفزنی - جیب‌بری و امثال آن شود به حبس از يك تا پنج سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ماده ۶۵۸ - هر گاه سرقت در مناطق سیل یا زلزله‌زده یا جنگی یا آتش‌سوزی یا در محل تصادف رانندگی صورت پذیرد و حائز شرایط حد نباشد مرتکب به مجازات حبس از يك تا پنج سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ماده ۶۵۹ - هر کس وسائل و متعلقات مربوط به تأسیسات مورد استفاده عمومی که به هزینه دولت یا با سرمایه دولت یا سرمایه مشترک دولت و بخش غیر دولتی یا به وسیله نهادها و سازمان‌های عمومی غیر دولتی یا مؤسسات خیریه ایجاد یا نصب شده مانند تأسیسات بهره‌برداری آب و برق و گاز و غیره را سرقت نماید به حبس از يك تا پنج سال محکوم می‌شود و چنانچه مرتکب از کارکنان سازمان‌های مربوطه باشد به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

ماده ۶۶۰ (منسوخه ۱۰/۰۳/۱۳۹۶) - هرکس بدون پرداخت حق انشعاب آب و فاضلاب و برق و گاز و تلفن مبادرت به استفاده غیرمجاز از آب و برق و تلفن و گاز و شبکه فاضلاب نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به پرداخت جزای نقدی از يك تا دوبرابر خسارت وارده محکوم خواهد شد. چنانچه مرتکب از مأمورین شرکت‌های مذکور باشد به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۶۶۱ - در سایر موارد که سرقت مقرون به شرایط مذکور در مواد فوق نباشد مجازات مرتکب، حبس از سه ماه و يك روز تا دو سال و تا (۷۴) ضربه شلاق خواهد بود.

ماده ۶۶۲ - هر کس با علم و اطلاع یا با وجود قرائن اطمینان‌آور به اینکه مال در نتیجه ارتکاب سرقت بدست آمده است آن را به نحوی از انحاء تحصیل یا مخفی یا قبول نماید یا مورد معامله قرار دهد به حبس از ششماه تا سه سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. در صورتیکه متهم معامله اموال مسروقه را حرفه خود قرار داده باشد به حداکثر مجازات در این ماده محکوم می‌گردد.

ماده ۶۶۳ - هر کس عالماً در اشیاء و اموالی که توسط مقامات ذیصلاح توقیف شده است و بدون اجازه دخالت یا تصرفی نماید که منافی با توقیف باشد ولو مداخله‌کننده یا متصرف مالک آن باشد به حبس از سه ماه تا يك سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۶۴ - هر کس عالماً عامداً برای ارتکاب جرمی اقدام به ساخت کلید یا تغییر آن نماید یا هر نوع وسیله‌ای برای ارتکاب جرم بسازد، یا تهیه کند به حبس از سه ماه تا يك سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ماده ۶۶۵ - هر کس مال دیگری را بر باید و عمل او مشمول عنوان سرقت نباشد به حبس از شش ماه تا يك سال محکوم خواهد شد و اگر در نتیجه‌این کار صدمه‌ای به مجنی علیه وارد شده باشد به مجازات آن نیز محکوم خواهد شد.

ماده ۶۶۶ (منسوخه ۲۳/۰۲/۱۳۹۹) - در صورت تکرار جرم سرقت، مجازات سارق حسب مورد حداکثر مجازات مقرر در قانون خواهد بود.

تبصره - در تکرار جرم سرقت در صورتی که سارق سه فقره محکومیت قطعی به اتهام سرقت داشته باشد دادگاه نمی‌تواند از جهات مخففه در تعیین مجازات استفاده نماید.

ماده ۶۶۷ - در کلیه موارد سرقت و ربودن اموال مذکور در این فصل دادگاه علاوه بر مجازات تعیین شده سارق یا رباینده را به رد عین و در صورت فقدان عین به رد مثل یا قیمت مال مسروقه یا ربوده شده و جبران خسارت وارده محکوم خواهد نمود.

فصل بیست و دوم - تهدید و اکراه

ماده ۶۶۸ (اصلاحی ۲۳/۰۲/۱۳۹۹) - هرکس با جبر و قهر یا با اکراه و تهدید دیگری را ملزم به دادن نوشته یا سند یا امضاء و یا مهر نماید و یا سند و نوشته ای که متعلق به او یا سپرده به او می‌باشد را از وی بگیرد به حبس از چهل و پنج روز تا يك سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ماده ۶۶۹ (اصلاحی ۲۳/۰۲/۱۳۹۹) - هرگاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افشاء سري نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعم از این که به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترك فعلی را نموده یا ننموده باشد به مجازات شلاق تا (۷۴) ضربه یا زندان از يك ماه تا يك سال محکوم خواهد شد.

فصل بیست و سوم - ورشکستگی

ماده ۶۷۰ - کسانی که به عنوان ورشکستگی به تقلب محکوم می‌شوند به مجازات حبس از يك تا پنج سال محکوم خواهند شد.

ماده ۶۷۱ - مجازات ورشکسته به تقصیر از شش ماه تا دو سال حبس است.

ماده ۶۷۲ - هر گاه مدیر تصفیه در امر رسیدگی به ورشکستگی بین طلبکاران و تاجر ورشکسته مستقیماً یا مع‌الواسطه از طریق عقد قرارداد یا به‌طریق دیگر تبانی نماید به شش ماه تا سه سال حبس و یا به جزای نقدی از سه تا هیجده میلیون ریال محکوم می‌گردد.

فصل بیست و چهارم - خیانت در امانت

ماده ۶۷۳ (اصلاحی ۲۳/۰۲/۱۳۹۹) - هرکس از سفید مهر یا سفید امضایی که به او سپرده شده است یا به هر طریق به دست آورده سوء استفاده نماید به شش ماه تا يك سال و شش ماه حبس محکوم خواهد شد.



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

اده ۶۷۴ (اصلاحي ۰۲, ۰۲, ۱۳۹۹). هرگاه اموال منقول يا غير منقول يا نوشته هايي از قبيل سفته و چك و قبض و نظاير آن به عنوان اجاره يا امانت يا رهن يا براي وكالت يا هر كار با اجرت يا بي اجرت به كسي داده شده و بنابر اين بوده است كه اشياء مذكور مسترد شود يا به مصرف معيني برسد و شخصي كه آن اشياء نزد او بوده آنها را به ضرر مالكين يا متصرفين آنها استعمال يا تصاحب يا تلف يا مفقود نمايد به حبس از سه ماه تا يك سال و شش ماه محكوم خواهد شد.

فصل بيست و پنجم - احراق و تخریب و اتلاف اموال و حيوانات

ماده ۶۷۵ - هر كس عمداً عمارت يا بنا يا كشتي يا هواپيما يا كارخانه يا انبار و بطور كلي هر محل مسكوني يا معد براي سكني يا جنگل يا خرمن يا هر نوع محصول زراعي يا اشجار يا مزارع يا باغهاي متعلق به ديگري را آتش بزند به حبس از دو تا پنج سال محكوم مي‌شود.

تبصره ۱ - اعمال فوق در اين فصل در صورتي كه به قصد مقابله با حكومت اسلامي باشد مجازات محارب را خواهد داشت.

تبصره ۲ (منسوخه ۰۲, ۰۲, ۱۳۹۹) - مجازات شروع به جرائم فوق شش ماه تا دو سال حبس مي‌باشد.



ماده ۶۷۶ (اصلاحي ۰۲, ۰۲, ۱۳۹۹). هر كس ساير اشياء منقول متعلق به ديگري را آتش بزند به حبس از سه ماه تا يك سال و شش ماه محكوم خواهد شد.

ماده ۶۷۷ (اصلاحي ۰۲, ۰۲, ۱۳۹۹). هر كس عمداً اشياء منقول يا غير منقول متعلق به ديگري را تخریب نمايد يا به هر نحو كللاً يا بعضاً تلف نمايد و يا از كار اندازد به حبس از سه ماه تا يك سال و شش ماه، {و} در صورتي كه ميزان خسارت وارده يكصد ميليون (۰۰۰/ ۰۰۰/ ۱۰۰) ريال يا کمتر باشد به جزاي نقدي تا دو برابر معادل خسارت وارده محكوم خواهد شد.



ماده ۶۷۸ - هر گاه جرايم مذكور در مواد (۶۷۶) و (۶۷۷) به وسيله مواد منفجره واقع شده باشد مجازات مرتكب دو تا پنج سال حبس است.

ماده ۶۷۹ (اصلاحي ۰۲, ۰۲, ۱۳۹۹). هر كس به عمد و بدون ضرورت حيوان حلال گوشت متعلق به ديگري يا حيواناتي كه شكار آنها توسط دولت ممنوع اعلام شده است را بكشد يا مسموم يا تلف يا ناقص كند به حبس از چهل و پنج روز و دوازده ساعت تا سه ماه يا جزاي نقدي از يك ميليون و پانصد هزار ريال تا سه ميليون ريال محكوم خواهد شد.

ماده ۶۸۰ - هر كس بر خلاف مقررات و بدون مجوز قانوني اقدام به شكار يا صيد حيوانات و جانوران وحشي حفاظت شده نمايد به حبس از سه ماه تا سه سال و يا جزاي نقدي از يك و نيم ميليون ريال تا هجده ميليون ريال محكوم خواهد شد.

ماده ۶۸۱ - هر كس عالماً دفاتر و قبالة‌ها و ساير اسناد دولتي را بسوزاند يا به هر نحو ديگري تلف كند به حبس از دو تا ده سال محكوم خواهد شد.

ماده ۶۸۲ - هر كس عالماً هر نوع اسناد يا اوراق تجارتي و غير تجارتي غير دولتي را كه اتلاف آنها موجب ضرر غير است بسوزاند يا به هر نحو ديگر كشف كند به حبس از سه ماه تا دو سال محكوم خواهد شد.

ماده ۶۸۳ - هر نوع نهب و غارت و اتلاف اموال و اجناس و امتعه يا محصولات كه از طرف جماعتي بيش از سه نفر به نحو قهر و غلبه واقع شود چنانچه محارب شناخته نشوند به حبس از دو تا پنج سال محكوم خواهند شد.

ماده ۶۸۴ - هر كس محصول ديگري را بچراند يا تاكستان يا باغ ميوه يا نخلستان كسي را خراب كند يا محصول ديگري را قطع و درو نمايد يا به واسطه سرقت يا قطع آبي كه متعلق به آن است يا با اقدامات و وسايل ديگر خشك كند يا باعث تضییع آن بشود يا آسياب ديگري را از استفاده بياندازد به حبس از شش ماه تا سه سال و شلاق تا (۷۴) ضربه محكوم مي‌شود.

ماده ۶۸۵ - هر كس اصله نخل خرما را به هر ترتيب يا هر وسيله بدون مجوز قانوني از بين ببرد يا قطع نمايد به سه تا ششماه حبس يا از يك ميليون و پانصد هزار تا سه ميليون ريال جزاي نقدي يا هر دو مجازات محكوم خواهد شد.

ماده ۶۸۶ - هر كس درختان موضوع ماده يك قانون گسترش فضاي سبز را عالماً عامداً و بر خلاف قانون مذكور قطع يا موجبات از بين رفتن آنها را فراهم آورد علاوه بر جبران خسارت وارده حسب مورد به حبس تعزيري از شش ماه تا سه سال و يا جزاي نقدي از سه ميليون تا هيجده ميليون ريال محكوم خواهد شد.

ماده ۶۸۷ - هر كس در وسايل و تأسيسات مورد استفاده عمومي از قبيل شبكه‌هاي آب و فاضلاب، برق، نفت، گاز، پست و تلگراف و تلفن و مراكز فرکانس و ماکروويو (مخابرات) و راديو و تلويزيون و متعلقات مربوط به آنها اعم از سد و كانال و انشعاب لوله‌كشي و نيروگاههاي برق و خطوط انتقال نيرو و مخابرات (كابلهاي هوايي يا زميني يا نوري) و دستگاههاي توليد و توزيع و انتقال آنها كه به هزينه يا سرمايه دولت يا با سرمايه مشترك دولت و بخش غير دولتي يا توسط بخش خصوصي براي استفاده عمومي ايجاد شده و همچنين در علائم راهنمايي و رانندگي و ساير علائمي كه به منظور حفظ جان اشخاص يا تأمين تأسيسات فوق يا شوارع و جاده‌ها نصب شده است، مرتكب تخریب يا ايجاد حريق يا از كار انداختن يا هر نوع خرابكاري ديگر شود بدون آنكه منظور او اخلال در نظم و امنيت عمومي باشد به حبس از سه تا ده سال محكوم خواهد شد.

تبصره ۱ - در صوتي كه اعمال مذكور به منظور اخلال در نظم و امنيت جامعه و مقابله با حكومت اسلامي باشد مجازات محارب را خواهد داشت.

تبصره ۲ - مجازات شروع به جرائم فوق يك تا سه سال حبس است.



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۶۸۸ - هر اقدامي که تهدید علیه بهداشت عمومي شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدني یا توزیع آب آشامیدني آلوده، دفع غیربهداشتي فضولات انساني و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم‌کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابانها و کشتار غیر مجاز دام، استفاده غیر مجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه‌خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزي ممنوع میباشد و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجاز شدیدیتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد.

تبصره ۱ (اصلاحي ۱۳۷۶، ۰۵، ۰۸) - تشخیص این که اقدام مزبور تهدید علیه بهداشت عمومي و آلودگی محیط زیست شناخته می‌شود و نیز غیرمجاز بودن کشتار دام و دفع فضولات دامی و همچنین اعلام جرم مذکور حسب مورد بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان دامپزشکی خواهد بود.

تبصره ۲ - منظور از آلودگی محیط زیست عبارتست از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را بطوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد.

ماده ۶۸۹ - در تمام موارد مذکور در این فصل هر گاه حرق و تخریب و سایر اقدامات انجام شده منتهی به قتل یا نقص عضو یا جراحت و صدمه به انسانی شود مرتکب علاوه بر مجازاتهای مذکور حسب مورد به قصاص و پرداخت دیه و در هر حال به تأدیه خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد.

فصل بیست و ششم - در هتك حرمت منازل و املاك غیر

ماده ۶۹۰ - هر کس به وسیله صحنه‌سازی از قبیل پی‌کنی، دیوارکشی، تغییر حد فاصل، امحای مرز، کربندی، نهرکشی، حفر چاه، غرس اشجار وزارعت و امثال آن به تهیه آثار تصرف در اراضی مزروعی اعم از کشت شده یا در آیش زراعی، جنگلها و مراتع ملی شده، کوهستانها، باغها، قلمستانها، منابع آب، چشمه‌سارها، انهار طبیعی و پارکهای ملی، تأسیسات کشاورزي و دامداری و دامپروری و کشت و صنعت و اراضی موات و بایر و سایر اراضی و املاک متعلق به دولت یا شرکتهای وابسته به دولت یا شهرداریها یا اوقاف و همچنین اراضی و املاک و موقوفات و محبوسات و اثلاث باقیه که برای مصارف عام‌المنفعه اختصاص یافته یا اشخاص حقیقی یا حقوقی به منظور تصرف یا ذیحق معرفی کردن خود یا دیگری، مبادرت نماید یا بدون اجازه سازمان حفاظت محیط زیست یا مراجع ذیصلاح دیگر مبادرت به عملیاتی نماید که موجب تخریب محیط زیست و منابع طبیعی گردد یا اقدام به هر گونه تجاوز و تصرف عدوانی یا ایجاد مزاحمت یا ممانعت از حق در موارد مذکور نماید به مجازات یک ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شود.

دادگاه موظف است حسب مورد رفع تصرف عدوانی یا رفع مزاحمت یا ممانعت از حق یا اعاده وضع به حال سابق نماید.



تبصره ۱ - رسیدگی به جرائم فوق‌الذکر خارج از نوبت به عمل می‌آید و مقام قضایی با تنظیم صورتمجلس دستور متوقف ماندن عملیات متجاوز راتا صدور حکم قطعی خواهد داد.

تبصره ۲ - در صورتی که تعداد متهمان سه نفر یا بیشتر باشد و قرائن قوی بر ارتکاب جرم موجود باشد قرار بازداشت صادر خواهد شد، مدعی می‌تواند تقاضای خلع ید و قلع بنا و اشجار و رفع آثار تجاوز را بنماید.

ماده ۶۹۱ - هر کس به قهر و غلبه داخل ملکی شود که در تصرف دیگری است اعم از آنکه محصور باشد یا نباشد یا در ابتدای ورود به قهر و غلبه نبوده ولی بعد از اخطار متصرف به قهر و غلبه مانده باشد علاوه بر رفع تجاوز حسب مورد به یک تا شش ماه حبس محکوم می‌شود. هر گانه مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لااقل یکی از آنها حامل سلاح باشد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهند شد.

ماده ۶۹۲ - هر گاه کسی ملک دیگری را به قهر و غلبه تصرف کند علاوه بر رفع تجاوز به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۹۳ - اگر کسی به موجب حکم قطعی محکوم به خلع ید از مال غیر منقولی یا محکوم به رفع مزاحمت یا رفع ممانعت از حق شده باشد، بعداز اجرای حکم مجدداً مورد حکم را عدواناً تصرف یا مزاحت یا ممانعت از حق نماید علاوه بر رفع تجاوز به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۹۴ - هر کس در منزل یا مسکن دیگری به عنف یا تهدید وارد شود به مجازات از شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و در صورتی که مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لااقل یکی از آنها حامل سلاح باشد به حبس از یک تا شش سال محکوم می‌شوند.

ماده ۶۹۵ - چنانچه جرائم مذکور در مواد (۶۹۲) و (۶۹۳) در شب واقع شده باشد مرتکب به حداکثر مجازات محکوم می‌شود.

ماده ۶۹۶ - در کلیه مواردی که محکوم علیه علاوه بر محکومیت کیفری به رد عین یا مثل مال یا ادای قیمت یا پرداخت دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم محکوم شده باشد و از اجرای حکم امتناع نماید در صورت تقاضای محکوم‌له دادگاه با فروش اموال محکوم علیه بجز مستثنیات دین حکم را اجرا یا تا استیفاء حقوق محکوم‌له، محکوم علیه را بازداشت خواهد نمود.

تبصره - چنانچه محکوم علیه مدعی اعسار شود تا صدور حکم اعسار و یا پرداخت به صورت تقسیط بازداشت ادامه خواهد داشت.

فصل بیست و هفتم - در افتراء و توهين و هتك حرمت



ماده ۶۹۷ (اصلاحي ۱۳۹۹، ۰۲، ۲۳) - هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جرائد یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آنها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به جزای نقدی درجه شش محکوم خواهد شد.



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

تبصره - در مواردی که نشر آن امر اشاعه فحشا محسوب گردد هر چند بتواند صحت اسناد را ثابت نماید مرتکب به مجازات مذکور محکوم خواهد شد.

ماده ۶۹۸ (اصلاحي ۰۲, ۰۳, ۱۳۹۹). هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومي یا مقامات رسمي به وسیله نامه یا شکواییه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی با امضاء یا بدون امضاء اکاذیبی را اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را بر خلاف حقیقت رأساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمي تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از یک ماه تا یک سال و یا شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم شود.

ماده ۶۹۹ (اصلاحي ۰۲, ۰۳, ۱۳۹۹). هر کس عالماً عامداً به قصد متهم نمودن دیگری آلات و ادوات جرم یا اشیایی را که یافت شدن آن در تصرف یک نفر موجب اتهام او می گردد بدون اطلاع آن شخص در منزل یا محل کسب یا جیب یا اشیایی که متعلق به اوست بگذارد یا مخفی کند یا به نحوی متعلق به او قلمداد نماید و در اثر این عمل شخص مزبور تعقیب گردد، پس از صدور قرار منع تعقیب و یا اعلام براءت قطعی آن شخص، مرتکب به حبس از سه ماه تا یک سال و شش ماه و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می شود.

ماده ۷۰۰ (اصلاحي ۰۲, ۰۳, ۱۳۹۹). هر کس با نظم یا نثر یا به صورت کتبی یا شفاهی کسی را هجو کند و یا هجویه را منتشر نماید به حبس از پانزده روز تا سه ماه محکوم می شود.

فصل بیست و هشتم - تجاهر به استعمال مشروبات الکلي و قماربازي و ولگردی

ماده ۷۰۱ - هر کس متجاهراً و به نحو علن در اماکن و معابر و مجامع عمومی مشروبات الکلي استعمال نماید، علاوه بر اجرای حد شرعی شربخمر به دو تا شش ماه حبس تعزیری محکوم می شود.

ماده ۷۰۲ (اصلاحي ۰۲, ۰۸, ۱۳۸۷). هرکس مشروبات الکلي را بسازد یا بخرد یا بفروشد یا در معرض فروش قرار دهد یا حمل یا نگهداری کند یا در اختیار دیگری قرار دهد به شش ماه تا یک سال حبس و تا هفتاد و چهار (۷۴) ضربه شلاق و نیز پرداخت جزای نقدی به میزان پنج برابر ارزش عرفی (تجاری) کالای یادشده محکوم می شود.

ماده ۷۰۳ - هر کس مشروبات الکلي را بسازد یا بفروشد یا در معرض فروش قرار دهد یا از خارج وارد کند یا در اختیار دیگری قرار دهد به سه ماه تا یک سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق و از یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی یا یک یا دو مورد از آنها محکوم می شود.

ماده ۷۰۴ - هر کس محلی را برای شرب خمر دایر کرده باشد یا مردم را به آنجا دعوت کند به سه ماه تا دو سال حبس و (۷۴) ضربه شلاق و یا از یک میلیون و پانصد هزار تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی یا هر دو آنها محکوم خواهد شد و در صورتی که هر دو مورد را مرتکب شود به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۷۰۵ - قمار بازی با هر وسیله ای ممنوع و مرتکبین آن به یک تا شش ماه حبس و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می شوند و در صورت تجاهر به قماربازی به هر دو مجازات محکوم می گردند.

ماده ۷۰۶ - هر کس آلات و وسایل مخصوص به قماربازی را بخرد یا حمل یا نگهداری کند به یک تا سه ماه حبس یا تا پانصد هزار تا یک میلیون و پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم می شود.

ماده ۷۰۷ - هر کس آلات و وسایل مخصوص به قماربازی را بسازد یا بفروشد یا در معرض فروش قرار دهد یا از خارج وارد کند یا در اختیار دیگری قرار دهد به سه ماه تا یک سال حبس و یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شود.

ماده ۷۰۸ - هر کس قمارخانه دایر کند یا مردم را برای قمار به آنجا دعوت نماید به شش ماه تا دو سال حبس و یا از سه میلیون تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شود.

ماده ۷۰۹ - تمام اسباب و نقود متعلق به قمار حسب مورد معدوم یا به عنوان جریمه ضبط می شود.

ماده ۷۱۰ (منسوخه ۰۲, ۰۳, ۱۳۹۹). اشخاصی که در قمارخانه یا اماکن معد برای صرف مشروبات الکلي موضوع مواد (۷۰۱) و (۷۰۵) قبول خدمت کنند یا به نحوی از انحاء به دایرکننده این قبیل اماکن کمک نمایند معاون محسوب می شوند و مجازات مباشر در جرم را دارند ولی دادگاه می تواند نظر به اوضاع و احوال و میزان تأثیر عمل معاون مجازات را تخفیف دهد.

ماده ۷۱۱ - هر گاه یکی از ضابطین دادگستری و سایر مأمورین صلاحیتدار از وجود اماکن مذکور در مواد (۷۰۴) و (۷۰۵) و (۷۰۸) یا اشخاص مذکور در ماده (۷۱۰) مطلع بوده و مراتب را به مقامات ذیصلاح اطلاع ندهند یا بر خلاف واقع گزارش نمایند در صورتی که به موجب قانونی دیگر مجازات شدیدتری نداشته باشند به که سه تا شش ماه حبس یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می شوند.

ماده ۷۱۲ - هر کس تکدی یا کلاشی را پیشه خود قرار داده باشد و از این راه امرای معاش نماید یا ولگردی نماید به حبس از یک تا سه ماه محکوم خواهد شد و چنانچه با وجود توان مالی مرتکب عمل فوق شود علاوه بر مجازات مذکور کلیه اموالی که از طریق تکدی و کلاشی بدست آورده است مصادره خواهد شد.

ماده ۷۱۳ - هر کس طفل صغیر یا غیر رشیدی را وسیله تکدی قرار دهد یا افرادی را به این امر بگمارد به سه ماه تا دو سال حبس و استرداد کلیه اموالی که از طریق به دست آورده است محکوم خواهد شد.

فصل بیست و نهم - در جرایم ناشی از تخلفات رانندگی



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۷۱۴ - هر گاه بي‌احتياطي يا بي‌مبالاتي يا عدم رعايت نظامات دولتي يا عدم مهارت راننده (اعم از وسائط نقلیه زميني يا آبي يا هوايي) يامتصدي وسيله موتوري منتهي به قتل غير عمدي شود مرتكب به شش ماه تا سه سال حبس و نیز به پرداخت ديه در صورت مطالبه از ناحیه اوليای دم‌محکوم مي‌شود.



ماده ۷۱۵ - هر گاه يکي از جهات مذکور در ماده (۷۱۴) موجب مرض جسمي يا دماغي که غير قابل علاج باشد و يا از بين رفتن يکي از حواس يا ازکار افتادن عضوي از اعضاء بدن که يکي از وظيف ضروري زندگي انسان را انجام مي‌دهد يا تغيير شکل دائمي عضو يا صورت شخص يا سقط جنين‌شود مرتكب به حبس از دو ماه تا يك سال و به پرداخت ديه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم مي‌شود.

ماده ۷۱۶ (اصلاحي ۱۳۹۹، ۰۲، ۲۳) - هرگاه يکي از جهات مذکور در ماده (۷۱۴) موجب صدمه بدني شود که باعث نُقصان يا ضعف دائم يکي از منافع يا يکي از اعضاي بدن شود و يا باعث از بين رفتن قسمتي از عضو مصدوم گردد، بدون آنکه عضو از کار بيافتد يا باعث وضعِ حَمَل زن قبل از موعد طبيعي شود مرتكب به حبس از يك ماه تا سه ماه و پرداخت ديه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم خواهد شد.

ماده ۷۱۷ (اصلاحي ۱۳۹۹، ۰۲، ۲۳) - هرگاه يکي از جهات مذکور در ماده (۷۱۴) موجب صدمه بدني شود مرتكب به حبس از پانزده تا هفتاد و پنج روز و پرداخت ديه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم مي‌شود.



ماده ۷۱۸ - در مورد مواد فوق هر گاه راننده يا متصدي وسايل موتوري در موقع وقوع جرم مست بوده يا پروانه نداشته يا زيادتر از سرعت مقرر حرکت مي‌کرده است يا آن که دستگاه موتوري را با وجود نقص و عيب مکانيکي مؤثر در تصادف به کار انداخته يا در محل‌هايي که براي عبور پياده روعلامت مخصوص گذارده شده است، مراعات لازم ننمايد و يا از محل‌هايي که عبور از آن ممنوع گرديده است رانندگي نموده به بيش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد فوق محکوم خواهد شد. دادگاه مي‌تواند علاوه بر مجازات فوق مرتكب را براي مدت يك تا پنج سال از حق رانندگي يا تصدي وسايل موتوري محروم نمايد.



تبصره - اعمال مجازات موضوع مواد (۷۱۴) و (۷۱۸) اين قانون از شمول بند (۱) ماده (۲) قانون وصول برخي از درآمدهاي دولت و مصرف آن در موارد معين مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ مجلس شوراي اسلامي مستثني مي‌باشد.

ماده ۷۱۹ - هر گاه مصدوم احتياج به کمک فوري داشته و راننده با وجود امکان رساندن مصدوم به مراکز درمانی و يا استمداد از مأمورين انتظامي از اين کار خودداري کند و يا به منظور فرار از تعقيب محل حادثه را ترک و مصدوم را رها کند حسب مورد به بيش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد (۷۱۴) و (۷۱۵) و (۷۱۶) محکوم خواهد شد. دادگاه نمي‌تواند در مورد اين ماده اعمال کيفيت مخففه نمايد.

تبصره ۱ - راننده در صورتي مي‌تواند براي انجام تکاليف مذکور در اين ماده وسيله نقلیه را از صحنه حادثه حرکت دهد که براي کمک رسانيدن به مصدوم توسل به طريق ديگر ممکن نباشد

تبصره ۲ - در تمام موارد مذکور هر گاه راننده مصدوم را به نقايي براي معالجه و استراحت برساند و يا مأمورين مربوطه را از واقعه آگاه کند و يا به‌هر نحوي موجبات معالجه و استراحت و تخفيف آلام مصدوم را فراهم کند دادگاه مقررات تخفيف را درباره او رعايت خواهد نمود.

ماده ۷۲۰ - هر کس در ارقام و مشخصات پلاک وسايل نقلیه موتوري زميني، آبي يا کشاورزي تغيير دهد و يا پلاک وسيله نقلیه موتوري ديگري را به‌آن الصاق نمايد يا براي آن پلاک تقبلي بکار برد يا چنين وسايلي را با علم به تغيير و يا تعويض پلاک تقبلي مورد استفاده قرار دهد و همچنين هر کس به‌نحوي از انحاء در شماره شاسي، موتور يا پلاک وسيله نقلیه موتوري و يا پلاکهاي موتور و شاسي که از طرف کارخانه سازنده حک يا نصب شده بدون تحصيل مجوز از راهنماي و رانندگي تغيير دهد و آن را از صورت اصلي کارخانه خارج کند به حبس از شش ماه تا يك سال محکوم خواهد شد.

ماده ۷۲۱ - هر کس بخواهد وسيله نقلیه موتوري را اوراق کند مکلف است مراتب را با تعيين محل توقف وسيله نقلیه به راهنمايي و رانندگي محل اطلاع دهد، راهنمايي و رانندگي محل بايد ظرف مدت يك هفته اجازه اوراق کردن وسيله نقلیه را بدهد و اگر به دلایلي با اوراق کردن موافقت ندارد تصميم قطعي خود را ظرف همان مدت با ذکر دليل به متقاضي ابلاغ نمايد، هر گاه راهنمايي و رانندگي هيچگونه اقدامي در آن مدت نکرد اوراق کردن وسيله نقلیه پس از انقضاي مدت مجاز است. تخلف از اين ماده براي اوراق‌کننده موجب محکوميت از دو ماه تا يك سال حبس خواهد بود.

ماده ۷۲۲ - چنانچه وسيله موتوري يا پلاک آن سرقت يا مفقود شود، شخصي که وسيله در اختيار و تصرف او بوده است اعم از آن که مالک بوده يانبوده پس از اطلاع مکلف است بلافاصله مراتب را به نزديکترين مرکز نيروي انتظامي اعلام نمايد، متخلف از اين ماده به جزاي نقدي از پانصد هزار تا يك ميليون ريال محکوم خواهد شد.

ماده ۷۲۳ - هر کس بدون گواهينامه رسمي اقدام به رانندگي و يا تصدي وسايل موتوري که مستلزم داشتن گواهينامه مخصوص است، بنمايد و همچنين هر کس به موجب حکم دادگاه از رانندگي وسايل نقلیه موتوري ممنوع باشد به رانندگي وسائل مزبور مبادرت ورزد براي بار اول به حبس تعزيري تا دو ماه يا جزاي نقدي تا يك ميليون ريال و يا هر دو مجازات و در صورت ارتکاب مجدد به دو ماه تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد.



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۷۲۴ - هر راننده وسیله نقلیه‌ای که در دستگاه ثبت سرعت وسیله نقلیه عمداً تغییری دهد که دستگاه سرعتی کمتر از سرعت واقعی نشان دهد و یا با علم به اینکه چنین تغییری در دستگاه مزبور داده شده با آن وسیله نقلیه رانندگی کند برای بار اول به حبس از ده روز تا دو ماه و یا جزای نقدی از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال و یا هر دو مجازات و در صورت تکرار به دو تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد.

ماده ۷۲۵ - هر يك از مأمورین دولت که متصدی تشخیص مهارت و دادن گواهینامه رانندگی هستند اگر به کسی که واجد شرایط رانندگی نبوده پروانه بدهند به حبس تعزیری از شش ماه تا يك سال و به پنج سال انفصال از خدمات دولتی محکوم خواهند شد و پروانه صادره نیز ابطال می‌گردد.

ماده ۷۲۶ (منسوخه ۰۲/۰۳/۱۳۹۲) - هر کس در جرائم تعزیری معاونت نماید حسب مورد به حداقل مجازات مقرر در قانون برای همان جرم محکوم میشود.



ماده ۷۲۷ (منسوخه ۰۲/۰۳/۱۳۹۲) - جرائم مندرج در مواد ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، قسمت اخیر ماده ۵۹۶، ۶۰۸، ۶۲۲، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۴۲، ۶۴۸، ۶۶۹، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۹، ۶۸۲، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۹۰، ۶۹۲، ۶۹۴، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹ و ۷۰۰ جز با شکایت شاکی خصوصی تعقیب نمیشود و در صورتی که شاکی خصوصی گذشت نماید دادگاه می‌تواند در مجازات مرتکب تخفیف دهد و یا با رعایت موازین شرعی از تعقیب مجرم صرفنظر نماید.

ماده ۷۲۸ (منسوخه ۰۲/۰۳/۱۳۹۲) - قاضی دادگاه می‌تواند با ملاحظه خصوصیات جرم و مجرم و دفعات ارتکاب جرم در موقع صدور حکم و در صورت لزوم از مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق و مجازاتهای تکمیلی و تبدیلی از قبیل قطع موقت خدمات عمومی حسب مورد استفاده نماید.

فصل جرایم رایانه‌ای (الحاقی ۰۵/۰۳/۱۳۸۸)

بخش یکم (الحاقی ۰۵/۰۳/۱۳۸۸) - جرایم و مجازاتها

فصل یکم (الحاقی ۰۵/۰۳/۱۳۸۸) - جرایم علیه محرمانگی داده‌ها و سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی

مبحث یکم (الحاقی ۰۵/۰۳/۱۳۸۸) - دسترسی غیرمجاز

ماده ۷۲۹ (الحاقی ۰۵/۰۳/۱۳۸۸) - هرکس به طور غیرمجاز به داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که به وسیله تدابیر امنیتی حفاظت شده است دسترسی یابد، به حبس از نود و یک روز تا يك سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

مبحث دوم (الحاقی ۰۵/۰۳/۱۳۸۸) - شنود غیرمجاز

ماده ۷۳۰ (الحاقی ۰۵/۰۳/۱۳۸۸) - هرکس به طور غیرمجاز محتوای در حال انتقال ارتباطات غیرعمومی در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا امواج الکترومغناطیسی یا نوری را شنود کند، به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

مبحث سوم (الحاقی ۰۵/۰۳/۱۳۸۸) - جاسوسی رایانه‌ای

ماده ۷۳۱ (الحاقی ۰۵/۰۳/۱۳۸۸) - هرکس به طور غیرمجاز نسبت به داده‌های سری در حال انتقال یا ذخیره شده در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حاملهای داده مرتکب اعمال زیر شود، به مجازاتهای مقرر محکوم خواهد شد:

الف) (الحاقی ۰۵/۰۳/۱۳۸۸) دسترسی به داده‌های مذکور یا تحصیل آنها یا شنود محتوای سری در حال انتقال، به حبس از يك تا سه سال یا جزای نقدی از بیست میلیون (۲۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا شصت میلیون (۶۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات.

ب) (الحاقی ۰۵/۰۳/۱۳۸۸) در دسترس قرار دادن داده‌های مذکور برای اشخاص فاقد صلاحیت، به حبس از دو تا ده سال.

ج) (الحاقی ۰۵/۰۳/۱۳۸۸) افشاء یا در دسترس قرار دادن داده‌های مذکور برای دولت، سازمان، شرکت یا گروه بیگانه یا عاملان آنها، به حبس از پنج تا پانزده سال.

ماده ۷۳۲ (الحاقی ۰۵/۰۳/۱۳۸۸) - هرکس به قصد دسترسی به داده‌های سری موضوع ماده (۳) این قانون، تدابیر امنیتی سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی را نقض کند، به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۷۳۳ (الحاقی ۰۵/۰۳/۱۳۸۸) - چنانچه مأموران دولتی که مسؤول حفظ داده‌های سری مقرر در ماده (۳) این قانون یا سامانه‌های مربوط هستند و به آنها آموزش لازم داده شده است یا داده‌ها یا سامانه‌های مذکور در اختیار آنها قرار گرفته است بر اثر بیاحتیاطی، بیمبالایی یا عدم رعایت تدابیر امنیتی موجب دسترسی اشخاص فاقد صلاحیت به داده‌ها، حاملهای داده یا سامانه‌های مذکور شوند، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات و انفصال از خدمت از شش ماه تا دو سال محکوم خواهند شد.

فصل دوم (الحاقی ۰۵/۰۳/۱۳۸۸) - جرائم علیه صحت و تمامیت داده‌ها و سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی

مبحث یکم (الحاقی ۰۵/۰۳/۱۳۸۸) - جعل رایانه‌ای



قانون مجازات اسلامی - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۷۳۴ (الحاقی ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) - هرکس به طور غیرمجاز مرتکب اعمال زیر شود، جاعل محسوب و به حبس از یک تا پنج سال یا جزای نقدی از بیست میلیون (۲۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد:

الف) (الحاقی ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) تغییر یا ایجاد داده‌های قابل استناد یا ایجاد یا وارد کردن متقلبانة داده به آنها،

ب) (الحاقی ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) تغییر داده‌ها یا علائم موجود در کارتهای حافظه یا قابل پردازش در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا تراشه‌ها یا ایجاد یا وارد کردن متقلبانة داده‌ها یا علائم به آنها.

ماده ۷۳۵ (الحاقی ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) - هرکس با علم به مجعول بودن داده‌ها یا کارتها یا تراشه‌ها از آنها استفاده کند، به مجازات مندرج در ماده فوق محکوم خواهد شد.

مبحث دوم (الحاقی ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) - تخریب و اخلال در داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی

ماده ۷۳۶ (الحاقی ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) - هر کس به طور غیرمجاز داده‌های دیگری را از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده حذف یا تخریب یا مختل یا غیرقابل پردازش کند به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۷۳۷ (الحاقی ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) - هر کس به طور غیرمجاز با اعمالی از قبیل وارد کردن، انتقال دادن، پخش، حذف کردن، متوقف کردن، دستکاری یا تخریب داده‌ها یا امواج الکترومغناطیسی یا نوری، سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی دیگری را از کار بیندازد یا کارکرد آنها را مختل کند، به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۷۳۸ (الحاقی ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) - هرکس به طور غیرمجاز با اعمالی از قبیل مخفی کردن داده‌ها، تغییر گذرواژه یا رمزنگاری داده‌ها مانع دسترسی اشخاص مجاز به داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی شود، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۷۳۹ (الحاقی ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) - هرکس به قصد به خطر انداختن امنیت، آسایش و امنیت عمومی اعمال مذکور در مواد (۸)، (۹) و (۱۰) این قانون را علیه سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی که برای ارائه خدمات ضروری عمومی به کار می‌روند، از قبیل خدمات درمانی، آب، برق، گاز، مخابرات، حمل و نقل و بانکداری مرتکب شود، به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهد شد.

فصل سوم (الحاقی ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) - سرقت و کلاهبرداری مرتبط با رایانه

ماده ۷۴۰ (الحاقی ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) - هرکس به طور غیرمجاز داده‌های متعلق به دیگری را برآید، چنانچه عین داده‌ها در اختیار صاحب آن باشد، به جزای نقدی از یک میلیون (۱.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال و در غیر این صورت به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۷۴۱ (الحاقی ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) - هرکس به طور غیرمجاز از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی با ارتکاب اعمالی از قبیل وارد کردن، تغییر، محو، ایجاد یا متوقف کردن داده‌ها یا مختل کردن سامانه، وجه یا مال یا منفعت یا خدمات یا امتیازات مالی برای خود یا دیگری تحصیل کند علاوه بر رد مال به صاحب آن به حبس از یک تا پنج سال یا جزای نقدی از بیست میلیون (۲۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

فصل چهارم (الحاقی ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) - جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی

ماده ۷۴۲ (الحاقی ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) - هرکس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده محتویات مستهجن را منتشر، توزیع یا معامله کند یا به قصد تجارت یا افساد تولید یا ذخیره یا نگهداری کند، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۷۴۳ (الحاقی ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) - هرکس از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده مرتکب اعمال زیر شود، به ترتیب زیر مجازات خواهد شد:

الف) (الحاقی ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) چنانچه به منظور دستیابی افراد به محتویات مستهجن، آنها را تحریک، ترغیب، تهدید یا تطمیع کند یا فریب دهد یا شیوه دستیابی به آنها را تسهیل نموده یا آموزش دهد، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ارتکاب این اعمال در خصوص محتویات مبتذل موجب جزای نقدی از دومیلیون (۲.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال است

ب) (الحاقی ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) چنانچه افراد را به ارتکاب جرائم منافی عفت یا استعمال مواد مخدر یا روانگردان یا خودکشی یا انحرافات جنسی یا اعمال خشونت‌آمیز تحریک یا ترغیب یا تهدید یا دعوت کرده یا فریب دهد یا شیوه ارتکاب یا استعمال آنها را تسهیل کند یا آموزش دهد، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم می‌شود.

فصل پنجم (الحاقی ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) - هتک حیثیت و نشر اکاذیب



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۷۴۴(الحاقی ۵، ۳، ۱۳۸۸) - هرکس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، فیلم یا صوت یا تصویر دیگری را تغییر دهد یا تحریف کند و آن را منتشر یا با علم به تغییر یا تحریف منتشر کند، به نحوی که عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰)ریال تا چهل میلیون (۴۰.۰۰۰.۰۰۰)ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۷۴۵(الحاقی ۵، ۳، ۱۳۸۸) - هرکس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او جز در موارد قانونی منتشر کند یا در دسترس دیگران قرار دهد، به نحوی که منجر به ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰)ریال تا چهل میلیون (۴۰.۰۰۰.۰۰۰)ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۷۴۶(الحاقی ۵، ۳، ۱۳۸۸) - هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله سامانه رایانه ای یا مخابراتی اکاذیبی را منتشر نماید یا در دسترس دیگران قرار دهد یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت، رأساً یا به عنوان نقل قول، به شخص حقیقی یا حقوقی به طور صریح یا تلویحی نسبت دهد، اعم از اینکه از طریق یاد شده به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به دیگری وارد شود یا نشود، افزون بر اعاده حیثیت (در صورت امکان)، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰)ریال تا چهل میلیون (۴۰.۰۰۰.۰۰۰)ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

فصل ششم (الحاقی ۵، ۳، ۱۳۸۸) - مسؤولیت کیفری اشخاص

ماده ۷۴۷(الحاقی ۵، ۳، ۱۳۸۸) - در موارد زیر، چنانچه جرائم رایانه‌ای به نام شخص حقوقی و در راستای منافع آن ارتکاب یابد، شخص حقوقی دارای مسؤولیت کیفری خواهد بود:

الف)(الحاقی ۵، ۳، ۱۳۸۸) هرگاه مدیر شخص حقوقی مرتکب جرم رایانه‌ای شود.

ب)(الحاقی ۵، ۳، ۱۳۸۸) هرگاه مدیر شخص حقوقی دستور ارتکاب جرم رایانه‌ای را صادر کند و جرم به وقوع بپیوندد.

ج)(الحاقی ۵، ۳، ۱۳۸۸) هرگاه یکی از کارمندان شخص حقوقی با اطلاع مدیر یا در اثر عدم نظارت وی مرتکب جرم رایانه‌ای شود.

د)(الحاقی ۵، ۳، ۱۳۸۸) هرگاه تمام یا قسمتی از فعالیت شخص حقوقی به ارتکاب جرم رایانه‌ای اختصاص یافته باشد.

ماده ۷۴۸(الحاقی ۵، ۳، ۱۳۸۸) - اشخاص حقوقی موضوع ماده فوق، با توجه به شرایط و اوضاع و احوال جرم ارتکابی، میزان درآمد و نتایج حاصله از ارتکاب جرم، علاوه بر سه تا شش برابر حداکثر جزای نقدی جرم ارتکابی، به ترتیب ذیل محکوم خواهند شد:

الف)(الحاقی ۵، ۳، ۱۳۸۸) چنانچه حداکثر مجازات حبس آن جرم تا پنج سال حبس باشد، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا نه ماه و در صورت تکرار جرم تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا پنج سال.

ب)(الحاقی ۵، ۳، ۱۳۸۸) چنانچه حداکثر مجازات حبس آن جرم بیش از پنج سال حبس باشد، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا سه سال و در صورت تکرار جرم، شخص حقوقی منحل خواهد شد.

ماده ۷۴۹(الحاقی ۵، ۳، ۱۳۸۸) - ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی موظفند طبق ضوابط فنی و فهرست مقرر از سوی کارگروه(کمیته) تعیین مصادیق موضوع ماده ذیل محتوای مجرمانه که در چهارچوب قانون تنظیم شده است اعم از محتوای ناشی از جرائم رایانه ای و محتوایی که برای ارتکاب جرائم رایانه ای به کار می رود را پالایش (فیلتر) کنند. در صورتی که عمداً از پالایش(فیلتر) محتوای مجرمانه خودداری کنند، منحل خواهند شد و چنانچه از روی بیاحتیاطی و بیمبالاتی زمینه دسترسی به محتوای غیرقانونی را فراهم آورند، در مرتبه نخست به جزای نقدی از بیست میلیون (۲۰.۰۰۰.۰۰۰)ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰)ریال و در مرتبه دوم به جزای نقدی از یکصد میلیون (۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰)ریال تا یک میلیارد (۱.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰)ریال و در مرتبه سوم به یک تا سه سال تعطیلی موقت محکوم خواهند شد.

ماده ۷۵۰(الحاقی ۵، ۳، ۱۳۸۸) - قوه قضاییه موظف است ظرف یک ماه از تاریخ تصویب این قانون کارگروه(کمیته)تعیین مصادیق محتوای مجرمانه را در محل دادستانی کل کشور تشکیل دهد. وزیر یا نماینده وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، ارتباطات و فناوری اطلاعات، اطلاعات، دادگستری، علوم، تحقیقات و فناوری، فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، رئیس سازمان صدا و سیما و فرمانده نیروی انتظامی، یک نفر خبره در فناوری اطلاعات و ارتباطات به انتخاب کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی و یک نفر از نمایندگان عضو کمیسیون قضائی و حقوقی به انتخاب کمیسیون قضائی و تأیید مجلس شورای اسلامی اعضای کارگروه(کمیته) را تشکیل خواهند داد. ریاست کارگروه(کمیته) به عهده دادستان کل کشور خواهد بود.

ماده ۷۵۱(الحاقی ۵، ۳، ۱۳۸۸) - ارائه دهندگان خدمات میزبانی موظفند به محض دریافت دستور کارگروه(کمیته) تعیین مصادیق مذکور در ماده فوق یا مقام قضائی رسیدگی کننده به پرونده مبني بر وجود محتوای مجرمانه در سامانه های رایانه‌ای خود از ادامه دسترسی به آن ممانعت به عمل آورند. چنانچه عمداً از اجرای دستور کارگروه(کمیته) یا مقام قضائی خودداری کنند، منحل خواهند شد. در غیر این صورت، چنانچه در اثر بی احتیاطی و بی مبالاتی زمینه دسترسی به محتوای مجرمانه مزبور را فراهم کنند، در مرتبه نخست به جزای نقدی از بیست میلیون(۲۰.۰۰۰.۰۰۰)ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰)ریال و در مرتبه دوم به یکصد میلیون(۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰)ریال تا یک میلیارد(۱.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰)ریال و در مرتبه سوم به یک تا سه سال تعطیلی موقت محکوم خواهند شد.

ماده ۷۵۲(الحاقی ۵، ۳، ۱۳۸۸) - هرکس بدون مجوز قانونی از پهنای باند بینالمللی برای برقراری ارتباطات مخابراتی مبتنی بر پروتکل اینترنتی از خارج ایران به داخل یا برعکس استفاده کند. به حبس از یک تا سه سال یا جزای نقدی از یکصد میلیون(۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰)ریال تا یک میلیارد(۱.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰)ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

فصل هفتم (الحاقي ۰۳, ۰۵, ۱۳۸۸). ساير جرائم

ماده ۷۵۳ (الحاقي ۰۳, ۰۵, ۱۳۸۸) - هر شخصي که مرتكب اعمال زیر شود، به حبس از نود و يك روز تا يك سال يا جزاي نقدي از پنج ميليون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ريال تا بيست ميليون (۲۰.۰۰۰.۰۰۰) ريال يا هر دو مجازات محكوم خواهد شد:

الف) (الحاقي ۰۳, ۰۵, ۱۳۸۸) توليد يا انتشار يا توزيع و در دسترس قرار دادن يا معامله داده‌ها يا نرمافزارها يا هر نوع ابزار الكترونيكي که صرفاً به منظور ارتكاب جرائم رایانهاي به کار ميرود.

ب) (الحاقي ۰۳, ۰۵, ۱۳۸۸) فروش يا انتشار يا در دسترس قرار دادن گذرواژه يا هر داده‌اي که امکان دسترسي غيرمجاز به داده‌ها يا سامانه‌هاي رایانهاي يا مخابراتي متعلق به ديگري را بدون رضایت او فراهم میکند.

ج) (الحاقي ۰۳, ۰۵, ۱۳۸۸) انتشار يا در دسترس قرار دادن محتويات آموزش دسترسي غيرمجاز، شنود غيرمجاز، جاسوسي رایانه اي و تخريب و اخلاّل در داده ها يا سيستم هاي رایانه اي و مخابراتي.

فصل هشتم (الحاقي ۰۳, ۰۵, ۱۳۸۸). تشديد مجازاتها

ماده ۷۵۴ (الحاقي ۰۳, ۰۵, ۱۳۸۸) - در موارد زیر، حسب مورد مرتكب به بیش از دوسوم حداکثر يك يا دو مجازات مقرر محكوم خواهد شد:

الف) (الحاقي ۰۳, ۰۵, ۱۳۸۸) هر يك از کارمندان و کارکنان ادارها و سازمانها يا شوراها و يا شهرداریها و موسسه ها و شرکتهاي دولتي و يا وابسته به دولت يا نهادهاي انقلابي و بنيادها و مؤسسه هايي که زیر نظر ولي فقيه اداره مي شوند و ديوان محاسبات و مؤسسه هايي که با کمک مستمر دولت اداره مي شوند و يا دارندگان پايه قضائي و به طور کلي اعضاء و کارکنان قواي سه گانه و همچنين نيروهاي مسلح و مأموران به خدمت عمومي اعم از رسمي و غيررسمي به مناسبت انجام وظيفه مرتكب جرم رایانهاي شده باشند.

ب) (الحاقي ۰۳, ۰۵, ۱۳۸۸) متصدي يا متصرف قانوني شبكه‌هاي رایانهاي يا مخابراتي که به مناسبت شغل خود مرتكب جرم رایانه اي شده باشد.

ج) (الحاقي ۰۳, ۰۵, ۱۳۸۸) داده‌ها يا سامانه‌هاي رایانهاي يا مخابراتي، متعلق به دولت يا نهادها و مراکز ارائه دهنده خدمات عمومي باشد.

د) (الحاقي ۰۳, ۰۵, ۱۳۸۸) جرم به صورت سازمان يافته ارتكاب يافته باشد.

ه) (الحاقي ۰۳, ۰۵, ۱۳۸۸). جرم در سطح گستردهاي ارتكاب يافته باشد.

ماده ۷۵۵ (الحاقي ۰۳, ۰۵, ۱۳۸۸) - در صورت تکرار جرم براي بیش از دو بار دادگاه مي تواند مرتكب را از خدمات الكترونيكي عمومي از قبيل اشتراك اينترنت، تلفن همراه، اخذ نام دامنه مرتبه بالاي کشوري و بانکداري الكترونيكي محروم کند:

الف) (الحاقي ۰۳, ۰۵, ۱۳۸۸) چنانچه مجازات حبس آن جرم نود و يك روز تا دو سال حبس باشد، محروميت از يك ماه تا يك سال

ب) (الحاقي ۰۳, ۰۵, ۱۳۸۸) چنانچه مجازات حبس آن جرم دو تا پنج سال حبس باشد، محروميت از يك تا سه سال

ج) (الحاقي ۰۳, ۰۵, ۱۳۸۸) چنانچه مجازات حبس آن جرم بیش از پنج سال حبس باشد، محروميت از سه تا پنج سال

بخش دوم (منسوخه ۰۷, ۰۸, ۱۳۹۳). آيين دادرسي

فصل يکم (منسوخه ۰۳, ۰۵, ۱۳۸۸). صلاحيت

ماده ۷۵۶ (منسوخه ۰۳, ۰۵, ۱۳۸۸) - علاوه بر موارد پيش بيني شده در ديگر قوانين، دادگاههاي ايران در موارد زیر نيز صالح به رسيدگي خواهند بود:

الف) (منسوخه ۰۳, ۰۵, ۱۳۸۸) داده هاي مجرمانه يا داده هايي که براي ارتكاب جرم به کار رفته است به هر نحو در سامانه هاي رایانه اي و مخابراتي يا حاملهاي داده موجود در قلمرو حاکميت زميني، دريايي و هوايي جمهوري اسلامي ايران ذخيره شده باشد.

ب) (منسوخه ۰۳, ۰۵, ۱۳۸۸) جرم از طريق تارنماهاي (وب سايتهاي) داراي دامنه مرتبه بالاي کد کشوري ايران ارتكاب يافته باشد

ج) (منسوخه ۰۳, ۰۵, ۱۳۸۸) جرم توسط هر ايراني يا غيرايراني در خارج از ايران عليه سامانه هاي رایانه اي و مخابراتي و تارنماهاي (وب سايتهاي) مورد استفاده يا تحت کنترل قواي سه گانه يا نهاد رهبري يا نمايندگي هاي رسمي دولت يا هر نهاد يا مؤسسه‌اي که خدمات عمومي ارائه ميدهد يا عليه تارنماهاي (وبسايتهاي) داراي دامنه مرتبه بالاي کد کشوري ايران در سطح گسترده ارتكاب يافته باشد.



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

د) (منسوخه ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) جرائم رایانه‌ای متضمن سوء استفاده از اشخاص کمتر از هجده سال، اعم از آنکه مرتکب یا بزه‌دیده ایرانی یا غیرایرانی باشد.

ماده ۷۵۷ (منسوخه ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) - چنانچه جرم رایانه‌ای در محلی کشف یا گزارش شود، ولی محل وقوع آن معلوم نباشد، دادرسی محل کشف مکلف است تحقیقات مقدماتی را انجام دهد. چنانچه محل وقوع جرم مشخص نشود، دادرسی پس از اتمام تحقیقات مبادرت به صدور قرار میکند و دادگاه مربوط نیز رأی مقتضی را صادر خواهد کرد.

ماده ۷۵۸ (منسوخه ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) - قوه قضائیه موظف است به تناسب ضرورت شعبه یا شعبی از دادرسی‌ها، دادگاه‌های عمومی و انقلاب، نظامی و تجدیدنظر را برای رسیدگی به جرائم رایانه‌ای اختصاص دهد.

ماده ۷۵۹ (منسوخه ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) - در صورت بروز اختلاف در صلاحیت، حل اختلاف مطابق مقررات قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی خواهد بود.

فصل دوم (منسوخه ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) - جمع آوری ادله الکترونیکی

مبحث اول (منسوخه ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) - نگهداری داده‌ها

ماده ۷۶۰ (منسوخه ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) - ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی موظفند داده‌های ترافیک را حداقل تا شش ماه پس از ایجاد و اطلاعات کاربران را حداقل تا شش ماه پس از خاتمه اشتراک نگهداری کنند.

تبصره ۱ (منسوخه ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) - داده ترافیک هرگونه داده‌ای است که سامانه‌های رایانه‌ای در زنجیره ارتباطات رایانه‌ای و مخابراتی تولید می‌کنند تا امکان ردیابی آنها از مبدأ تا مقصد وجود داشته باشد. این داده‌ها شامل اطلاعاتی از قبیل مبدأ، مسیر، تاریخ، زمان، مدت و حجم ارتباط و نوع خدمات مربوطه میشود.

تبصره ۲ (منسوخه ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) - اطلاعات کاربر هرگونه اطلاعات راجع به کاربر خدمات دسترسی از قبیل نوع خدمات، امکانات فنی مورد استفاده و مدت زمان آن، هویت، آدرس جغرافیایی یا پستی یا پروتکل اینترنتی (IP)، شماره تلفن و سایر مشخصات فردی اوست.

ماده ۷۶۱ (منسوخه ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) - ارائه‌دهندگان خدمات میزبانی داخلی موظفند اطلاعات کاربران خود را حداقل تا شش ماه پس از خاتمه اشتراک و محتوای ذخیره شده و داده ترافیک حاصل از تغییرات ایجاد شده را حداقل تا پانزده روز نگهداری کنند.

مبحث دوم (منسوخه ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) - حفظ فوری داده‌های رایانه‌ای ذخیره شده

ماده ۷۶۲ (منسوخه ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) - هرگاه حفظ داده‌های رایانه‌ای ذخیره شده برای تحقیق یا دادرسی لازم باشد، مقام قضائی میتواند دستور حفاظت از آنها را برای اشخاصی که به نحوی تحت تصرف یا کنترل دارند صادر کند. در شرایط فوری، نظیر خطر آسیب دیدن یا تغییر یا از بین رفتن داده‌ها، ضابطان قضائی میتوانند رأساً دستور حفاظت را صادر کنند و مراتب را حداکثر تا ۲۴ ساعت به اطلاع مقام قضائی برسانند. چنانچه هر یک از کارکنان دولت یا ضابطان قضائی یا سایر اشخاص از اجرای این دستور خودداری یا داده‌های حفاظت شده را افشاء کنند یا اشخاصی که داده‌های مزبور به آنها مربوط میشود را از مفاد دستور صادره آگاه کنند، ضابطان قضائی و کارکنان دولت به مجازات امتناع از دستور مقام قضائی و سایر اشخاص به حبس از نود و یک روز تا شش ماه یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهند شد.

تبصره ۱ (منسوخه ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) - حفظ داده‌ها به منزله ارائه یا افشاء آنها نبوده و مستلزم رعایت مقررات مربوط است.

تبصره ۲ (منسوخه ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) - مدت زمان حفاظت از داده‌ها حداکثر سه ماه است و در صورت لزوم با دستور مقام قضائی قابل تمدید است.

مبحث سوم (منسوخه ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) - ارائه داده‌ها

ماده ۷۶۳ (منسوخه ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) - مقام قضائی میتواند دستور ارائه داده‌های حفاظت شده مذکور در مواد (۳۲)، (۳۳) و (۳۴) فوق را به اشخاص یاد شده بدهد تا در اختیار ضابطان قرار گیرد. مستنکف از اجراء این دستور به مجازات مقرر در ماده (۳۴) این قانون محکوم خواهد شد.

مبحث چهارم (منسوخه ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) - تفتیش و توقیف داده‌ها و سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی

ماده ۷۶۴ (منسوخه ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) - تفتیش و توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی به موجب دستور قضائی و در مواردی به عمل می‌آید که ظن قوی به کشف جرم یا شناسایی متهم یا ادله جرم وجود داشته باشد.

ماده ۷۶۵ (منسوخه ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) - تفتیش و توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی در حضور متصرفان قانونی یا اشخاصی که به نحوی آنها را تحت کنترل قانونی دارند، نظیر متصدیان سامانه‌ها انجام خواهد شد. در غیر این صورت، قاضی با ذکر دلایل دستور تفتیش و توقیف بدون حضور اشخاص مذکور را صادر خواهد کرد.

ماده ۷۶۶ (منسوخه ۰۳، ۰۵، ۱۳۸۸) - دستور تفتیش و توقیف باید شامل اطلاعاتی باشد که به اجراء صحیح آن کمک میکند، از جمله اجراء دستور در محل یا خارج از آن، مشخصات مکان و محدوده تفتیش و توقیف، نوع و میزان داده‌های مورد نظر، نوع و تعداد سخت‌افزارها و نرم‌افزارها، نحوه دستیابی به داده‌های رمزنگاری یا حذف شده و زمان تقریبی انجام تفتیش و توقیف.



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۷۶۷ (منسوخه ۵، ۳، ۱۳۸۸) - تفتیش داده ها یا سامانه هاي رایانه‌اي و مخابراتي شامل اقدامات ذیل می‌شود:

الف) (منسوخه ۵، ۳، ۱۳۸۸) دسترسی به تمام یا بخشی از سامانه‌هاي رایانه‌اي یا مخابراتي.

ب) (منسوخه ۵، ۳، ۱۳۸۸) دسترسی به حامله‌اي داده از قبیل دیسکتها یا لوحه‌اي فشرده یا کارته‌اي حافظه.

ج) (منسوخه ۵، ۳، ۱۳۸۸) دستیابی به داده‌هاي حذف یا رمزنگاري شده.

ماده ۷۶۸ (منسوخه ۵، ۳، ۱۳۸۸) - در توقیف داده‌ها، با رعایت تناسب، نوع، اهمیت و نقش آنها در ارتکاب جرم، به روشه‌اي از قبیل چاپ داده‌ها، کپیبرداری یا تصویربرداری از تمام یا بخشی از داده‌ها، غیرقابل دسترسی کردن داده‌ها با روشه‌اي از قبیل تغییر گذرواژه یا رمزنگاري و ضبط حامله‌اي داده عمل می‌شود.

ماده ۷۶۹ (منسوخه ۵، ۳، ۱۳۸۸) - در هر يك از موارد زیر سامانه‌هاي رایانه‌اي یا مخابراتي توقیف خواهد شد:

الف) (منسوخه ۵، ۳، ۱۳۸۸) داده‌هاي ذخیره شده به سهولت در دسترسی نبوده یا حجم زیادی داشته باشد،

ب) (منسوخه ۵، ۳، ۱۳۸۸) تفتیش و تجزیه و تحلیل داده‌ها بدون سامانه سختافزاري امکانپذیر نباشد،

ج) (منسوخه ۵، ۳، ۱۳۸۸) متصرف قانوني سامانه رضایت داده باشد،

د) (منسوخه ۵، ۳، ۱۳۸۸) تصویربرداری (کپیبرداری) از داده‌ها به لحاظ فني امکانپذیر نباشد،

ه) (منسوخه ۵، ۳، ۱۳۸۸) - تفتیش در محل باعث آسیب داده‌ها شود،

ماده ۷۷۰ (منسوخه ۵، ۳، ۱۳۸۸) - توقیف سامانه هاي رایانه ای یا مخابراتي متناسب با نوع و اهمیت و نقش آنها در ارتکاب جرم با روش ه‌اي از قبیل تغییر گذرواژه به منظور عدم دسترسی به سامانه، پلمپ سامانه در محل استقرار و ضبط سامانه صورت می‌گیرد.

ماده ۷۷۱ (منسوخه ۵، ۳، ۱۳۸۸) - چنانچه در حین اجراء دستور تفتیش و توقیف، تفتیش داده هاي مرتبط با جرم ارتکابي در سایر سامانه هاي رایانه ای یا مخابراتي که تحت کنترل یا تصرف متهم قرار دارد ضروري باشد، ضابطان با دستور مقام قضائي دامنه تفتیش و توقیف را به سامانه هاي مذکور گسترش داده و داده هاي مورد نظر را تفتیش یا توقیف خواهند کرد.

ماده ۷۷۲ (منسوخه ۵، ۳، ۱۳۸۸) - چنانچه توقیف داده‌ها یا سامانه‌هاي رایانه‌اي یا مخابراتي موجب ایراد لطمه جاني یا خسارات مالي شدید به اشخاص یا اخلال در ارائه خدمات عمومي شود ممنوع است.

ماده ۷۷۳ (منسوخه ۵، ۳، ۱۳۸۸) - در مواردی که اصل داده‌ها توقیف میشود، ذینفع حق دارد پس از پرداخت هزینه از آنها کپی دریافت کند، مشروط به این که ارائه داده‌هاي توقیف شده مجرمانه یا منافي با محرمانه بودن تحقیقات نباشد و به روند تحقیقات لطمه‌اي وارد نشود.

ماده ۷۷۴ (منسوخه ۵، ۳، ۱۳۸۸) - در مواردی که اصل داده‌ها یا سامانه‌هاي رایانه‌اي یا مخابراتي توقیف می‌شود، قاضي موظف است با لحاظ نوع و میزان داده‌ها و نوع و تعداد سختافزارها و نرمافزاره‌اي مورد نظر و نقش آنها در جرم ارتکابي، در مهلت متناسب و متعارف نسبت به آنها تعیین تکلیف کند.

ماده ۷۷۵ (منسوخه ۵، ۳، ۱۳۸۸) - متضرر می‌تواند در مورد عملیات و اقدامه‌اي مأموران در توقیف داده ها و سامانه هاي رایانه ای و مخابراتي، اعتراض کتبی خود را همراه با دلایل ظرف ده روز به مرجع قضائي دستوردهنده تسلیم نماید. به درخواست یاد شده خارج از نوبت رسیدگی گردیده و تصمیم اتخاذ شده قابل اعتراض است.

مبحث پنجم (منسوخه ۵، ۳، ۱۳۸۸) - شئود محتوای ارتباطات رایانه‌اي

ماده ۷۷۶ (منسوخه ۵، ۳، ۱۳۸۸) - شئود محتوای در حال انتقال ارتباطات غیرعمومي در سامانه‌هاي رایانه‌اي یا مخابراتي مطابق مقررات راجع به شئود مکالمات تلفنی خواهد بود.

تبصره (منسوخه ۵، ۳، ۱۳۸۸) - دسترسی به محتوای ارتباطات غیرعمومي ذخیره شده، نظیر پست الکترونیکی یا پیامک در حکم شئود و مستلزم رعایت مقررات مربوط است.

فصل سوم (منسوخه ۵، ۳، ۱۳۸۸) - استنادپذیری ادله الکترونیکی

ماده ۷۷۷ (منسوخه ۵، ۳، ۱۳۸۸) - به منظور حفظ صحت و تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری ادله الکترونیکی جمع آوری شده، لازم است مطابق آیین نامه مربوط از آنها نگهداری و مراقبت به عمل آید.



قانون مجازات اسلامي - مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸

ماده ۷۷۸ (منسوخه ۱۳۸۸, ۰۳, ۰۵) - چنانچه داده‌های رایانه‌ای توسط طرف دعوا یا شخص ثالثی که از دعوا آگاهی نداشته، ایجاد یا پردازش یا ذخیره یا منتقل شده باشد و سامانه رایانه‌ای یا مخابراتی مربوط به نحوی درست عمل کند که به صحت و تمامیت، اعتبار و انکار ناپذیری داده‌ها خدشه وارد نشده باشد، قابل استناد خواهد بود.

ماده ۷۷۹ (منسوخه ۱۳۸۸, ۰۳, ۰۵) - کلیه مقررات مندرج در فصلهای دوم و سوم این بخش، علاوه بر جرائم رایانه‌ای شامل سایر جرائمی که ادله الکترونیکی در آنها مورد استناد قرار میگیرد نیز میشود.

بخش سوم (الحاقی ۱۳۸۸, ۰۳, ۰۵) - سایر مقررات

ماده ۷۸۰ (الحاقی ۱۳۸۸, ۰۳, ۰۵) - در مواردی که سامانه رایانه‌ای یا مخابراتی به عنوان وسیله ارتکاب جرم به کار رفته و در این قانون برای عمل مزبور مجازاتی پیش بینی نشده است، مطابق قوانین جزائی مربوط عمل خواهد شد.

ماده ۷۸۱ (الحاقی ۱۳۸۸, ۰۳, ۰۵) - میزان جزاهای نقدی این قانون بر اساس نرخ رسمی تورم حسب اعلام بانک مرکزی هر سه سال یک بار با پیشنهاد رئیس قوه قضائیه و تصویب هیأت وزیران قابل تغییر است.

ماده ۷۸۲ (الحاقی ۱۳۸۸, ۰۳, ۰۵) - آیین نامه های مربوط به جمع آوری و استنادپذیری ادله الکترونیکی ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزارت دادگستری با همکاری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید.

ماده ۷۸۳ (اصلاحی ۱۳۸۸, ۰۳, ۰۵) - کلیه قوانین مغایر با این قانون از جمله قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن ملغی است.

موضوع « مجازات اسلامي » مشتمل بر چهارمصد و نود و هفت ماده و یکمصد و سه تبصره که طبق اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی در جلسه روز سه شنبه هشتم مرداد ماه یکهزار و سیصد و هفتاد کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده و در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ هجدهم دیماه یکهزار و سیصد و شصت و نه با پنج سال مدت اجرای آزمایشی آن موافقت گردیده و ماده ۵ آن مورد اختلاف مجلس و شورای نگهبان قرار گرفته ، در اجرای اصل یکمصد و دوازدهم قانون اساسی در جلسه ی روز پنج شنبه مورخ هفتم آذرماه یکهزار و سیصد و هفتاد مجمع تشخیص مصلحت نظام بررسی و ماده ۵ لایحه ی فوق الذکر عیناً به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است .

کتاب پنجم قانون فوق مشتمل بر دویست و سی و دو ماده و چهل و چهار تبصره در جلسه روز چهارشنبه دوم خرداد ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۵/۳/۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

لازم به ذکر است که شماره مواد مصوبه مجلس تحت عنوان کتاب پنجم - تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده بدنبال مواد قانون مجازات اسلامی که قبلاً به تصویب رسیده از شماره ۴۹۸ تا ۷۲۹ تدوین گردیده است.

رئیس مجلس شورای اسلامی - علی اکبر ناطق نوری

معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات - معاونت حقوقی ریاست جمهوری (Qavanin.ir)

